

# Holy Bible

*Aionian* Edition®

فارسی

**Open Persian Contemporary Bible  
Gospel Primer**

# جدول محتوا

مقدمه

پیدایش 4-1

یوحنای 21-1

مکاشفه 22-19

66 آیات

راهنمای خوانندگان

واژه نامه

نقشه ها

سرنوشت

Doré تصاویر

Welcome to the *Gospel Primer*. The Aionian Bible invites you to review popular Christian understanding. Is it possible that the most well-known verse in the Bible is mistranslated, John 3:16? Are the destinies of Heaven and Hell really the whole story? And are misunderstandings of this magnitude even possible? First, know that the Aionian Bible does not abandon Christian heritage. We have much to learn from godly people throughout all ages. Yet, this booklet is a new primer to the truly good news of Jesus Christ, the savior of all mankind.

---

*Holy Bible Aionian Edition ®*

فارسی

Open Persian Contemporary Bible  
Gospel Primer

Creative Commons Attribution ShareAlike 4.0 International, 2018-2025

Source text: eBible.org

Source version: 12/28/2024

Source copyright: Creative Commons Attribution ShareAlike 4.0

Biblica, Inc., 1995, 2005, 2018, 2022

Original work available for free at [www.biblica.com](http://www.biblica.com) and [open.bible](http://open.bible)

Formatted by Speedata Publisher 5.0.0 (Pro) on 3/15/2025

100% Free to Copy and Print

TOR Anonymously

<https://AionianBible.org>

Published by Nainoia Inc, <https://Nainoia-Inc.signedon.net>

All profits are given to <https://CoolCup.org>

We pray for a modern Creative Commons translation in every language  
Translator resources at <https://AionianBible.org/Third-Party-Publisher-Resources>

Report content and format concerns to Nainoia Inc

Volunteer help is welcome and appreciated!

## مقدمة

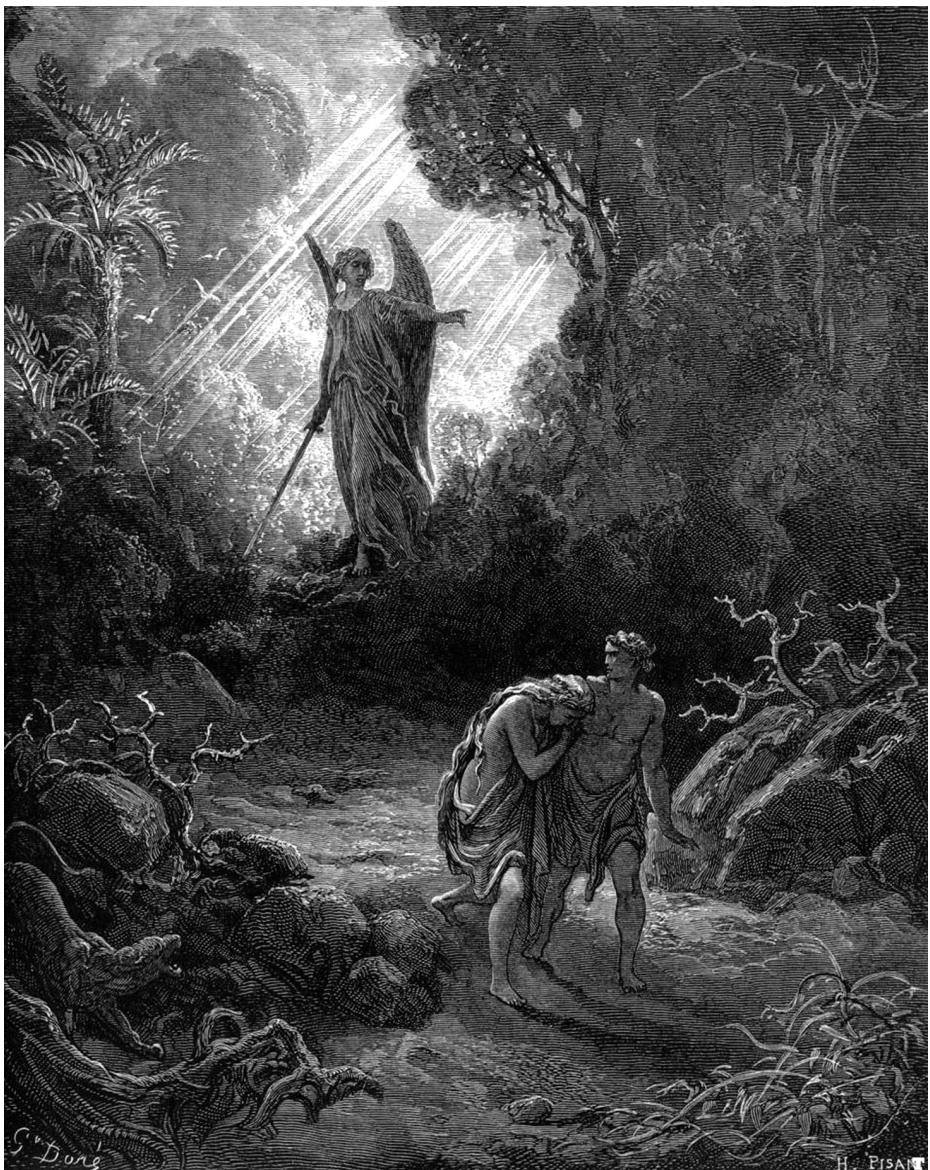
فارسی at [AionianBible.org/Preface](http://AionianBible.org/Preface)

The *Holy Bible Aionian Edition* ® is the world's first Bible *un-translation*! What is an *un-translation*? Bibles are translated into each of our languages from the original Hebrew, Aramaic, and Koine Greek. Occasionally, the best word translation cannot be found and these words are transliterated letter by letter. Four well known transliterations are *Christ*, *baptism*, *angel*, and *apostle*. The meaning is then preserved more accurately through context and a dictionary. The Aionian Bible un-translates and instead transliterates eleven additional Aionian Glossary words to help us better understand God's love for individuals and all mankind, and the nature of afterlife destinies.

The first three words are *aiōn*, *aiōnios*, and *aīdios*, typically translated as *eternal* and also *world* or *eon*. The Aionian Bible is named after an alternative spelling of *aiōnios*. Consider that researchers question if *aiōn* and *aiōnios* actually mean *eternal*. Translating *aiōn* as *eternal* in Matthew 28:20 makes no sense, as all agree. The Greek word for *eternal* is *aīdios*, used in Romans 1:20 about God and in Jude 6 about demon imprisonment. Yet what about *aiōnios* in John 3:16? Certainly we do not question whether salvation is *eternal*! However, *aiōnios* means something much more wonderful than infinite time! Ancient Greeks used *aiōn* to mean *eon* or *age*. They also used the adjective *aiōnios* to mean *entirety*, such as *complete* or even *consummate*, but never infinite time. Read Dr. Heleen Keizer and Ramelli and Konstan for proofs. So *aiōnios* is the perfect description of God's Word which has *everything* we need for life and godliness! And the *aiōnios* life promised in John 3:16 is not simply a ticket to *eternal* life in the future, but the invitation through faith to the *consummate* life beginning now!

The next seven words are *Sheol*, *Hadēs*, *Geenna*, *Tartaroō*, *Abyssos*, and *Limnē Pyr*. These words are often translated as *Hell*, the place of *eternal punishment*. However, *Hell* is ill-defined when compared with the Hebrew and Greek. For example, *Sheol* is the abode of deceased believers and unbelievers and should never be translated as *Hell*. *Hadēs* is a temporary place of punishment, Revelation 20:13-14. *Geenna* is the Valley of Hinnom, Jerusalem's refuse dump, a temporal judgment for sin. *Tartaroō* is a prison for demons, mentioned once in 2 Peter 2:4. *Abyssos* is a temporary prison for the Beast and Satan. Translators are also inconsistent because *Hell* is used by the King James Version 54 times, the New International Version 14 times, and the World English Bible zero times. Finally, *Limnē Pyr* is the Lake of Fire, yet Matthew 25:41 explains that these fires are prepared for the Devil and his angels. So there is reason to review our conclusions about the destinies of redeemed mankind and fallen angels.

The eleventh word, *e/ēsē*, reveals the grand conclusion of grace in Romans 11:32. Please understand these eleven words. The original translation is unaltered and a highlighted note is added to 64 Old Testament and 200 New Testament verses. To help parallel study and Strong's Concordance use, apocryphal text is removed and most variant verse numbering is mapped to the English standard. We thank our sources at [eBible.org](http://eBible.org), [Crosswire.org](http://Crosswire.org), [unbound.Biola.edu](http://unbound.Biola.edu), [Bible4u.net](http://Bible4u.net), and [NHEB.net](http://NHEB.net). The Aionian Bible is copyrighted with [creativecommons.org/licenses/by/4.0](http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), allowing 100% freedom to copy and print, if respecting source copyrights. Check the Reader's Guide and read at [AionianBible.org](http://AionianBible.org), with Android, and with TOR network. Why purple? King Jesus' Word is royal and purple is the color of royalty! All profits are given to [CoolCup.org](http://CoolCup.org).



یهود خدا پس از بیرون راندن آنها، در سمت شرقی باع عدن کرویانی قرار داد و نیز شمشیری آتشین در آن گذاشت که به هر طرف می‌چرخید، تا راه «درخت حیات» را محافظت کند.

3:24 پیدایش

# پیدایش

1

و تمام خزندگان را، که هر یک نوع خود را تولید می‌کنند، به وجود آورد. و خدا دید که نیکوست. 26 سپس خدا فرمود: «انسان را

در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید. 2 زمین، بی‌شکل و به صورت خود و شیوه خودمان بسازیم، تا بر ماهیان دریا، پرندگان خالی بود، و تاریکی آبهای عمیق را پوشانده بود. و روح خدا بر سطح آسمان، و بر چارپایان و همه جانوار وحشی و خزندگان روی زمین آبها در حرکت بود. 3 خدا فرمود: «روشنایی بشود.» و روشنایی حکومت کنید.» 27 پس خدا انسان را به صورت خود آفرید؛ ایشان شد. 4 خدا روشنایی را پسندید و آن را از تاریکی جدا ساخت. را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید. 28 سپس خدا 5 او روشنایی را «روز» و تاریکی را «شب» نامید. شب گذشت و ایشان را برکت داده، فرمود: «بارور و زیاد شوید، زمین را بُر سازید، بر صبح شد. این، روز اول بود. 6 سپس خدا فرمود: «فضایی باشد آن تسلط یابید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بین آبها، تا آبهای بالا را از آبهای پائین جدا کنید.» 7 پس خدا بر زمین حرکت می‌کنند، فرمائزهای کنید. 29 آنگاه خدا گفت: فضایی به وجود آورد تا آبهای پائین را از آبهای بالا جدا کند. 8 خدا «تمام گیاهان دانه‌دار روی زمین را و همه میوه‌های درختان را برای این فضا را «آسمان» نامید. شب گذشت و صبح شد. این، روز خوارک به شما دادم، 30 و همه علفهای سبز را به همه جانوران دوم بود. 9 پس از آن خدا فرمود: «آبهای زیر آسمان در یک جا وحشی، پرندگان آسمان و خزندگان روی زمین، یعنی به هر موجودی جمع شوند تا خشکی پدید آید.» و چنین شد. 10 خدا خشکی را که جان در خود دارد، بخشمید.» 31 آنگاه خدا به آنچه آفریده بود «زمین» و اجتماع آبها را «دریا» نامید. و خدا دید که نیکوست. نظر کرد و کار آفرینش را از هر لحظه عالی دید. شب گذشت و 11 سپس خدا فرمود: «زمین نباتات برویاند، گیاهان دانه‌دار و درختان صبح شد. این، روز ششم بود.

میوه‌دار که هر یک، نوع خود را تولید کنند.» و چنین شد. 12 زمین

2 به این ترتیب آفرینش آسمانها و زمین و هر چه در آنها بود، بیانات رویانید، گیاهانی که برحسب نوع خود دانه تولید می‌کردند، و درختانی که برحسب نوع خود میوه دانه‌دار می‌آورند. و خدا دید تکمیل گردید. 2 با فرا رسیدن روز هفتم، خدا کار آفرینش را تمام کرد؛ پس در هفتمین روز، از همه کار خود بیاسود. 3 خدا روز هفتم که نیکوست. 13 شب گذشت و صبح شد. این، روز سوم بود. را برکت داده، آن را مقدس اعلام فرمود، زیرا روزی بود که خدا پس از 14 سپس خدا فرمود: «در آسمان اجسام نورافشان باشد تا روز را از شب جدا کنند، و نشانه‌هایی باشد برای نشان دادن فصل‌ها، روزها، پایان کار آفرینش، آرام گرفت.» 4 این بود تاریخچه آسمانها و زمین. هنگامی که یهوده خدا آسمانها و زمین را ساخت 5 هیچ یوته و گیاهی و سال‌ها. 15 و این اجسام نورافشان در آسمان، بر زمین بتابند.» و بر زمین نزدیک بود، زیرا یهوده خدا هنوز باران نبارانیه بود، و همچنین چنین شد. 16 پس خدا دو جسم نورافشان بزرگ ساخت: جسم نورافشان بزرگتر برای حکومت بر روز و جسم نورافشان کوچکتر برای آدمی نبود که روی زمین کشته و زرع نماید؛ 6 اما آب از زمین بیرون حکومت بر شب. او همچنین ستارگان را ساخت. 17 خدا آنها را در آسمان قرار داد تا زمین را روشن سازند، 18 بر روز و شب حکومت خاک زمین، آدم را سرست. سپس در بینی آدم روح حیات دمیده، به او جان بخشید و آدم، موجود زنده‌ای شد. 8 پس از آن، یهوده خدا کنند، و روشنایی و تاریکی را از هم جدا سازد. و خدا دید که نیکوست. 19 شب گذشت و صبح شد. این، روز چهارم بود.

در سزمین عدن که در شرق بود، پاغی به وجود آورد و آدمی را که آفریده بود در آن باغ گذاشت. 9 یهوده خدا اندیع درختان زیبا در آن باغ رویانید تا میوه‌های خوش طعم دهند. او در وسط باغ، «درخت فراز آسمان به پرواز درآیند.» 21 پس خدا حیوانات بزرگ دریایی و انواع جانداران را که می‌جنبد و آبها را بر می‌سازند و نوع خود را تولید 20 از سزمین عدن رودخانه‌ای به سوی باغ جاری شد تا آن را آبیاری کند. سپس این رودخانه به چهار رود کوچکتر تقسیم گردید. 11 رود خدا دید که نیکوست. 22 پس خدا آنها را برکت داده، فرمود: «بارور و زیاد شوید. حیوانات دریایی آبها را بُر سازند و پرندگان نیز بر می‌شود، دور می‌زنند.» 12 سزمین بسیار خالص است، و در زمین زیاد شوند.» 23 شب گذشت و صبح شد. این، روز پنجم آنجا صمنخ خوشبو و سنگ جتوغ نیز یافت می‌شود. 13 رود دوم بود. 24 سپس خدا فرمود: «زمین، انواع حیوانات را که هر یک نوع خود را تولید می‌کنند، به وجود آورد: چارپایان، خزندگان و جانوران جیجیون است که از سزمین کوش عبور می‌کند. 14 سومین رود، دجله است که به سوی شرق آشور جاری است و رود چهارم فرات وحشی را.» و چنین شد. 25 خدا انواع جانوران وحشی، چارپایان،

است. ۱۵ یهوه خدا آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و برهنه‌ای؟ آیا از میوه آن درختی خورده که به تو گفته بودم از آن از نگهداری نماید. ۱۶ اما یهوه خدا به او گفت: «تو می‌توانی از نخوری؟» ۱۷ آدم جواب داد: «این زن که می‌باشد من ساختنی، از آن همه میوه‌های درختان باع آزادانه بخوری، ۱۸ بجز میوه درخت میوه به من داد و من هم خوردم.» ۱۹ آنگاه یهوه خدا از زن پرسید: شناخت نیک و بد. زیرا اگر از میوه آن بخوری، مطمئن باش خواهی «این چه کاری بود که کردی؟» زن گفت: «مار مرا فریب داد.» ۲۰ یهوه خدا فرمود: «شایسته نیست آدم تنها بماند. باید برای ۲۱ پس یهوه خدا به مار فرمود: «به سبب انجام این کار، از تمام او بار مناسبی به وجود آرم.» ۲۲ آنگاه یهوه خدا همه حیوانات و حیوانات وحشی و اهلی زمین ملعونتر خواهی بود. تا زنده‌ای روی پرنده‌گانی را که از خاک سروشته بود، نزد آدم آورد تا بیند آدم چه شکست خواهی خزید و خاک خواهی خورد. ۲۳ بین تو و زن، و نامهایی بر آنها خواهد گذاشت. بدین ترتیب تمام حیوانات و پرنده‌گان نیز بین نسل تو و نسل زن، خصوصت می‌گذارم. نسل زن سر تو نامگذاری شدند. ۲۴ پس آدم تمام چاریابان و پرنده‌گان آسمان و را خواهد کویید و تو پاشنه‌ی وی را خواهی زد.» ۲۵ آنگاه به زن همه جانوران وحشی را نامگذاری کرد، اما برای او بار مناسبی یافت فرمود: «درد زیمان تو را زیاد می‌کنم و تو با درد فرزندان خواهی نشد. ۲۶ آنگاه یهوه خدا آدم را به خوبی عمیقی فرو برد و یکی از زایید. مشتاق شوهرت خواهی بود و او بر تو سلط خواهد داشت.» ۲۷ دنده‌هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پُر کرد. ۲۸ سپس خداوند به آدم فرمود: «چون گفته زنت را پذیری‌فی و از میوه یهوه خدا از آن دنده، زنی سرشت و او را پیش آدم آورد. ۲۹ آدم آن درختی خورده که به تو گفته بودم از آن نخوری، زمین زیر لعنت گفت: «این است استخوانی از استخوانهایم و گوشتش از گوشتم. نام قرار خواهد گرفت و تو تمام ایام عمرت با رفع و زحمت از آن کسب او» نسا «باشد، چون از انسان گرفته شد.» ۳۰ به این سبب است که معاش خواهی کرد. ۳۱ از زمین خار و خاشاک برایت خواهد رویید و مرد از پدر و مادر خود جدا می‌شود و به زن خود می‌پیوندد، و از آن گیاهان صحراء را خواهی خورد. ۳۲ تا آخر عمر به عرق پیشانی ات نان پس، آن دو یک تن می‌شوند. ۳۳ آدم و زنش هر چند برهنه بودند، خواهی خود و سرانجام به همان خاکی باز خواهی گشت که از آن گرفته شدی؛ زیرا تو از خاک سروشته شدی و به خاک هم برخواهی ولی احساس شم نمی‌کردند.

### ۳

مار از همه حیواناتی که یهوه خدا ساخته بود، زیرکتر بود. روزی می‌پایست مادر همه زندگان شود. ۳۴ یهوه خدا لیسه‌ای از پوست خوردن میوه تمام درختان باع منع کرده است؟» ۳۵ زن در جواب گفت: «ما اجازه داریم از میوه همه درختان بخوریم، ۳۶ به جای میوه درختی که در وسط باع است. خدا فرموده است که از میوه آن درخت نخوریم و حتی به آن دست نزنیم و گرنه می‌میریم.» ۳۷ مار آدم برود و در زمینی که از خاک آن سروشته شده بود، کار کرد. ۳۸ یهوه خدا پس از بیرون راندن آنها، در سمت شرقی باع عدن گفت: «مطمئن باش نخواهید مُرد! ۳۹ بلکه خدا خوب می‌داند زمانی که از میوه آن درخت بخوردی، چشمان شما باز می‌شود و ماند خدا کرویانی قرار داد و نیز شمشیری آتشین در آن گذاشت که به هر طرف می‌چرخید، تا راه «درخت حیات» را محافظت کند.

### ۴

۴۰ پس از میوه ۴۱ خوش طعم باشد و به من دانایی بپخشند. آنگاه حوا گفت: «به درخت چید و خورد و به شوهرش هم که با او بود داد و او نیز خورد. کمک خداوند مردی حاصل نمودم.» پس نام او را قائن گذاشت. ۴۲ آنگاه چشمان هر دو باز شد و ناگهان متوجه برهنگی خود شده، ۴۳ بار دیگر حامله شده، پسری زاید و نام او را هایل گذاشت. احساس شرم کردند. پس با برگهای درخت انجیر پوششی برای خود هایل به گله‌داری پرداخت و قائن به کشاورزی مشغول شد. ۴۴ پس درست کردند. ۴۵ عصر همان روز وقتی آدم و زنش، صدای یهوه از مدتی، قائن هدیه‌ای از حاصل زمین خود را به حضور خداوند خدا را که در باع راه می‌رفت شنیدند، خود را لابلای درختان پنهان آورد. ۴۶ هایل نیز چند رأس از نخست‌زادگان گله خود را ذبح کرد و کردند. ۴۷ یهوه خدا آدم را ندا داد: «ای آدم، کجا هستی؟» ۴۸ بهترین قسمت گوشت آنها را به خداوند تقدیم نمود. خداوند هایل و جواب داد: «صدای تو را در باع شنیدم و ترسیدم، زیرا برهنه بودم؛ هدیه‌اش را پذیرفت، ۴۹ اما قائن و هدیه‌اش را قبول نکرد. پس قائن پس خود را پنهان کرد.» ۵۰ خدا فرمود: «چه کسی به تو گفت که برآشست و از شدت خشم سرش را به زیر افکنید. ۵۱ خداوند از قائن

پرسید: «چرا خشمگین شده‌ای و سرت را به زیر افکنده‌ای؟<sup>7</sup> اگر نام نهادند. در زمان انوش بود که مردم به خواندن نام خداوند آغاز درست عمل کنی، آیا پذیرفته نمی‌شوی؟ اما اگر درست رفتار نکنی، کردند.

بدان که گناه در کمین توست و می‌خواهد بر تو مسلط شود، ولی تو پاید بر آن چهره شوی.»<sup>8</sup> روزی قائن از برادرش هایل خواست که با او به صحراء برود. هنگامی که آنها در صحراء بودند، ناگهان قائن به برادرش حمله کرد و او را کشت.<sup>9</sup> آنگاه خداوند از قائن پرسید: «برادرت هایل کجاست؟» قائن جواب داد: «از کجا بدانم؟ مگر من نگهبان برادرم هستم؟»<sup>10</sup> خداوند فرمود: «این چه کاری بود که کردی؟ خون برادرت از زمین نزد من فریاد برمی‌آورد.»<sup>11</sup> اکنون ملعون هستی و از زمینی که با خون برادرت آن را زنگین کرده‌ای، طرد خواهی شد.<sup>12</sup> از این پس، هر چه کار کنی، دیگر زمین محصول خود را آنچنان که باید، به تو نخواهد داد، و تو در جهان آواره و پریشان خواهی بود.»<sup>13</sup> قائن گفت: «مجازات من سنگیتر از آن است که بعوان تحمل کنم.»<sup>14</sup> امروز مرا از این سرزمین و از حضور خودت می‌رانی و مرا در جهان آواره و پریشان می‌گردانی، پس هر که مرا ببیند مرا خواهد گشت.»<sup>15</sup> خداوند به او گفت: «چنین نخواهد شد؛ زیرا هر که تو را بکشد، مجازاتش هفت برابر شدیدتر از مجازات تو خواهد بود.» سپس خداوند نشانی بر قائن گذاشت تا هرگاه کسی با او برحورده کند، او را نکشد.<sup>16</sup> آنگاه قائن از حضور خداوند بیرون رفت و در زمین نُود (یعنی «سرگردانی») در سمت شرقی عدن ساکن شد.<sup>17</sup> چندی بعد همسر قائن آبستن شده خوش را به دنیا آورد. آنگاه قائن شهری ساخت و نام پسرش خنوح را بر آن شهر گذاشت.<sup>18</sup> خنوح پدر عیراد، عیراد پدر محوبائیل، محوبائیل پدر متواشیل و متواشیل پدر لمک بود.<sup>19</sup> لمک دو زن به نامهای عاده و ظله گرفت.<sup>20</sup> عاده پسری زایید و اسم او را یابال گذاشتند. او کسی بود که خیمه‌نشینی و گله‌داری را رواج داد.<sup>21</sup> برادرش یوبال اولین موسیقیدان و مخترع چنگ و نی بود.<sup>22</sup> ظله، زن دیگر لمک هم پسری زایید که او را تویل قائن نامیدند. او کسی بود که کار ساختن آلات آهنی و مسی را شروع کرد. خواهر تویل قائن، نعمه نام داشت.<sup>23</sup> روزی لمک به همسران خود، عاده و ظله، گفت: «ای زنان به من گوش کنید. جوانی را که مرا محروم کرده بود، گوشت.»<sup>24</sup> اگر قرار است مجازات کسی که قائن را بکشد، هفت برابر مجازات قائن باشد، پس مجازات کسی هم که بخواهد مرا بکشد، هفتاد و هفت برابر خواهد بود.»<sup>25</sup> پس از آن، آدم و حوا صاحب پسر دیگری شدند. حوا گفت: «خدا به جای هایل که به دست برادرش قائن کشته شده بود، پسری دیگر به من عطا کرد.» پس نام او را شیث (یعنی «عطای شده») گذاشت.<sup>26</sup> وقتی شیث بزرگ شد، برایش فرزندی به دنیا آمد که او را انوش



در چین و وضعی، عیسی فرمود: «ای پدر، اینها را بیخشن، زیرا که نمی دانند چه می کنند.» سریازان رومی لیاسهای عیسی را به حکم قرعه میان خود

تقسیم کردند.

لوقا 23:34

گفت: «من مردم را فقط با آب تعمید می‌دهم؛ ولی همینجا در

میان این جمعیت، کسی هست که شما او را نمی‌شناسید. ۲۷ او

در آغاز کلمه بود، کلمه با خدا بود، و کلمه، خدا بود. ۲ او بهزودی خدمت خود را در بین شما آغاز می‌کند. مقام او به قدری

در آغاز با خدا بود. ۳ هر چه وجود دارد، بهوسیله او آفریده شده و بزرگ است که من حتی شایسته نیستم بند کفشهایش را باز کنم.»

چیزی نیست که توسط او آفریده نشده باشد. ۴ در او حیات بود، و ۲۸ این گفتگو در بیت عیا روی داد. بیت عیا در آن طرف رود اردنه و

این حیات همانا نور جمیع انسان‌ها بود. ۵ او همان نوری است که جایی است که یعنی مردم را تعمید می‌داد. ۲۹ روز بعد، یعنی

در تاریکی می‌درخشد و تاریکی هرگز نمی‌تواند آن را خاموش کند. عیسی را دید که به سوی او می‌آید. پس به مردم گفت: «نگاه کنید!

۶ خدا یعنی را فرستاد ۷ تا این نور را به مردم معرفی کند و مردم این همان برآی است که خدا فرستاده تا برای آمزش گاهان تمام

بهواسطه او ایمان آورند. ۸ یعنی آن نور نبود، او فقط شاهدی بود تا مردم دنیا فرباتی شود. ۳۰ این همان کسی است که گفتم بعد از من

نور را به مردم معرفی کند. ۹ آن نور حقیقی که هر انسانی روشنایی می‌آید ولی مقامش از من بالاتر است، زیرا پیش از آنکه من باشم، او

می‌بخشد، به جهان می‌آمد. ۱۰ گرچه جهان را او آفریده بود، اما وجود داشت. ۳۱ من هم او را نمی‌شاختم، اما برای این آمدم که

زمانی که به این جهان آمد، کسی او را نشناختم. ۱۱ او نزد قوم خود مردم را با آب تعمید دهم تا به این وسیله او را به قوم اسرائیل معرفی

آمد، اما حتی آنها نیز او را نپذیرفتند. ۱۲ اما به تمام کسانی که او را کنم.» ۳۲ سپس گفت: «من روح خدا را دیدم که به شکل کبوتری

پذیرفتند و به او ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان خدا گردند. از آسمان آمد و بر او قرار گرفت. ۳۳ همان طور که گفتم، من هم او

۱۳ این اشخاص تولدی نو یافتدند، نه همچون تولد های معمولی که را نمی‌شناختم ولی وقته خدا مرا فرستاده تا مردم را تعمید دهم، در

نتیجه امیال و خواسته‌های آدمی است، بلکه این تولد را خدا به ایشان همان وقت به من فرمود: «هرگاه دیدی روح خدا از آسمان آمد و

عطای فرمود. ۱۴ کلمه، انسان شد و بر روی این زمین و در بین ما بر کسی قرار گرفت، بدان که او همان است که منتظرش هستید.

زندگی کرد. او لبیز از فضی و راستی بود. ما جلال او را به چشم اوست که مردم را با روح القدس تعیید خواهد داد.» ۳۴ و چون من

خود دیدم، جلال پسر بی‌نظیر پدر آسمانی ما، خدا. ۱۵ یعنی او را با چشم خود این را دیده‌ام، شهادت می‌دهم که او پسر خداست.»

به مردم معرفی کرد و گفت: «این همان است که به شما گفتم ۳۵ فردا آن روز، وقته یعنی با دو نفر از شاگردان خود ایستاده

کسی که بعد از من می‌آید، مقامش از من بالاتر است، زیرا پیش از بود، ۳۶ عیسی را دید که از آنجا می‌گذرد، یعنی با اشتیاق به او

آنکه من باشم، او وجود داشت. ۱۶ از فراوانی او، برکاتی فضی آمیز نگاه کرد و گفت: «بیبینید! این همان برآی است که خدا فرستاده

بی‌دری نصیب همگی ما شد. ۱۷ زیرا شریعت بهواسطه موسی داده است.» ۳۷ آنگاه دو شاگرد یعنی برگشتند و در بی‌عیسی رفتند.

شد، اما فضی و راستی بهوسیله عیسی مسیح آمد. ۱۸ کسی هرگز ۳۸ عیسی که دید دو نفر به دنیا او می‌آید، برگشت و از ایشان

خدای را ندیده است؛ اما پسر بگانه خدا که به قلب پدرش نزدیک پرسید: «چه می‌خواهید؟» جواب دادند: «آقا، کجا اقامت دارید؟»

خدا را ندانید که به اینجا فرستاده است؛ اما پسر بگانه خدا که به اینجا فرستاده است، اینجا اقامت دارد.» ۱۹ پس همراه عیسی رفتند و از ساعت

تن از کاهان و دستیارانش را نزد یعنی فرستادند تا بدانند آیا او ادعا چهار بعد از ظهر تا غروب نزد او مانندند. ۴۰ (یکی از آن دو،

می‌کند که مسیح است یا نه. ۲۰ یعنی صریحاً اظهار داشت: آندریاس برادر شمعون پطرس بود. ۴۱ آندریاس رفت و برادر خود را

نه، من مسیح نیستم.» ۲۱ پرسیدند: «خوب، پس که هستی؟ آیا یافته‌ی، به او گفت: «شمعون، ما مسیح را پیدا کدهادم!» ۴۲ و

ایلیا پیامبر هستی؟» جواب داد: «نه!» پرسیدند: «آیا آن پیامبر او را آورد تا عیسی را بینند. عیسی چند لحظه به او نگاه کرد و

نیستی که ما چشم به راهش می‌باشیم؟» باز هم جواب داد: «نه.» فرمود: «تو شمعون، پسر بونا هستی. ولی از این پس پطرس نامیده

۲۲ گفتند: «پس بگو کیستی تا بتوانیم برای سران قوم که ما را به خواهی شد!» (پطرس یعنی «صخره»). ۴۳ روز بعد، عیسی تصمیم

اینچه فرستاده‌اند، جوابی پیرم.» ۲۳ یعنی گفت: «چنانکه اشیاعی گرفت به ایالت جلیل برود. در راه، فیلیپ را دید و به او گفت:

نبی پیشگویی کرده، من صدای ندا کننده‌ای هستم که در بیابان «همراه من بیا.» ۴۴ (فیلیپ نیز اهل بیت صیدا و همشهری آندریاس

فریاد می‌زند: ای مردم، راه را برای آمدن خداوند هموار سازید.» و پطرس بود. ۴۵ فیلیپ رفت و نتائیل را پیدا کرد و به او گفت:

۲۴ سپس، افادی که از طرف فرقه فریسی‌ها آمده بودند، ۲۵ از «نتائیل، ما مسیح را یافته‌یم، همان کسی که موسی و پیامبران

او پرسیدند: «خوب، اگر نه مسیح هستی، نه ایلیا و نه آن پیامبر، خدا درباره‌اش خبر داده‌اند. نامش عیسی است، پسر یوسف و اهل

پس با چه اجازه و اختیاری مردم را تعمید می‌دهی؟» ۲۶ یعنی ناصره.» ۴۶ نتائیل با تعجب پرسید: «گفتی اهل ناصره؟ مگر ممکن

است از ناصره هم چیز خوبی بیرون آید؟» فلیپ گفت: «خودت بیا وازگون ساخت. **16** سپس به سراغ کبوترفوشن رفت و گفت: «اینها او را بین». **47** عیسی وقی دید که نتائیل نزدیک می شود، به او را از آنجا بیرون ببرید و خانه پدر مرا به بازار تبدیل نکنید. **17** آنگاه فرمود: «بینید، این شخص که می آید، مردی پس صدیق و یک شاگردان او آن نبوت کتب مقدس را به یاد آوردند که می فرماید: اسرائیلی واقعی است.» **48** نتائیل پرسید: «مرا از کجا می شناسی؟» «اشتایقی که برای خانه تو دارم، مثل آتش در من زبانه می کشد.» عیسی فرمود: «قبل از آنکه فلیپ تو را پیدا کند، من زیر درخت انجیر **18** سران قوم بیهود از عیسی پرسیدند: «تو چه اجازه و اختیاری داری تو را دیدم.» **49** نتائیل حیرت زده گفت: «استاد، تو پسر خدای! تو که این کارها را انجام دهی؟ اگر خدا اجازه این را به تو داده، با پادشاه اسرائیل می باشی!» **50** عیسی گفت: «چون فقط گفتم تو را نشانه‌ای معجزه‌آسان را به ما ثابت کن!» **19** عیسی جواب داد: زیر درخت انجیر دیدم، به من ایمان آوردم؟ بعد از این چیزهای بزرگتر «بسیار خوب، معجزه‌ای که برای شما می کنم این است: این معبد را خواهی دید.» **51** سپس اضافه کرد: «براستی به شما می گویم که خراب کنید تا من در عرض سه روز آن را دوباره بسازم!» **20** گفتند: خواهید دید آسمان گشوده شده و فرشتگان خدا پر انسان بالا و «جهه می گویی؟ چهل و شصت سال طول کشید تا این خانه را ساختند. پایین می روند، چرا که او همان نزدیان میان آسمان و زمین است.» تو می خواهی در سه روز آن را بسازی؟ **21** ولی منظور عیسی از «این معبد»، بدن خودش بود. **22** پس از اینکه عیسی از میان **2** دو روز بعد، مادر عیسی در یک جشن عروسی در دهکده مردگان برخاست و زنده شد، شاگردانش این گفته اورا به یاد آوردند. قانا در جلیل میهمان بود. **2** عیسی و شاگردان او نیز به عروسی آنگاه به کتب مقدس و نیز به کلام عیسی ایمان آوردند. **23** به خاطر دعوت شده بودند. **3** هنگام جشن، شراب تمام شد. مادر عیسی نشانه‌های معجزه‌آسای او در روزهای عید، بسیاری در اورشلیم به او با نگرانی نزد او آمد و گفت: «شراب ندارند!» **4** عیسی فرمود: ایمان آوردم. **24** ولی عیسی به آنها اعتماد نکرد، چون از قلب مردم «بانوی گرامی، چرا مرا درگیر این کار می سازی؟ زمان من هنوز فرا آکاه بود، **25** و لازم نبود کسی به او بگوید که مردم چقدر زود تغییر نرسیده است.» **5** با این حال، مادر عیسی به خدمتکاران گفت: عقیده می دهنده، چون او انسان را خوب می شناخت.

هر چه به شما می گوید، انجام دهید.» **6** در آنجا شش خمرة **3** در این میان، مردی بود از گروه فریسیان به نام نیقدیموس، که سنگی بود که فقط در مراسم مذهبی بهدویان از آن استفاده می شد و **7** عیسی به خدمتکاران فرمود: یکی از اعضای شورای عالی بیهود بود. **2** او شیخ نزد عیسی آمد گنجایش هر یک حلوی صد لیر بود. **7** عیسی به خدمتکاران فرمود: «ایمان آوردم.» **8** وقتی پر کردند، فرمود: «حالا و گفت: «استاد، ما روحانیون این شهر، همه می دانیم که تو از «این خمره‌ها را پر از آب کنید.» **9** رئیس مجلس بیپید! **9** عیسی جواب داد: «براستی طرف خدا آمده‌ای تا ما را تعلیم دهی. نشانه‌های معجزه‌آسایت گواه خبر نداشت آن آب را که شراب شده بود، از کجا آورده‌اند هرجیز برا این است که خدا با توست.» **3** عیسی جواب داد: «براستی خدمتکاران می دانستند.» پس وقتی آن را چشید، داماد را صدا زد به تو می گوییم، اگر تولدی تازه پیدا نکنی، هرگز نمی توانی ملکوت **10** و گفت: «بیزانان همیشه با شراب خوب از میهمانان پذیرایی خدا را بینی.» **4** نیقدیموس با تعجب گفت: «منظورت از تولد می کنند و بعد که همه سرشار گرم شد، شراب ارزاترا را می آورند. تازه چست؟ چگونه امکان دارد پیرمردی مثل من، به شکم مادرش ولی تو شراب خوب را برای آخر نگه داشته‌ای.» **11** بدین ترتیب بازگردد و دوباره متولد شود؟» **5** عیسی جواب داد: «آنچه می گوییم عیسی نخستین نشانه معجزه‌آسای خود را در قانا جلیل به ظهور آورد عین حقیقت است. تا کسی از آب و روح تولد نیاید، نمی تواند وارد و جلال خود را آشکار ساخت و شاگردانش به او ایمان آورند. ملکوت خدا شود.» **6** زندگی جسمانی را انسان تولید می کند، ولی **12** سپس عیسی با مادر، بپاران و شاگردان خود برای چند روز به زندگی روحانی را روح خدا از بالا می بخشند. **7** پس تعجب نکن که شهر گفتوخا رفت. **13** عید پیح که یکی از اعیاد پیزگ بیهود بود، گفتم پاید تولد تازه پیدا کنی. **8** درست همان گونه که صدای باد را نزدیک می شد. پس عیسی به شهر اورشلیم رفت. **14** آنجا، در می شنی وی نمی توانی بگویی از کجا می آید و به کجا می رود، معبد، مردم را دید که برای انجام مراسم قربانی، به خرید و فروش در مورد تولد تازه نیز انسان نمی تواند بی ببرد که روح خدا آن را گاو، گوسفند و کبوتر مشغولید. صراحتاً پولها را روی میزها چیده چگونه عطا می کند.» **9** نیقدیموس پرسید: «منظورت چیست؟ بودند و با مشتریها داد و ستد می کردند. **15** عیسی با طباب، من سختانست را به درستی درک نمی کنم.» **10** عیسی جواب داد: تازیانه‌ای ساخت و همه را از آنجا بیرون کرد. او گواون و گوسفندان را «نیقدیموس، تو از علمای دینی اسرائیل هستی؛ چگونه این چیزها را بیرون راند و سکه‌های صرافان را بر زمین ریخت و میزهای ایشان را درک نمی کنی؟» **11** براستی به تو می گویم که ما آنچه را که می دانیم

و دیده‌ایم می‌گوییم ولی شما نمی‌توانید باور کنید. ۱۲ من از امور من از این زمین هستم و فقط امور زمینی را درک می‌کنم. ۳۲ او این دنیا با شما سخن می‌گوییم و شما باور نمی‌کنید. پس اگر از آنجه را که دیده و شنیده است بیان می‌کند، ولی عده کمی سختان امور آسمان با شما صحبت کنم چگونه باور خواهید کرد؟ ۱۳ چون او را باور می‌کنند. ۳۳ کسی که سختان او را باور می‌کند، تأیید هیچ کس تا به حال به آسمان بالا نفرموده که از آنجا برگشته باشد. اما می‌کند که خدا حقیقت است، ۳۴ زیرا او از جانب خدا فرستاده پسر انسان از آسمان به این جهان آمد است. ۱۴ همان‌گونه که شده است. او کلام خدا را بیان می‌کند، چرا که خدا روح خود را موسی در بیان مجسمه‌ای بزرگی از مار را بر بالای چوبی بلند کرد، بدون حد و حصر به او می‌بخشد. ۳۵ پدر آسمانی ما او را دوست پسر انسان نیز باید بلند کرده شود، ۱۵ تا هر که به او ایمان آورد، می‌دارد، و همه چیز را به دست او سپرده است. ۳۶ هر که به حیات جاویدان باید. (g166) ۱۶ زیرا خدا به قدری مردم اطاعت نکند، هرگز حیات جاویدان را تجربه نخواهد کرد، بلکه خشم جهان را دوست دارد که یگانه پسر خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید باید. (aionios g166)

۱۷ خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا مردمان را محکوم سازد، بلکه تا جهان را به می‌رسیله او نجات بخشد. ۱۸ «کسانی که به مردم را تعیید می‌دادند، نه خود او»، ۳ یهودیه را ترک گفت و عیسی مردم را تعیید می‌دادند، نه خود او، ۴ برای رفتن به جلیل بازگشت. ۵ در طول راه، در سامره، به دهکده‌ای رسید به نام سوخار، نزدیک به قطعه زمینی که بعقوب به پسر خود، یوسف، داده بود. ۶ چاه بعقوب در آنجا قرار داشت، و عیسی خسته از سفر، در کنار چاه نشست. حلواد ظهر بود. ۷ چیزی نکدشت که زنی سامری سر ورزند؛ پس به نور نزدیک نمی‌شوند، مبادا کارهای گناه‌آوردهشان دیده شود و به سزا اعمالشان برسند. ۲۱ ولی درستکاران با شادی به سوی نور می‌آیند تا همه بینند که آنجه می‌کند، پسندیده خداست. ۲۲ پس از آن، عیسی و شاگردانش اورشیلم را ترک گفتند. او ملتی در ناحیه یهودیه با اهالی آنجا به سر برد و ایشان را تعیید می‌داد. ۲۳ پیچی در این هنگام نزدیک سالم در محلی به نام عینون مردم را تعیید می‌داد، چون در آنجا آب زیاد بود و مردم برای تعیید نزد آنگاه از من آب زنده می‌خواستی. ۱۱ زن گفت: «تو که دلُو و طناب نداری و چاه هم که عمیق است؛ پس این آب زنده را از کجا می‌آوری؟» ۱۲ مگر تو از جد ما بعقوب بزرگردی؟ چگونه می‌توانی آب بهتر از این به ما بدهی، آبی که بعقوب و پسران و گله او از آن می‌نوشیدند؟ ۱۳ عیسی جواب داد: «مردم با نوشیدن این آب، باز هم تشننه می‌شوند. ۱۴ ولی کسی که از آبی که من می‌دهم بپوشد، هرگز تشننه نخواهد شد، بلکه آن آب در او تبدیل به چشمچه‌ای جوشان خواهد شد و به او زندگی جاوید خواهد بخشید. (aionios g166) ۱۵ زن گفت: «آقا، خواهش می‌کنم قدری از آن آب به من بده تا دیگر تشننه نشوم و مجبور نباشم هر روز این راه را بیایم و برقدم.» ۱۶ ولی عیسی فرمود: «برو و شوهرت را بیاور.» ۱۷ زن جواب داد: «شوهر ندارم.» عیسی فرمود: «راست گفتی. ۱۸ تا به حال پنج بار شوهر کرده‌ای، و این مردی که اکنون من کوچکتر. ۳۱ «او از آسمان آمده و مقامش از همه بالاتر است.

با او زندگی می‌کنی، شوهر تو نیست. عین حقیقت را گفتی!» کرده بودم، به من بازگشت! از این جهت، بسیاری از سامریان به ۱۹ زن که مات و مبهوت مانده بود، گفت: «آقا، می‌بینم که نبی عیسی ایمان آوردند. ۴۰ وقتی آنان به نزد عیسی رسیدند، خواهش هستی!» ۲۰ و بی‌درنگ موضوع گفتگو را عوض کرده، گفت: «چرا کردند که نزدشان بماند. او نیز دو روز با ایشان ماند. ۴۱ در همین شما یهودیان اینقدر اصرار دارید که فقط اورشلیم را محل پرستش دو روز، بسیاری به سخنان او گوش دادند و به او ایمان آوردند. خدا بدانید، در صورتی که ما سامریان مثل اجدادمان این کوه را ۴۲ آنگاه به آن زن گفتند: «ما دیگر فقط به خاطر سخن تو به او محل عبادت می‌دانیم!» ۲۱ عیسی جواب داد: «ای زن، سخنم را ایمان نمی‌آوریم، زیرا خودمان سخنان او را شنیده‌ایم و ایمان داریم که باور کن. زمانی می‌رسد که پدر را بر این کوه خواهید پرستید و او نجات دهنده جهان است.» ۴۳ بعد از دو روز، عیسی از آنجا به نه در اورشلیم. ۲۲ شما سامریان درباره کسی که می‌پرستید چیزی مطلعه جلیل رفت، ۴۴ چون همان طور که خود می‌گفت: «تبی در نمی‌دانید، اما ما یهودیان او را می‌شناسیم، زیرا نجات از طرق قوم دیار خود مورد احترام نیست.» ۴۵ وقتی به جلیل رسید، مردم با پیوود فرا می‌رسد. ۲۳ اما زمانی می‌آید، و در واقع همین الان آمده آغوش بازار از او استقبال کردند، زیرا در روزهای عید در اورشلیم، است، که پرستندگان راستین، پدر را به روح و راستی پرستش خواهند معجزات او را دیده بودند. ۴۶ همچنانکه در جلیل می‌گشت، بار کرد. پدر طالب چنین پرستندگانی است. ۲۴ زیرا خدا روح است، و دیگر به شهر قانا رفت، همان جایی که در جشن عروسی آب را هر که بخواهد او را پرستد، باید به روح و راستی پرستد.» ۲۵ زن تبدیل به شراب کرده بود. وقتی عیسی در آنجا به سر می‌برد، افسری گفت: «من می‌دانم که مسیح به زودی می‌آید. شما یهودی‌ها هم که پسرش بیمار بود، از شهر کفرناحوم نزد او آمد. ۴۷ او شنیده بود این را قبول دارد، وقتی او بیاید، همه چیز را برای ما روشن خواهد که عیسی از ایالت یهودیه حرکت کرده و به جلیل رسیده است. پس ۲۶ عیسی فرمود: «من که با تو سخن می‌گویم، همان مسیح به قانا آمده، عیسی را یافت و از او خواهش کرد تا باید و پسرش را هستم!» ۲۷ در همین وقت، شاگردان عیسی از راه رسیدند و وقتی شفا دهد، چون پسرش در آستانه مرگ بود. ۴۸ عیسی پرسید: «آیا تا دیدند او با یک زن گفتگو می‌کند، تعجب کردند، ولی هیچیک از معجزات بسیار نییند، ایمان نخواهید آورد؟» ۴۹ آن افسر التحاس کرد ایشان جرأت نکرد پرسید چرا با او صحبت می‌کند. ۲۸ آنگاه زن و گفت: «سرورم، خواهش می‌کنم تا پسرم نمرده، بیا و او را شفا کزه خود را همان جا کنار چاه گذاشت و به شهر بازگشت و به مردم بده.» ۵۰ آنگاه عیسی فرمود: «برگرد به خانه؛ پسرت شفا یافته گفت: ۲۹ «باید مردی را بینید که هر چه تا به حال کرده بودم، به است.» آن مرد به گفته عیسی اطمینان کرد و به شهر خود بازگشت. من بازگفت. فکر نمی‌کنید او همان مسیح باشد؟» ۳۰ پس مردم ۵۱ هنوز در راه بود که خدمتکارانش به او رسیدند و با خوشحالی مژده از ده بیرون ریختند تا عیسی را بینند. ۳۱ در این میان، شاگردان داده، گفتند: «اریاب، پسرت خوب شد!» ۵۲ پرسید: «کی حالش اصاریم کردند که عیسی چیزی بخورد. ۳۲ ولی عیسی به ایشان بهتر شد!» گفتند: «دیروز در حدود ساعت یک بعد از ظهر، ناگهان گفت: «من خوارکی دارم که شما از آن خبر ندارید.» ۳۳ شاگردان تب او قطع شد.» ۵۳ پدر فهمید که این همان لحظه‌ای بود که از پیکدیگر پرسیدند: «مگر کسی برای او خوارک آورده است؟» عیسی فرمود: «پسرت شفا یافته است.» پس با تمام خانواده خود به ۳۴ عیسی فرمود: «خوارک من این است که خواست خدا را به جا عیسی ایمان آورد. ۵۴ این دومین معجزه عیسی بود که بعد از بیرون آورم و کاری را که به عهده من گذاشته است انجام دهم. ۳۵ آیا آمدن از یهودیه، در جلیل انجام داد.

فکر می‌کنید وقت برداشت محصول چهار ماه دیگر، در آخر تابستان ۵ پس از مدتی، عیسی به اورشلیم بازگشت تا در مراسم یکی از است؟ نگاهی به اطرافتان بیندازید تا بینید که مزرعه‌های وسیعی از اعیاد پهود شرکت کند. ۲ داخل شهر، نزدیک دروازه‌ای به نام دروازه جانهای مردم برای درو آمده است. ۳۶ درگران مزد خوبی می‌گیرند گوستنده، استخري بود که به زبان عربی آن را بیت جسدی می‌گفتند، و تا این محصول را در انبارهای آسمانی ذخیره کنند. چه برق کثیر عظیمی نصب کارنده و دروکننده می‌شود! (aiōnios g166) ۳۷ این مقلع، پنج سکوی سر پوشیده در اطرافش بود. ۳ در آنجا دسته‌دسته بیماران اینجا هم صدق می‌کند که دیگران کاشتند و ما درو کردیم. ۳۸ من استخر تکان پخورد. ۴ زیرا هر چند وقت یکبار، فرشته‌ای از آسمان شما را می‌فرستم تا محصولی را درو کنید که زحمت کاشتنش را دیگران کشیده‌اند. زحمت را دیگران کشیده‌اند و محصول را شما می‌آمد و آب استخر را تکان می‌داد و اولین کسی که داخل استخر جمع می‌کنید!» ۳۹ آن زن به هر که در آن شهر می‌رسید، سخنان می‌شد، شفا می‌یافت. ۵ یکی از بیمارانی که در آنجا بود، مردی بود عیسی را بازگو می‌کرد و می‌گفت: «این شخص هر چه تا به حال که سی و هشت سال تمام زیستگیر بود. ۶ وقتی عیسی او را دید

و بی برد که بیماری اش طول کشیده است، پرسید: «می خواهی ۲۵ مطمئن باشید زمانی فرا خواهد رسید و در واقع الان فرا رسیده شفا بیای؟» ۷ بیمار جواب داد: «سروزه، دیگر رمقی در بدنم است که صدای پسر خدا به گوش مردگان خواهد رسید و هر که به نمانده است. کسی را نیز ندارم که وقتی آب تکان می خورد، مرا در آن گوش دهد، زنده خواهد شد. ۲۶ پدر در خود حیات دارد و آن را استخر پیندازد. تا می آمی به خود حرکتی بدهم، می بینم که قبل از به پسر نیز عطا کرده است تا در خود حیات داشته باشد. ۲۷ و به او من، دیگری داخل آب شده است.» ۸ عیسی به او فرمود: «برخیز، اختیار داده است تا مردم را داوری کند، زیرا پسر انسان است. ۲۸ از بستر را جمع کن و راه برو!» ۹ همان لحظه بیمار شفا یافت و این سخن من تعجب نکرد، زیرا زمانی فرا می رسد که جمیع آنان که بستر خود را جمع کرد و به راه افتاد. ولی آن روز که عیسی این در قبر هستند، صدای او را خواهد شنید، ۲۹ و از قبر بیرون خواهند معجزه را انجام داد، شیّرات بود. ۱۰ پس سران قوم بیهود اعتراض کنан آمد، تا کسانی که نیکی کرده‌اند، به زندگی جاوده برستند و کسانی به مردی که شفا یافته بود گفتند: «چه می کنی؟ مگر نمی‌دانی امروز که بدی کرده‌اند، محکوم گردند. ۳۰ من به تنها نمی‌توانم کاری شیّرات است و نباید کاری انجام دهی؟ پس چرا رختخواب را جمع انجام دهم. من بر مبنای آنچه خدا می‌گوید داوری می‌کنم. از این می کنی؟» ۱۱ جواب داد: «آن کسی که مرا شفا داد، به من رو، داوری من عادلانه است، زیرا در بی انجام اراده کسی هست که گفت چنین کنم.» ۱۲ پرسیدند: «چه کسی به تو چنین دستوری مرا فرستاد، نه اراده خودم. ۳۱ (وقتی درباره خودم چیزی می‌گوییم، داده است؟» ۱۳ آن مرد جوانی نداشت بدهد چون عیسی در میان شما باور نمی‌کرد. ۳۲ اما شخص دیگری هست که به نفع من جمعیت ناپدید شده بود. ۱۴ ولی بعد، عیسی در معبد او را یافت و شهادت می‌دهد، و به شما اطمینان می‌دهم که هرآیچه او درباره من بگفت از اول نشود، دیگر گناه نکن.» ۱۵ او نزد سران قوم رفت و فرستادید، و شهادت او درباره من راست بود. ۳۴ از این گذشته، گفت: «کسی که مرا شفا داد، عیسی است.» ۱۶ پس، ایشان به شاهد اصلی من انسان نیست بلکه خداست. گفتم که یحیی شاهد آزار و اذیت عیسی پرداختند و او را متهم به قانون شکنی کردند چون است، تا شما به من ایمان آورید و نجات بیاید. ۳۵ یحیی مانند روز شیّرات این معجزه را انجام داده بود. ۱۷ ولی عیسی جواب داد: چراگی بود که نور می‌بخشید و شما حاضر بودید برای مدتی در نوش پدر من خدا همیشه کارهای نیک انجام می‌دهد، و من نیز او شاد بایشید. ۳۶ ولی من شاهدی بزرگتر از سخنان یحیی دارم، و پیروی می‌کنم.» ۱۸ با شیّرات این پاسخ، سران قوم بیهود پیش از پیش آن معجزه‌ای است که انجام می‌دهم. پدرم به من گفته است این در صدد کشتن او برآمدند، چون نه تنها قانون مذهبی را می‌شکست، معجزه‌ها را به عمل بیاورم، و همین معجزه‌های است که ثابت می‌کند خدا بلکه خدا را نیز پدر خود می‌خواند و به این ترتیب خود را با خدا برابر مرا فرستاده است. ۳۷ خدا خود گواه من است، خدایی که هرگز او می‌ساخت. ۱۹ عیسی ادامه داد: «براستی به شما می‌گوییم که پسر را ندیده‌اید و صدایش را نشنیده‌اید. ۳۸ علیش نیز این است که شما نمی‌تواند به میل خود کاری انجام دهد، بلکه فقط کارهایی را به عمل بخواهید، چون نمی‌خواهید به من که با پیام می‌آورد که می‌بینند پدرش انجام می‌دهد. زیرا هر کاری که پدر انجام خدا نزد شما فرستاده شده‌است، ایمان بیاورید. ۳۹ «شما کتب مقدس می‌دهد، پسر نیز انجام می‌دهد. ۲۰ زیرا پدر، پسر را دوست دارد و را به دقت بررسی می‌کنید، چون عقیله دارید که به شما زندگی هر چه می‌کند، به پسر می‌گوید. او معجزه‌های بزرگتر از شفای این جاوده می‌دهد. در صورتی که همان کتاب به من اشاره می‌کند مرد نیز انجام خواهد داد تا شما تعجب کنید. ۲۱ زیرا همان گونه که و مرا به شما معرفی می‌نماید. ۴۰ با این حال پدر مردگان را زنده می‌کند و به ایشان حیات می‌بخشد، پسر نیز به شما نمی‌خواهید نزد من بیاید تا زندگی جاوده را به دست آورید. هر که بخواهد، حیات می‌بخشد. ۲۲ پدر بر کسی داوری نمی‌کند، ۴۱ «نظر و تأیید شما برای من هیچ ارزشی ندارد، ۴۲ زیرا شما را بلکه داوری گناهان تمام مردم را به پسر و گذار کرده، ۲۳ تا همه به خوب می‌شناسم که در دلخان نسبت به خدا محبت ندارید. ۴۳ من او احترام بگذارند همان طور که به خدا احترام می‌گذارند. اگر به پسر از جانب خدا آمداد و شما مرد می‌کنید؛ ولی حاضرید کسانی را احترام نگذارید، در واقع به پدری که او را فرستاده احترام نمی‌گذارید. قبول کنید که از طرف خدا فرستاده نشده‌اند بلکه نماینده خود شما و ۲۴ «حقیقت را به شما می‌گوییم: هر که به کلام من گوش دهد و به از جنس خودتان می‌باشند! ۴۴ تعجبی ندارد که نمی‌توانید به من خدا که مرا فرستاده است ایمان بیاورید، زندگی جاوده دارد و هرگز به ایمان بیاورید، چون خواستار دریافت احترام از یکدیگر هستید، و به خاطر گناهانش بازخواست نخواهد شد، بلکه از همان لحظه از مرگ حرمتی که از جانب خدای یگانه می‌آید، اعتنای ندارید. ۴۵ «با این نجات پیدا کرده، به زندگی جاوده پیوسته است.» ۴۶ حال، فکر نکنید کسی که در حضور پدر، شما را متهم خواهد

ساخت، من هستم. کسی هست که شما را متهم می‌سازد، همان متوجه شدن دکه قایق به ساحل رسیده است. 22 صبح روز بعد، آن موسی که به او امید نداشتند، شما حتی به موسی ایمان ندارید، سوی دریاچه، مردم بار دیگر جمع شدن دتا عیسی را بینند، زیرا دیده چون اگر داشتید، به من نیز ایمان می‌آوردید، برای اینکه موسی در بودند که شاگردان عیسی با تنها قایقی که در آنجا بود آن محل را کتاب تورات درباره من نوشته است. 47 و چون نوشته‌های او را قبول ترک گفته و عیسی را با خود نبرده بودند. 23 چند قایق دیگر نیز ندارید، به من نیز ایمان نمی‌آورید.»

رسیدند. 24 وقتی مردم متوجه شدن دکه نه عیسی در آنجا است و

نه شاگردان، سوار قایق شده، خود را به کفرناحوم رساندند تا او را بینند. 25 وقتی به آنجا رسیدند و عیسی را پیدا کردند، پرسیدند: «استاد، کی به آنجا آمدی؟» 26 عیسی جواب داد: «حقیقت این است که شما برای خواراک نزد من آمدیدن نه به سبب ایمان به من.»

اینقدر در فکر چیزهای زودگذر این دنیا نباشید، بلکه نیروی خود را در راه کسب زندگی جاودی صرف کنید. این زندگی جاودی را پسر انسان به شما می‌بخشد، زیرا خدای پدر مهر تأییدش را بر او زده است.» 27 گفتند: «چه باید بکنیم تا کارهای

موردنظر خدا را به انجام برسانیم؟» 28 عیسی فرمود: «خداد از شما می‌خواهد که به من که فرستاده او هستم، ایمان آورید.» 30 گفتند: «چه نشانه معجزه‌آسایی به عمل می‌آوری تا آن را بیینیم و به تو ایمان بیاوریم؟ چه عملی انجام می‌دهی؟» 31 نیاکان ما در بیان، متأنی، آن

نان معجزه‌آسا را خوردند، چنانکه نوشته شده: «او از آسمان بدیشان نان داد تا بخورند.» 32 عیسی فرمود: «براستی به شما می‌گویم که این پدر من بود که به ایشان نان می‌داد، نه موسی. و اکنون نیز اوتست که می‌خواهد نان حقیقی را از آسمان به شما ببخشد. 33 این نان حقیقی را خدا از آسمان فرستاده است تا به مردم دنیا زندگی فرمود: «تکه‌های باقیمانده را جمع کنید تا چیزی تلف نشود.»

34 گفتند: «آقا، از این نان هر روز به ما بده.» 35 عیسی جواب داد: «نان حیات من هستم. هر که نزد من آید، دیگر هرگز گرسنه نخواهد شد و هر که به من ایمان آورد، هچگاه دیدند گفتند: «بدون شک این همان پیامبری است که ما چشم به تشنیه نخواهد گردید. 36 ولی همان گونه که قبلاً گفتم، شما با اینکه راهش بوده‌ایم.» 37 وقتی عیسی دید که مردم می‌خواهند او را به زور ببرند و پادشاه کنند، از ایشان جدا شد و به تنهایی بر فزار کوهی برآمد. 16 هنگام غروب، شاگردان عیسی به کنار دریاچه رفتند و به انتظار او نشستند. 38 ولی وقتی دیدند هوا تاریک شده و عیسی هنوز از کوه باز نگشته، سوار قایق شدند و به طرف کفرناحوم، که در آن سوی دریاچه بود، حرکت کردند. 39 در همان حال که پارو می‌زدند و جلو می‌رفتند، باد شدیدی وزیدن گرفت و دریاچه توفانی شد.

40 چون خواست خدا این است که هر که پسر او را بrixیان. هنوز بیش از پنج یا شش کیلومتر از ساحل دور نشده بودند که ناگهان در میان ظلمت و توفان، عیسی را دیدند که روی آب به طرف قایق راه می‌رود. همه وحشت کردند. 41 باز بیهودیان لب به او را برخواهم خیزانید.» 42 پس گفتند: «مگر این همان عیسی، پسر یوسف

دید و به او ایمان آورد، زندگی جاودی بیابد، و من در روز قیامت اعترض گشوندند، چون عیسی ادعا کرده بود نانی است که از آسمان آمدید است. 43 پس گفتند: «ترسید! منم!» 44 وقتی خواستند او را سوار قایق کنند،

نیست؟ همه ما پدر و مادرش را می‌شناسیم! حالا چطور شده که ادعا فایده‌ای حاصل نمی‌گردد. سخنانی که به شما گفتم، روح و حیات می‌کند از آسمان آمده است؟» **43** ولی عیسی جواب داد: «ایقطرد هستند. **64** با این حال، بعضی از شما به من ایمان خواهید آورد.» اعتراض نکنید. **44** فقط کسی می‌تواند نزد من بباید که پدرم خدا چون عیسی از همان ابتدا می‌دانست چه کسانی به او ایمان خواهند کرد. **65** پس گفت: «به که مرا فرستاده است او را به سوی من جذب کند، و من در روز آورده و چه کسی به او خیانت خواهد کرد. **66** پس گفت: «به قیامت او را زنده خواهم ساخت. **45** همان‌طور که در کتب انبیا آمده همین دلیل گفتم فقط کسی می‌تواند نزد من بباید که پدرم خدا او را است: «همه از خدا تعليم خواهند یافت.» پس کسانی که صدایی به سوی من جذب کند.» **66** با شنیدن این سخن، بسیار از خدای پدر را بشنوند و راستی را از او یاموزند، به سوی من می‌آید. پروانش از او روی گرداندن و دیگر او را بپوشی نکردن. **67** آنگاه **46** البته منظوم این نیست که کسی خدا را دیده است. هرگز! چون عیسی رو به آن دوازده شاگرد کرد و پرسید: «شما نیز می‌خواهید فقط من که از نزد او آمدیدم، او را دیده‌ام. **47** «براستی به شما بروید؟» **68** شمعون پطرس جواب داد: «سرور ما، نزد که بروی؟ فقط می‌گویم که هر که به من ایمان آورد، از همان لحظه، زندگی جاودی می‌بخشی. **aiōnios** **g166** **69** و ما ایمان آورده‌ایم و می‌دانیم که تویی آن قدموں خادا.» **48** من نان حیات هستم. **49** پدران شما **g166** **70** آنگاه عیسی فرمود: «من خودم شما دوازده نفر را انتخاب کردم؛ در بیان آن نان را خوردند، اما عاقبت مردند. **50** اما هر که از **71** عیسی دریاره بپهودا این نان آسمانی بخورد، تا به ابد زنده می‌ماند. **51** آن نان زنده ولی یکی از شما بازیچه دست ابلیس است.» **52** عیسی دریاره بپهودا که از آسمان نازل شد، منم. هر که از این نان بخورد، تا ابد زنده پسر شمعون اسخريوطی سخن می‌گفت که یکی از آن دوازده شاگرد می‌ماند. این نان همان بدن من است که فدا می‌کنم تا جهان حیات بود و در آخر به عیسی خیانت کرد.

**52** بپهودیان با شنیدن این سخن، بار دیگر سخت مشاجره کرده، به یکدیگر گفتند: «چه گفته عجیبی! چطور می‌گشت تا از یهودیه دور باشد، زیرا در آنجا سران یهود می‌خواستند او را بکشند. **2** اما عید خیمه‌ها که یکی از اعیاد بزرگ یهود بود، نزدیک می‌شد. **3** برادران عیسی به او گفتند: «اینجا را ترک کن و به یهودیه برو تا پروانه معجزات تو را ببینند. **4** چون اگر بخواهی خود را اینطور پنهان کنی، هرگز به شهرت نخواهی رسید. اگر براستی شخص بزرگی هستی، این را به دنیا ثابت کن.» **5** حتی برادرانش نیز به او ایمان نداشتند. **6** عیسی جواب داد: «من نمی‌توانم الان بروم، ولی شما می‌توانید. الان وقت آمدن من نیست. ولی برای شما فرقی ندارد که کی بروید، **7** چون مردم دنیا از شما نفرت ندارند ولی از من متفاوتند، زیرا من اعمال زشت و گناه‌آورانش را به ایشان گوشزد می‌کنم. **8** شما الان بروید و در مراسم عید شرکت کنید. ولی من بعد، در وقت مناسب خواهیم آمد.» **9** ایشان رفتند، ولی عیسی در جلیل ماند. **10** سپس، عیسی نیز برای عید رفت، اما طوری که کسی متوجه آمدن او نشد. **11** در آنجا سران یهود او را جستجویی کردند و با کجگاوی از یکدیگر می‌پرسیدند: «پس عیسی کجاست؟» **12** در میان مردم نیز بحث زیاد بود. برخی طرفدار او بودند و می‌گفتند: «عیسی مرد بزرگواری است»، و برخی مخالف او بودند و می‌گفتند: «نه، عیسی مردم را گهره می‌کند». **13** با این حال، هیچ کس جرأت نمی‌کرد آزادانه درباره او اظهار نظر کند، چون از سران قوم یهود می‌ترسیدند. **14** وقتی نیمی از ایام عید سپری شده بود، عیسی وارد معبد شد و برای مردم موعظه کرد. **15** سران خداست که به انسان زندگی جاودانی می‌بخشد. از تلاش‌های انسانی

قوم یپهود از سخنان او تعجب کردند و به یکدیگر گفتند: «عجب تا او را بگیرند». **33 آنگاه عیسی به مردم فرمود: «من فقط مدت است! چگونه امکان دارد شخصی که هیچوقت در مدرسه دینی ما کوتاهی در میان شما خواهیم بود. پس از آن، نزد فرستنده خود باز درس نخوانده است، اینقدر معلومات داشته باشد؟»** **34 آنگاه شما مرا جستجو خواهید کرد، اما مرا ایشان فرمود: «آنچه به شما می‌گوییم، از فکر و نظر خودم نیست نخواهید یافت و به جایی که می‌روم، نمی‌توانید به آن راه یابید.»** بلکه از خدایی است که مرا فرستاده است. **35 اگر کسی براستی سران قوم از این گفته عیسی تعجب کردند و از یکدیگر پرسیدند:** بخواهد مطابق خواست خدا زندگی کند، پی خواهد برد که آنچه «مگر کجا می‌خواهد برود؟ شاید می‌خواهد از این مملکت خارج من می‌گوییم، از خداست نه از خودم. **36 کسی که نظر خود را شود و نزد یهودیان در سایر ممالک برود. شاید هم می‌خواهد نزد بگوید، هدفش این است که مورد توجه مردم قرار گیرد؛ ولی کسی که غیریهودیان برود.** **37 منظوش چه بود که گفت: «مرا جستجو خواهید می‌خواhad خدا مورد تمجید و ستایش قرار گیرد، او شخص درستکار و کرد، اما من نخواهید یافت و به جایی که می‌روم، نمی‌توانید به آن راه بی‌ریای است.** **38 مگر موسی تورات را به شما نداده است؟ اما یابید؟»** **39 در روز آخر عیید که مهمترین روز آن بود، عیسی با هیچ‌یک از شما از آن اطاعت نمی‌کند. چرا می‌خواهید مرا بکشید؟» صدای بلند به مردم فرمود: «هر که تشنه است، نزد من بیابد و 40 ایشان از این سخن، یکه خوردن و گفتند: «تو به کلی عقلت را بنوش. **41 چنانکه در کتب مقدس نوشته شده،** هر که به من ایمان از دست داده‌ای! چه کسی می‌خواهد تو را بکشد؟» **42 عیسی بیاورد،** «از درون او نهرهای آب زنده چاری خواهد شد.»** **43 منظور جواب داد: «من یک بیمار را در روز شبات شفا دادم و همه تعجب عیسی از نهرهای آب زنده، همان روح القدس بود که به کسانی داده کردید.** **44 در صورتی که خود شما نیز در روز شبات کار می‌کنید. می‌شود که به عیسی ایمان بیاورند. ولی روح القدس هنوز به کسی به دستور موسی پسرانتان را حتی در روز شبات ختنه می‌کنید. (البته عطا نشده بود، چون عیسی هنوز به جلال نرسیده بود.** **45 اگر روز شبات ختنه می‌کنید پیامبری باشد که منتظرش بودیم.** **46 دیگران می‌گفتند: «این ختنه پسران به شبات یافتد، شما او را در روز شبات ختنه می‌کنید خود مسیح است.» بعضی نیز می‌گفتند: «این دیدگان می‌گفتند: «این تا شریعت موسی را نشکسته باشید. پس چرا مرا محاکوم می‌کنید خود مسیح است.» بعضی نیز می‌گفتند: «این مرد نمی‌تواند مسیح که روز شبات یک بیمار را شفای کامل داد؟** **47 از قضاوی بر باشد. آیا مسیح از جلیل می‌آید؟** **48 مگر در کتب مقدس نوشته اساس معیارهای ظاهری دست بردارید، و با معیارهای حقیقی قضاوت نشده که مسیح از نسل دارد و پادشاه است و در دهکده بیتلحم،** **49 کنید.** **50 بعضی از اهالی اورشلیم به یکدیگر می‌گفتند: «مگر این زادگاه دادوو، متولد می‌شود؟** **51 پس، مردم چند دسته شدند. همان نیست که می‌خواهند او را بکشند؟** **52 پس چطور حالا آزادانه** **53 بعضی نیز خواستند او را بگیرند، ولی کسی دست به سوی او موعظه می‌کند و کسی به او چیزی نمی‌گوید؟** **54 شاید سران قوم مان نیز دراز نکرد.** **55 مأمورانی که رفته بودند تا عیسی را بگیرند، دست سرانجام بی برداند که او همان مسیح است.** **56 ولی این غیرممکن خالی بازگشتند. فریضی‌ها و سران کاهنان پرسیدند: «پس چرا او را است. چون ما شنیده‌ایم که وقتی مسیح بیاید، هیچ‌کس نمی‌داند از نیواده‌ید؟** **57 گفتند: «هیچ‌کس تا به حال ماند این مرد سخنانی کجا آمده است. در صورتی که ما همه می‌دانیم که این شخص کجا چنین دلنشیں نگفته است.»** **58 فریضی‌ها ایشان را ریختند کرده، متولد شده است.** **59 پس عیسی به هنگام موعظه خود در معبد، گفتند: «پس شما هم فریب خورده‌اید؟** **60 آیا حتی یک نفر از ما به مردم فرمود: «شما البته مرا می‌شناسید و می‌دانید کجا متولد و سران قوم و فریضی‌ها به او ایمان آورده‌ایم؟** **61 این مردم نادان که به کجا بزرگ شده‌اند. ولی من از طرف کسی آمده‌ام که شما او را او ایمان آورده‌اند، شریعت را نمی‌دانند. لعنت خدا بر ایشان باد!»** **62 نمی‌شناشید، و او حقیقت محض است.** **63 من او را می‌شناسم** در اینجا نیقدیموس، همان که قبل از نزد عیسی رفته بود و یکی از برای اینکه از او هستم و اوست که مرا نزد شما فرستاد. **64 با ایشان بود، برخاست و گفت: «آیا شریعت به ما اجازه می‌دهد شنیدن این سخنان، سران قوم خواستند او را بگیرند ولی کسی جرأت کسی را بدون محاکمه، محاکوم سازیم؟** **65 به او جواب دادند: این کار را به خود نداد، چون هنوز زمان مقرر نرسیده بود.** **66 با وجود «مگر تو هم جلیلی هستی؟ برو و کتب مقدس را با دقت بخوان تا این، در همان وقت بسیاری ایمان آورده‌اند که او همان مسیح است و بینی که هیچ پیامبری از جلیل ظهور نمی‌کند.** **67 پس از این به یکدیگر گفتند: «آیا انتظار دارید مسیح که چشم به راهش بودیم، سخن، همه برخاستند و به خانه‌های خود رفتند.**

عیسی به کوه زینون بازگشت. **2** ولی روز بعد، صبح زود، باز پرسیدند: «مگر می خواهد خودش را بکشد؟ منظورش چیست که به معبد رفت. مردم نیز دور او جمع شدند. عیسی نشست و مشغول می گوید جایی می روم که شما نمی توانید بیایید؟ **23** آنگاه عیسی به تعلیم ایشان شد. **3** در همین وقت، سران قوم و فریسان زنی را که ایشان فرمود: «شما از پایین هستید و من از بالا. شما متعلق به این در حال زنا گرفته بودند، کشان کشان به مقابله جمعیت آوردند **4** و به جهان هستید ولی من نیستم. **24** برای همین گفتم که شما در عیسی گفتند: «استاد، ما این زن را به هنگام عمل زنا گرفته ایم. گناهاتان خواهید مرد، چون اگر ایمان نیاورید که من همان هستم که ۵ او مطابق قانون موسی باید کشته شود. ولی نظر تو چیست؟» **5** ادعای کنم، در گناهاتان خواهید مرد. **25** مردم از او پرسیدند: «تو **6** آنان می خواستند عیسی چیزی بگوید تا او را به دام بیندازند و کیمی؟» **6** عیسی جواب داد: «من همانم که از اول به شما گفتم. محکوم کنند. ولی عیسی سر را پایین انداخت و با انگشت بر زمین **26** برای خلیل چیزها می توانم شما را محکوم کنم و خلیل چیزها دارم می نوشت. **7** سران قوم اصرار می کردند که او جواب دهد. پس که به شما تعلیم دهم؛ اما فعلًا این کار را نمی کنم. فقط چیزهای را عیسی سر خود را بلند کرد و به ایشان فرمود: «اگر می خواهید او را می گوییم که فرستنده من از من خواسته است، و او حقیقت محض سنجسوار کنید، سنگ اول را باید کمی به او بزند که خود تا به حال است.» **27** ولی ایشان درک نکردند که او درباره پدرش، خدا، سخن گاهی نکرده باشد. **8** سپس، دویاره سر را پایین انداخت و به می گوید. **28** پس، عیسی فرمود: «وقتی پسر انسان را بر صلیب بلند نوشتند بر روی زمین ادامه داد. **9** سران قوم، از پیر گرفته تا جوان، کردید، آنگاه بی خواهید برد که من هستم، و از خود کاری نمی کنم، یکایک بیرون رفتند تا اینکه در مقابل جمعیت فقط عیسی ماند و آن بلکه هر چه پدر به من آموخته، همان را بیان می کنم. **29** کمی که زن. **10** آنگاه عیسی بار دیگر سر را بلند کرد و به آن زن فرمود: «مرا فرستاده است با من است و مرا تنها نگذاشته، زیرا همواره کارهای آنانی که تو را متهم می ساختند، کجا رفتند؟ حتی یک نفر هم نماند پسندیده او را به جا می آورم.» **30** در این وقت، بسیاری با شنیدن که تو را محکوم کنند؟ **11** زن گفت: «نه، سرورم!» **12** عیسی آورده بودند فرمود: «اگر به تعالیم من وفادار بمانید، شاگردان واقعی «من نیز تو را محکوم نمی کنم. برو و دیگر گناه نکن.» **13** عیسی آورده بودند فرمود: «اگر به تعالیم شاهزادگان واقعی در یکی از تعالیم خود، به مردم فرمود: «من نور جهان هستم، هر من خواهید بود. **32** آنگاه حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت که مرا پیروی کند، در تاریکی خواهید ماند، زیرا نور حیات بخش شما را آزاد خواهد ساخت.» **33** گفتند: «منظور چیست که راهش را روشن می کند.» **14** فریسان گفتند: «تو بر خودت شهادت می گویی آزاد خواهید شد؟ ما فرزندان ابراهیم هستیم و هرگز بزده کسی می دهی، پس شهادت معتبر نیست.» **15** عیسی فرمود: «من هر نبوده ایم.» **34** عیسی جواب داد: «این عن حقیقت است که هر چه می گوییم عن حقیقت است، حتی اگر درباره خودم باشد. چون که گناه می کند، اسیر و بزده گناه است. **35** بزده جایگاهی دائمی می دانم از کجا آمدام و به کجا باز می گردم. ولی شما این را در خانه اورده ندارد، اما پسر برای همیشه متعلق به آن خانواده است. **36** پس، اگر پسر شما را آزاد کند، در واقع آزادید. **16** شما با معیارهای انسانی مرا قضاؤت می کنید، اما نمی دانید. **17** مطابق شریعت شما، اگر دو نفر درباره نیست. **38** «من هر چه از پدرم دیده ام، می گویم. شما نیز هر چه از فرستاد، با من است. **39** گفتند: «پدر ما ابراهیم موضوعی شهادت دهدند، شهادت ایشان به طور مسلم قابل قبول پدر خود آخوندید، انجام می دهید.» **40** گفتند: «پدر ما ابراهیم است. **18** درباره من نیز دو نفر هستند که شهادت می دهند، یکی است.» **41** عیسی جواب داد: «نه، اگر چنین بود، شما نیز از رفتار خودم و دیگری پدرم که مرا فرستاده است.» **19** پرسیدند: «پدرت خوب ابراهیم سرمشق می گرفتید. من حقایقی را که از خدا کجاست؟» **42** عیسی جواب داد: «شما که نمی دانید من کیستم، شنیده ام به شما گفتم، با این حال شما می خواهید مرا بکشید. چگونه می خواهید پدرم را بشناسید؟ اگر مرا می شناختید، پدرم را نیز ابراهیم هرگز چنین کاری نمی کرد! وقیعی چنین می کنید، از پدر می شناختید.» **20** عیسی این سخنان را در قسمتی از معبد که خزانه واقعی تان پیروی می نماید.» **43** مردم جواب دادند: «ما که حرامزاده در آنجا بود، بیان کرد. با این حال کسی او را نگرفت، چون وقت او نیستیم. پدر واقعی ما خداست.» **44** عیسی فرمود: «اگر ایطربور بود، هنوز به سر نرسیده بود. **21** باز به ایشان فرمود: «من می روم و شما می دوست می داشتید. چون من از جانب خدا نزد شما آمدام. من به دنبال من خواهید گشت و در گناهاتان خواهید مرد؛ و به جای خودسرانه نیامده ام بلکه خدا مرا پیش شما فرستاده است. **22** چرا نیز که من می روم، شما نمی توانید بیایید.» **23** بهودیان از یکدیگر نمی توانید سخنان مرا بفهمید؟ دلیلش این است که نمی خواهید به من

گوش دهد. 44 شما فرزندان پدر واقعی تان ابليس می‌باشید و دوست والدینش نیست. اما این اتفاق افتاد تا قدرت خدا در او دیده شود. دارای اعمال بد او را انجام دهد. او همان اول قاتل بود و از 4 تا فrust است باقیت من باید وظیفه‌ای را که فرستنده من به عهده من حقیقت نفرت داشت. در وجود او ذرا هی حقیقت پیدا نمی‌شود، گذاشته است انجام دهم، زیرا وقت کمی تا شب باقی مانده و در آن چون ذاتاً دروغگو و پدر همه دروغگو هاست. 45 به همین دلیل نمی‌توان کاری انجام داد. 5 من تا وقتی در این جهان هستم، به آن است که وقتی من حقیقت را به شما می‌کویم، نمی‌توانید باور کنید. نور می‌بخشم! 6 آنگاه آب دهان بر زمین انداخت و با آن گل 46 کدام یک از شما می‌تواند مرآحتی به یک گناه می‌تمه سازد؟ پس درست کرد و به چشمان کور مالید، 7 و به او فرمود: «به حوض حال که حقیقت را از من می‌شنوید، چرا به من ایمان نمی‌آورید؟ سیلوحا برو و چشمانت را بشوی.» (سیلوحا به زبان عبری به معنی 47 هر کس که پدرش خدا باشد، با خوشحالی به سخنان خدا گوش «فرستاده» می‌باشد). آن کور نیز رفت، و چشمان خود را در آن می‌دهد؛ و چون شما گوش نمی‌دهید، ثابت می‌کنید که فرزندان خدا حوض شست و بینا بازگشت. 8 همسایه‌ها و کسانی که او را به نیستید. 48 سران قوم فریاد زده، گفتند: «ای سامری اجنبی، ما از عنوان فقیری نایابی می‌شناخند، از یکدیگر پرسیدند: «آیا همان ابتدا درست می‌گفتیم که تو دیوزده‌ای.» 49 عیسی فرمود: «من گذای کور است؟» 9 بعضی گفتند همانست و بعضی دیگر گفتند: دیوزده نیستم. من به پدرم، خدا، احترام می‌گذارم، ولی شما به من «نه، غیرممکن است که او باشد. اما شباخت زیادی به او دارد.» مرد بی‌احترامی می‌کنید. 50 با اینکه من نمی‌خواهم خود را عزت و فتیر گفت: «من همانم.» 10 از او پرسیدند: «پس چه شد که بینا بزرگی بیخشم، اما این خداست که مرا بزرگی و عزت خواهد بخشد. شدی؟» 11 گفت: «شخصی که مردم او را عیسی می‌خواند، گل اوست دور راستین. 51 این که می‌گوییم عین حقیقت است: هر که درست کرد، به چشمان مالید و گفت که به حوض سیلوحا بروم احکام مرا اطاعت کند، هرگز نخواهد مرد.» 52 سران و کل را از چشمانم بشویم. من هم رفتم و شستم و بینا شدم.» یهود گفتند: «حالا دیگر برای ما ثابت شد که تو دیوزده‌ای. ابراهیم و 12 پرسیدند: «او حالا کجاست؟» جواب داد: «نمی‌دانم.» 13 پس تمام پیامبران بزرگ خدا مرنده؛ حال، تو ادعای می‌کنی که هر که از تو او را نزد فریسیان بردند. 14 آن روز که عیسی گل ساخت و او را اطاعت کرد، هرگز نخواهد مرد؟ 53 یعنی تو از پدر ما شفا داد، شبات بود. 15 فریسیان جریان را از او پرسیدند. او نیز ابراهیم که مرد، بزرگری؟ از پیامبران خدا هم که مردنده بزرگتری؟ خود گفت: «او گل درست کرد و به چشمان مالید و وقتی چشمان را را که می‌دانی؟» 54 عیسی به ایشان فرمود: «اگر من بخواهم خود شستم، بینا شدم.» 16 بعضی از فریسیان گفتند: «اگر چنین باشد، را جلال بدhem، این کار ارزشی نخواهد داشت؛ اما این پدر من است عیسی از جانب خدا نیست، زیرا روز شبات کار می‌کند.» دیگران که به من جلال می‌بخشد، همان کسی که ادعا می‌کنید خدای گفتند: «ولی چگونه یک شخص گناهکار می‌تواند چنین معجزه‌ای شناسد. 55 شما او را نمی‌شناسید، اما من او را می‌شناسم؛ و اگر بکد؟» پس بین ایشان اختلاف افتاد. 17 آنگاه فریسی ها بازگشتد و بگوییم او را نمی‌شناسم، آنگاه مانند شما دروغگو خواهم بود! ولی به آن مردی که قبلًا نایابی بود، گفتند: «تو خودت چه می‌گویی؟ حقیقت این است که من خدا را می‌شناسم و کاملاً مطیع او هستم. این شخص که چشمانت را باز کرد، کیست؟» جواب داد: «به 56 جد شما ابراهیم با شادی چشم به راه آمدن من بود؛ او آن را دید نظر من باید پیامبری از طرف خدا باشد.» 18 سران قوم یهود که و شاد گردید. 57 سران قوم یهود فریاد زدند: «چه می‌گویی؟ تو نمی‌خواستند باور کنند که او نایابی بوده، پدر و مادرش را خواستند حتی پنجاه سال نیز نداری و می‌گویی ابراهیم را دیده‌ای؟» 58 عیسی 19 و آنها پرسی شناسد: «آیا این پسر شناس است؟ آیا درست است که به ایشان فرمود: «این حقیقت محض است که پیش از آنکه ابراهیم کور به دنیا آمد، پس چطور چشمانش باز شد؟» 20 پدر و مادرش باشد، من هستم! 59 سران قوم که دیگر طاقت شنیدن سخنان او جواب دادند: «بله، می‌دانیم که این پسر ماست و همینطور می‌دانیم را نداشتند، سیگ برداشتند تا او را بکشند. ولی عیسی از کثار ایشان که کور به دنیا آمده است. 21 ولی نه می‌دانیم چطور چشمانش باز شد و نه می‌دانیم چه کسی این کار را برایش انجام داده است. از گذشت و از معبد بیرون رفت و از نظرها پنهان شد.

9 وقتی عیسی از محلی می‌گذشت، کور مادرزادی را دید. 22 پدر و مادر او از ترس سران قوم یهود چنین گفتند، چون ایشان شاگردان از او پرسیدند: «استاد، این شخص چرا کور به دنیا آمده است؟ آیا در اثر گناهان خود او بوده است یا در نتیجه گناهان پدر و تمام مزایای جامعه محروم خواهند کرد. 23 از همین رو بود که مادرش؟» 3 عیسی جواب داد: «این به خاطر گناهان خودش یا والدینش گفتند: «او بالغ است؛ از خودش پرسید.» 24 فریسی ها

دویاره آن شخص را که نایینا بود خواستند و گفتند: «برای این شفا که این مُقل را شنیدند، منظور عیسی را درک نکردند. ۷ پس برای خدا را تمجید کن نه عیسی راه چون ما می‌دانیم که عیسی آدم ایشان توضیح داد و فرمود: «مسئلمن باشید که من آن دری هستم که گاهه‌کاری است.» ۲۵ جواب داد: «اینکه او گناهکار است یا نه، گوسفندان از آن وارد می‌شوند. ۸ دیگران که پیش از من آمدند، همه من نمی‌دانم. فقط می‌دانم که کور بودم و اکنون بینا هستم!» ۲۶ از دزد و راهزن بودند. به همین جهت، گوسفندان واقعی به سختان او پرسیدند: «خوب، عیسی با تو چه کرد؟ چطور چشمانت را باز ایشان گوش ندادند. ۹ بلکه، من در هستم. کسانی که از این در وارد کرد؟» ۲۷ جواب داد: «من یک بار به شما گفتم، مگر نشنیدید؟ می‌شوند، نجات پیدا می‌کنند و در داخل و بیرون می‌گردند و چراگاه چرا می‌خواهید دویاره تعريف کنیم؟ آیا شما هم می‌خواهید شاگرد سبز و خرم می‌باشید. ۱۰ کار دزد این است که بدزد، بکشد و او بشود؟» ۲۸ آنها او را دشنام داده، گفتند: «تو خودت شاگرد نابود کنده؛ اما من آمده‌ام تا به شما حیات واقعی را به فراوانی عطا او هستی. ما شاگرد موسی می‌باشیم. ۲۹ ما می‌دانیم که خدا با نیایم. ۱۱ «من شیان نیکو هستم. شیان نیکو از جان خود می‌گذرد موسی سخن می‌گفت. اما درباره این شخص، هیچ چیز نمی‌دانیم.» تا گوسفندان را از چنگال گرگها نجات دهد. ۱۲ ولی کسی که ۳۰ جواب داد: «این خیلی عجیب است که او می‌تواند کوری را مزدور است و شیان نیست، وقی می‌بیند گرگ می‌آید، گوسفندان را بینا کند و شما درباره او هیچ چیز نمی‌دانید؟ ۳۱ همه می‌دانند که گذاشته، فرار می‌کنند، چون گوسفندان از آن او نیستند و او شیانشان خدا به دعای اشخاص شیاد گوش نمی‌داند، بلکه دعای کسی را نیست. آنگاه گرگ به گله می‌زند و گوسفندان را پراکنده می‌کند. می‌شوند که خداترس باشد و اراده او را انجام دهد. ۳۲ از آغاز ۱۳ مزدور می‌گریزد، چون برای مزد کار می‌کند و به فکر گوسفندان جهان تا به حال هیچ‌وقت کسی پیدا نشده که بتواند چشمان کور نیست. ۱۴ «من شیان نیکو هستم و گوسفندان را می‌شناسم و آنها مادرزاد را باز کنند.» ۳۳ اگر این شخص از طرف نیز مرا می‌شناسند. ۱۵ درست همان طور که پدرم مرا می‌شناسم و من خدا نبود، چگونه می‌توانست چنین کاری بکند؟» ۳۴ ایشان فریاد او را می‌شناسم. من جان خود را در راه گوسفندان فدا می‌کنم. زدن: «تو سرپا در گناه متولد شده‌ای؛ حال می‌خواهی به ما درس ۱۶ من گوسفندان دیگری نیز دارم که در این آغل نیستند؛ آنها را نیز بدهی؟» پس او را بیرون کردند. ۳۵ وقتی این خبر به گوش عیسی پاید بیاورم. آنها نیز به صدای من توجه کرده، همه با هم یک گله رسید، او را پیدا کرد و فرمود: «آیا تو به پسر انسان ایمان داری؟» خواهند شد و یک شیان خواهند داشت. ۱۷ «پدرم مرا دوست دارد، ۳۶ جواب داد: «سرزم، بگو او کیست، چون می‌خواهم به او ایمان چون من جانم را می‌دهم و باز پس می‌گیرم. ۱۸ کسی نمی‌تواند به پیاروم.» ۳۷ عیسی فرمود: «تو او را دیده‌ای و هم اکنون با تو سخن زور جانم را بستاند. من داوطلبانه آن را فدا می‌کنم. زیرا اختیار این را می‌گوید.» ۳۸ گفت: «بله، ای خداوند، ایمان دارم.» و عیسی را دارم که جانم را فدا کنم، و اختیار آن را دارم تا آن را باز پس بگیرم. پرسش کرد. ۳۹ عیسی به او فرمود: «من به این جهان آمدهام تا این اختیار را پدرم به من داده است.» ۱۹ سران قوم بیهود و وقی این داری کنم، تا به نایینایان بینایی ببخشم و به آنایی که تصور می‌کنند سختان را شنیدند، باز درباره او اختلاف نظر پیدا کردند. ۲۰ بعضی می‌بینند، نشان دهن که کورند.» ۴۰ بعضی از فریسان که آنها گفتند: «این مرد دیوانه است و عقل خود را از دست داده است. چرا بودند، گفتند: «آیا منظورت این است که ما کوریم؟» ۴۱ عیسی به حرfovای او گوش می‌دهید؟» ۲۱ دیگران گفتند: «به نظر دیوانه جواب داد: «اگر کور بودید، گناهی نمی‌دانشید؛ اما حالا که ادعا نمی‌آید. مگر دیوانه می‌تواند چشمان کور را باز کند؟» ۲۲ از آن در اورشیم جشن سالگرد تقدیس معبد، موسوم به جشن خنکا فرا می‌کنند بیناید، گاهه‌کار باقی می‌مانند.

**10** «هر که نخواهد از در وارد آغل گوسفندان شود بلکه از روی دیوار به داخل پرید، دزد و راهزن است. ۲ زیرا شیان گوسفندان همیشه از در وارد می‌شود. ۳ دریان نیز برای شیان در را باز می‌کند، گوسفندان صدای او را می‌شنوند و نزد او می‌آینند. شیان نام گوسفندان خود را یک به یک می‌خواند و آنها را بیرون می‌برد. ۴ او پیشاپیش گوسفندان حرکت می‌کند و گوسفندان به دنبالش می‌روند، چون ایمان نمی‌آرید، زیرا جزو گوسفندان من نیستند. ۲۷ گوسفندان من صدای او را می‌شناسند. ۵ گوسفندان به دنبال غریبه‌ها نمی‌روند، بلکه از آنان می‌گریزند، چون با صدای غریبه‌ها آشنا نیستند.» ۶ کسانی می‌آیند. ۲۸ من به ایشان زندگی جاودی می‌بخشم تا هرگز هلاک

و او از همه قویتر است؛ هیچ انسانی نمی‌تواند ایشان را از پدرم است. 11 آنگاه فرمود: «دوسـت ما ایلعاـز خواـیـد است و من بـگـیرـد. 30 من و پدر یک هستیم». 31 باز سران قوم یهود سنگها می‌روم تا او را بیدار کنم. 12 شاگردان به او گفتند: «سرور ما، پس نیک بسیار انجام داده‌ام. برای کدام یک از آنها می‌خواهید مرا مرده است، اما شاگردان تصویر کردن منظوش این است که ایلعاـز در سنگـسـارـ کـنـد؟» 33 جواب دادند: «ما به خاطر کفری که می‌گویی خواب است. 14 آنگاه عیسی به طور واضح فرمود: «ایلعاـزـ مرـدـ مـیـ خـواـهـیـمـ توـ رـاـ بـکـشـیـمـ،ـ نـهـ بـرـایـ کـارـهـایـ خـوـبـ.ـ چـونـ توـ یـکـ اـنـسـانـ استـ.ـ 15 وـ منـ خـوـشـحـالـمـ کـهـ درـ کـنـارـ اوـ نـبـودـمـ،ـ چـونـ مـرـگـ اوـ یـکـ کـنـتـ مـقـدـسـ کـهـ نـمـیـ تـوـانـدـ نـادـرـسـتـ،ـ بـهـ کـسـانـیـ کـهـ کـلـامـ خـداـ دـوـقـولـ هـمـ مـیـ گـفـتـ،ـ بـهـ شـاـگـرـدـانـ دـیـگـرـ گـفـتـ:ـ «بـیـایـدـ مـاـ نـیـزـ بـروـیـمـ وـ بـهـ اـیـشـانـ رسـیدـ،ـ مـیـ فـرمـایـدـ کـهـ «خـدـایـانـ»ـ هـسـتـنـدـ،ـ 36 آـیـاـ کـفـرـ اـسـتـ بـاـ اوـ بـعـیـرـیـمـ.ـ 17 وـقـتـیـ بـهـ بـیـتـ عـبـیـاـ رسـیدـنـدـ،ـ شـیـنـدـنـ کـهـ اـیـلـعـازـ رـاـ کـسـیـ کـهـ خـدـاـ اوـ رـاـ تـقـدـیـسـ کـرـدـ وـ بـهـ جـهـانـ فـرـسـتـادـ،ـ بـگـیرـدـ»ـ مـنـ چـهـارـ رـوزـ پـیـشـ بـهـ خـاـکـ سـپـرـدـانـدـ.ـ 18 بـیـتـ عـبـیـاـ فـقـطـ چـنـدـ کـلـیـوـمـتـرـ تـاـ پـسـ خـدـاـ»ـ هـسـتـمـ؟ـ 37 اـگـرـ مـعـجـرـهـ نـمـیـ کـنـمـ،ـ بـهـ مـنـ اـیـمـانـ نـیـاوـرـیدـ.ـ اـوـشـلـیـمـ فـاصـلـهـ دـاشـتـ 19 وـعـدـهـاـیـ اـزـ سـرـانـ قـوـمـ یـهـودـ اـزـ آـنـجـاـ آـمـدـ 38 وـلـیـ اـگـرـ مـیـ کـنـمـ وـ باـزـ نـمـیـ تـوـانـدـ بـهـ خـوـهـیدـ،ـ لـاقـلـ بـهـ بـوـدـنـ تـاـ مـارـتـاـ وـ مـیـمـ رـاـ بـرـایـ مـرـگـ بـرـادـرـشـانـ تـسلـیـ بـهـدـنـدـ.ـ 20 وـقـتـیـ بـهـ مـعـجـزـاتـ اـیـمـانـ آـوـرـیدـ تـاـ بـدـانـیدـ کـهـ پـدـرـ درـ مـنـ اـسـتـ وـ مـنـ درـ پـدـرـ.ـ مـارـتاـ خـبـرـ دـادـنـدـ کـهـ عـیـسـیـ آـمـدـ استـ،ـ بـرـخـاستـ وـ بـیـ درـنـگـ بـهـ پـیـشـوـارـ 39 بـارـ دـیـگـرـ خـوـاسـتـنـدـ اوـ رـاـ بـگـیرـدـ وـلـیـ عـیـسـیـ رـفـتـ وـ اـنـآنـ دورـ شـدـ.ـ اوـ رـفـتـ،ـ وـلـیـ مـرـیـمـ درـ خـانـهـ مـانـدـ.ـ 21 مـارـتاـ بـهـ عـیـسـیـ گـفـتـ:ـ «سـرـوـمـ،ـ 40 سـپـیـ بـهـ آـنـ طـرفـ رـوـدـ اـرـدـ رـفـتـ،ـ یـعنـیـ زـدـیـکـ بـهـ جـانـیـ کـهـ یـعـیـ اـگـرـ اـینـجـاـ بـوـدـیدـ،ـ بـرـادـرـمـ نـمـیـ مـرـدـ.ـ 22 حـالـ نـیـزـ دـیرـ نـدـشـدـ؛ـ اـگـرـ اـنـ خـدـاـ درـ آـغـازـ مـرـدـ رـاـ تـعـمـیدـ مـیـ دـادـ.ـ 41 درـ آـنـجـاـ بـسـیـارـ اـزـ مـرـدـ نـدـ اوـ بـخـوـهـیدـ،ـ بـرـادـرـمـ دـوـبـارـ زـنـهـ خـوـاهـدـ شـدـ.ـ 23 عـیـسـیـ فـرمـودـ:ـ «مـارـتاـ،ـ آـمـدـنـ؛ـ اـیـشـانـ بـهـ یـکـدـیـگـرـ مـیـ گـفـتـ:ـ «یـحـیـ مـعـجـزـهـاـ نـکـرـدـ،ـ وـلـیـ هـرـ بـرـادـرـتـ زـنـهـ خـوـاهـدـ شـدـ.ـ 24 مـارـتاـ گـفـتـ:ـ «بـلـهـ،ـ مـیـ دـانـ کـهـ دـرـ رـوـزـ چـهـ درـبـارـهـ اـیـنـ شـخـصـ گـلـتـ،ـ رـاستـ بـودـ.ـ 42 وـسـیـارـیـ کـهـ دـرـ آـنـجـاـ قـیـامـتـ زـنـهـ خـوـاهـدـ شـدـ.ـ 25 عـیـسـیـ فـرمـودـ:ـ «مـنـ قـیـامـتـ وـ حـیـاتـ بـوـدـنـدـ،ـ بـهـ عـیـسـیـ اـیـمـانـ آـوـرـنـدـ.ـ

## 11

روزی، شخصی بـهـ نـامـ اـیـلـعـازـرـ بـیـسـارـ شـدـ.ـ اوـ درـ بـیـتـ عـبـیـاـ نـخـوـاهـدـ شـدـ.ـ مـارـتاـ!ـ آـیـاـ بـهـ اـینـ گـفـتـهـ مـنـ اـیـمـانـ دـارـیـ؟ـ (aiōn 26) چـونـ بـهـ مـنـ اـیـمـانـ دـارـدـ،ـ زـنـدـگـیـ جـاوـیدـ یـافـتهـ،ـ هـرـگـزـ هـلـاـکـ شـدـ.ـ 26 وـ چـونـ بـهـ مـنـ اـیـمـانـ دـارـدـ،ـ زـنـدـگـیـ جـاوـیدـ یـافـتهـ،ـ هـرـگـزـ هـلـاـکـ شـدـ.ـ 27 مـارـتاـ گـفـتـ:ـ «بـلـهـ،ـ سـرـوـمـ،ـ مـنـ اـیـمـانـ دـارـمـ کـهـ توـ مـسـیـحـ،ـ پـسـ کـهـ بـرـادـرـشـ اـکـنـونـ بـیـمارـ بـودـ،ـ هـمـانـ اـسـتـ کـهـ عـطـرـیـ گـرـانـهـاـ رـاـ بـرـ پـاهـایـ خـدـاـ هـسـتـیـ،ـ هـمـانـ کـهـ مـنـتـظـرـشـ بـودـیـمـ.ـ 28 آـنـگـاهـ مـارـتاـ بـهـ خـانـهـ عـیـسـیـ رـیـختـ وـ بـاـکـیـوـاـشـ آـنـهـاـ رـاـ خـشـکـ کـرـدـ.ـ 3 اـینـ دـوـ خـوـاـهـدـ باـزـگـشـتـ وـ مـرـیـمـ رـاـ اـزـ مـجـلـسـ عـزـادـرـیـ بـیـرونـ بـرـ وـ بـهـ اوـ گـفـتـ:ـ «عـیـسـیـ بـرـایـ عـیـسـیـ پـیـغـامـ فـرـسـتـادـ،ـ گـفـتـنـدـ:ـ «سـرـوـمـ،ـ دـوـسـتـ عـزـیـزـتـانـ سـخـتـ اـیـجـاسـتـ وـ مـیـ خـوـاهـدـ توـ رـاـ بـیـبـینـدـ.ـ 29 مـرـیـمـ بـیـ درـنـگـ نـدـ عـیـسـیـ بـیـمارـ اـسـتـ.ـ 4 وـقـتـیـ عـیـسـیـ اـیـنـ خـبـرـ بـوـدـ،ـ درـ هـمـانـ جـانـیـ کـهـ مـارـتاـ بـاـ اوـ مـوـجـبـ مـرـگـ اـیـلـعـازـرـ نـخـوـاهـدـ شـدـ،ـ بـلـکـهـ بـاعـثـ جـلـالـ خـدـاـ خـوـاهـدـ مـلـاقـاتـ کـرـدـ بـودـ.ـ 31 یـهـودـیـانـیـ کـهـ درـ خـانـهـ سـعـیـ مـیـ کـرـدـنـ مـرـیـمـ رـاـ گـشـتـ،ـ وـ پـسـ خـدـاـ نـیـزـ اـزـ اـنـ روـیدـادـ جـلـالـ خـوـاهـدـ یـافتـ.ـ 5 عـیـسـیـ دـلـدـارـیـ دـهـنـدـ،ـ وـقـتـیـ دـیدـنـدـ کـهـ اوـ بـاـ عـجلـهـ اـزـ خـانـهـ بـیـرونـ مـیـ رـوـدـ،ـ باـ اـینـهـ نـسـبـتـ بـهـ مـارـتاـ وـ مـرـیـمـ وـ اـیـلـعـازـرـ لـطفـ خـاصـیـ دـاشـتـ.ـ 6 اـماـ تـصـورـ کـرـدـنـ بـهـ سـرـقـبـرـ مـیـ رـوـدـ تـاـ باـزـ گـرـیـ کـنـدـ.ـ پـسـ اـیـشـانـ نـیـزـ بـهـ وـقـتـیـ خـبـرـ بـیـمارـیـ اـیـلـعـازـرـ رـاـ شـنـیدـ،ـ درـ مـحـلـیـ کـهـ بـودـ،ـ دـوـ رـوـزـ دـیـگـرـ دـبـیـلـ اوـ رـفـتـنـدـ.ـ 32 وـقـتـیـ مـرـیـمـ نـدـ عـیـسـیـ رـسـیدـ،ـ بـهـ پـاهـایـ اوـ اـفـادـ وـ نـیـزـ مـانـدـ.ـ 7 پـسـ اـزـ آـنـ،ـ بـهـ شـاـگـرـدـ خـودـ فـرمـودـ:ـ «بـیـایـدـ بـهـ یـهـودـیـهـ گـفـتـ:ـ «سـرـوـمـ،ـ اـگـرـ اـینـجـاـ بـوـدـیدـ،ـ بـرـادـرـمـ نـمـیـ مـرـدـ.ـ 33 وـقـتـیـ عـیـسـیـ بـارـگـردـمـ.ـ 8 شـاـگـرـدـ اـعـضـاضـ کـرـدـ،ـ گـفـتـنـدـ:ـ «هـمـیـنـ چـنـدـ رـوـزـ پـیـشـ دـیدـ کـهـ مـرـیـمـ گـرـیـهـ مـیـ کـنـدـ وـ یـهـودـیـانـ نـیـزـ بـاـ اوـ مـاتـمـ گـرـفـتـهـ اـنـ عـمـیـقاـ بـودـ کـهـ سـرـانـ یـهـودـ مـیـ خـوـاستـنـدـ توـ رـاـ درـ یـهـودـیـهـ بـکـشـنـدـ.ـ حـالـ مـیـ خـوـاـهـ مـنـاـثـ وـ پـیـشـانـ گـردـیدـ.ـ 34 اوـ پـرسـیدـ:ـ «کـجاـ اوـ رـاـ دـفـنـ کـرـهـاـیدـ؟ـ»ـ باـزـ بـهـ آـنـجـاـ بـرـوـیـ؟ـ 9 عـیـسـیـ جـوابـ دـادـ:ـ «درـ رـوـزـ،ـ دـواـزـدـهـ ساعـتـ هـوـاـ گـفـتـنـدـ:ـ «سـرـوـمـ،ـ مـاـ،ـ بـیـاـ وـ بـیـبـینـ.ـ 35 عـیـسـیـ گـرـیـستـ.ـ 36 سـرـانـ رـوـشـنـ اـسـتـ.ـ تـاـ زـمانـیـ کـهـ هـمـهـ جـاـ رـوـشـنـ اـسـتـ،ـ مـرـدـ مـیـ تـوـانـدـ رـاهـ یـهـودـ بـهـ یـکـدـیـگـرـ گـفـتـنـدـ:ـ «بـیـینـیدـ چـقـدـرـ اوـ رـاـ دـوـسـتـ مـیـ دـاشـتـ.ـ»ـ

37 ولی بعضی می گفتند: «این مرد که چشمان کور را باز کرد، چرا دیگر کاهان اعظم و فریسان اعلام کرده بودند که هر که عیسی را نتوانست کاری کند که ایلعازر نمیرد؟» 38 باز عیسی به شدت متاثر بییند، خبر دهد تا او را پکیرند.

شدن سرانجام به سر قبر رسیدند. قبر او غاری بود که سنگ بزرگی 12 شش روز پیش از آغاز عید پیش، عیسی وارد بیت عانيا جلوی دهانه اش غلتانیده بودند. 39 عیسی فرمود: «سنگ را به کنار بغلانید!» ولی مارتا، خواهر ایلعازر گفت: «سرورم، حالا دیگر معفن شده، چون چهار روز است که او را دفن کرده‌ایم.» 40 عیسی فرمود: «مگر ننگتم اگر ایمان داشته باشی، جلال خدا را خواهی دید؟» 41 پس سنگ را کنار زدند. آنگاه عیسی به آسمان نگاه کرد و فرمود: «پدر، شکر می کنم که دعای مرا شنیده‌ای.» 42 البته همیشه دعایم را می شنوی ولی این را به خاطر مردمی که اینجا هستند گفتم، تا ایمان آورند که تو مرا فرستاده‌ای.» 43 سپس با صدای بلند فرمود: «ایلعازر، بیرون بیا!» 44 ایلعازر از قبر بیرون آمد، در حالی که تمام بدنش در کنن پیچیده شده و پارچه‌ای سرو و صورتش را پوشانده بود. عیسی فرمود: «او را باز کنید تا بتواند راه بپرسد.» 45 بعضی از بیهودیان که با مریم بودند و این معجزه را دیدند، به عیسی ایمان آوردند. 46 ولی بعضی نیز نزد فریسان رفته، واقعه را گزارش دادند.

47 کاهان اعظم و فریسان بی درنگ جلسه‌ای تشکیل دادند تا به این موضوع رسیدگی کنند. ایشان به یکدیگر می گفتند: «چه کنیم؟

این شخص معجزات بسیاری انجام می دهد. 48 اگر او را به حال خود بگذاریم، تمام این قوم به دنبال کاهان اعظم بود،

به اینجا لشکرکشی کرده، معبد و قوم ما را از بین خواهند برداشت.» 49 یکی از ایشان به نام قیافا، که در آن سال کاهان اعظم بود،

برخاست و گفت: «شما اصلاً متوجه موضوع نیستید. 50 آیا درک

نمی کنید که بهتر است یک نفر برای قوم بمیرد تا آن که همه قوم هلاک شوند.» 51 او این را از خود نگفت، بلکه چون در آن سال کاهان اعظم بود، به او الهام شد. او با این سخن، در واقع پیشگویی

کرد که عیسی باید برای قوم بیهود فدا شود، 52 و نه فقط برای قوم بیهود، بلکه برای جمع کردن و متحده ساختن همه فرزندان خدا که در سراسر دنیا پراکنده‌اند. 53 از آن روز به بعد، سران قوم بیهود توطئه

چیدند تا عیسی را به قتل رسانند. 54 عیسی از آن پس، دیگر در میان مردم آشکار نمی شد، بلکه با شاگردانش از اورشلیم به دهکده افزاییم در نزدیکی بیابان رفت و در آنجا ماند. 55 کم کم عید پیش

که از روزهای مقدس بیهود بود نزدیک می شد. مردم از سراسر مملکت در اورشلیم جمع می شدند تا خود را برای شرکت در مراسم عید آماده کنند. 56 در این میان، همه می خواستند عیسی را ببینند، و در معبد

با کجگاکوی از یکدیگر می پرسیدند: «چه فکر می کنید؟ آیا عیسی برای شرکت در مراسم عید به اورشلیم خواهد آمد؟» 57 ولی از طرف

بیت صیدای جلیل بود، رفتند و گفتند: «آقا، ما می خواهیم عیسی را

بینیم.» 22 فیلیپ این را با آندریاس در میان گذاشت و هر دو رفته بعضاً از سران قوم یهود ایمان آورده‌ند که او همان مسیح است، ولی و به عیسی گفتند. 23 عیسی جواب داد: «وقت آن رسیده است به کسی نگفته‌ند چون می‌ترسیدند فریسان از کنیسه پیرونshan کنند. که پسر انسان به جلالی که در آسمان داشت بازگرد. 24 این 43 در واقع چیزی که برای این اشخاص اهمیت داشت، جلب نظر و که می‌گویند عین حقیقت است: اگر دانه گندم در خاک نیفتند و احترام مردم بود نه جلب رضای خدا. 44 پس عیسی با صدای بلند نمیرد، تنها می‌ماند؛ اما اگر بمیرد دانه‌های تازه پسیاری تولید می‌کند. به مردم فرمود: «هر که به من ایمان بیاورد، نه فقط به من، بلکه به 25 اگر کسی جان خود را دوست بدارد، آن را از دست خواهد کسی نیز ایمان آورده که مرا فرستاده است. 45 چون آن که مرا دید، داد. اما کسی که در این جهان از جان خود بگذرد، آن را برای گویند فرستاده مرا دیده است. 46 من مثل نوری آمدام تا در این حیات جاویدان حفظ خواهد کرد. (aiōnios g166) 26 هر که دنیا تاریک بدرخشش تا تمام کسانی که به من ایمان می‌آورند، بخواهد مرد خدمت کند، باید به دنیا من بیاید. و هر جا من باشم، در تاریکی سرگردان نشوند. 47 اگر کسی صدای مرا پشنود ولی خدمتگزارم نیز باید باشد. و پدر، هر کسی را که به من خدمت کند، اطاعت نکند، من از او بازخواست نخواهم کرد، زیرا من نه برای تکریم خواهد کرد. 27 اکنون جانم آشفته است. آیا باید دعا کنم بازخواست بلکه برای نجات جهان آمدام. 48 ولی تمام کسانی که که: «ای پدر، از آنچه می‌خواهد بر من واقع شود، مرا رهایی ده؟» ولی مرا و سختان مرا نمی‌پذیرند، در روز قیامت بهوسیله کلام من از ایشان من برای همین امر به این جهان آمدام! 28 پس می‌گویند: «ای پدر، بازخواست خواهد شد. 49 این سختان از من نیست، بلکه من نام خود را جلال و سرافرازی ده.» ناگاه صدایی از آسمان گفت: آنچه را که پدرم خدا گفته است، به شما می‌گویم؛ 50 و می‌دانم که احکام او انسان را به زندگی جاوید می‌رساند. پس من هر چه «جلال داد و باز جلال خواهم داد.» 29 وقتی مردم این صدا را شنیدند، بعضی گمان پردازد که صدای رعد بود و بعضی دیگر می‌گویند، همان است که خدا به من می‌فرماید. (aiōnios g166)

گفتند: «فرشته‌ای با او سخن گفت.» 30 ولی عیسی فرمود: «این 13 شب عید پسح فرا رسید. عیسی می‌دانست که وقت آن صدا برای شما بود، نه برای من. 31 چون وقت آن رسیده است که خدا مردم دنیا را داوری کند و فراماروای این دنیا، یعنی شیطان را از قدرت بیندازد. 32 وقتی مرا از زمین بلند کردید، همه را به سوی خود جذب خواهم کرد.» 33 عیسی با این گفته، به نوع مرگ خود بر صلیب اشاره کرد. 34 مردم پرسیدند: «تو از مرگ سخن می‌گویی؟» 3 عیسی می‌دانست که پدر اختیار همه چیز را به دست او می‌سپرده، تا جایی که ما می‌دانیم مسیح باید همیشه زنه بماند و هرگز نمیرد. و اینکه از نزد خدا آمده و باید بار دیگر نزد او بازگردد. 4 پس، از سر شام بلند شد، لباس خود را درآورد، حواله‌ای به کمر بست، 5 آب در لگن ریخت و به شستن پاهای شاگردان و خشک کردن مدتی کوتاه بر شما خواهد تابید؛ پس تا فرست هست، در نور راه بروید، تا تاریکی بر شما چیزه نشود. آنان که در تاریکی راه می‌روند، نمی‌توانند بینند به کجا می‌روند. 36 تا دیر نشده، به نور ایمان آورید تا نورانی شوید.» آنگاه عیسی رفت و خود را از چشم مردم پنهان کرد. 37 با وجود تمام معجزاتی که عیسی کرد، پسیاری از مردم ایمان نیاوردن که او همان مسیح است. 38 این درست همان است که اشیعیان نبی پیشگویی کرده بود که: «خداؤندا، چه کسی پیام ما را باور کرده، و بازی تووانای خداوند بیر چه کسی آشکار شده است؟» 39 البته ایشان نتوانستند ایمان بیاورند، چون همان طور که اشعا گفته بود: 40 «خدا چشمانشان را کور و دلهایشان را سخت کرده است، تا با چشمانشان نبینند و با دلهایشان نفهمند و به سوی خدا باز نگرددند تا شفایشان دهد.» 41 اشعا به این دلیل این را گفت که جلال او را دید و درباره او سخن گفت. 42 با این همه، پوشید و سر میز شام نشست و پرسید: «آیا فهمیدید چرا این کار را

کردم؟ **13** شما مرا استاد و خداوند می‌خوانید، و درست می‌گویید کرد که شما شاگردان من می‌باشید. **14** شمعون پطرس پرسید: چون همین طور نیز هست. **15** حال، اگر من که خداوند و استاد شما نیز باشد پاهای یکدیگر را نمی‌توانی با من بیایی، ولی بعد به دنالم خواهی آمد. **16** پطرس شما هستم، پاهای شما را شستم، شما نیز باید پاهای یکدیگر را نمی‌توانی با من بیایی، ولی بعد به دنالم خواهی آمد. **17** پطرس شما را بشویید. **18** من به شما سرمشی دادم تا شما نیز همین طور رفتار پرسید: «سرور، چرا نمی‌توانم حالا بیایم؟ من حتی حاضر جانم را کنید. **19** چون مسلمًا خدمتکار از اربابش بالاتر نیست و فاقد فدای تو کنم.» **20** عیسیٰ جواب داد: «تو جانت را فدای من نیز از فرستنده‌اش مهتر نمی‌باشد. **21** در زندگی، سعادت در می‌کنی؟ همین امشب پیش از بانگ خروش، سه بار مرا انکار کرده، این است که به آنچه می‌دانید، عمل کنید. **22** «این را به همه خواهی گفت که مرا نمی‌شناسی.»

**14** شما نمی‌گوییم، چون تک تک شما را که انتخاب کردیدم، خوب می‌شناسم. اما آنچه در کتب مقدس آمده باید جامعه عمل پوشش که می‌فرماید: «کسی که نان و نمک مرا می‌خورد، دشمن من شده است.» **19** این را به شما می‌گوییم تا واقعی واقع شد، به من ایمان بیاورید. **20** بداید که هر کس فرستاده مرا قبول کند، مرا پذیرفته است و آنکه مرا قبول کند فرستاده مرا پذیرفته است. **21** پس از این سخن، عیسیٰ به شدت محروم شد و با دلی شکسته گفت: «براستی به شما می‌گوییم که یکی از شما به من خیانت خواهد کرد.» **22** شاگردان مات و مبهوت به یکدیگر نگاه می‌کردند و در حیرت بودند که عیسیٰ این را درباره چه کسی می‌گوید. **23** یکی از شاگردان، که عیسیٰ دوستش می‌داشت، کنار او نکیه زده بود.

**24** شمعون پطرس به او اشاره کرد تا پرسید کیست که دست به چنین گفت: «خداوندان، پدر را به ما نشان بده که همین برای ما کافی است.» **25** عیسیٰ جواب داد: «فیلیپ، آیا بعد از تمام این مدتی که با شما بوده‌ام، هنوز هم نمی‌دانی من کیستم؟ هر که مرا بینند، خدای پدر را دیده است. پس دیگر چرا می‌خواهی او را بیینی؟ **10** آیا اینمان نداری که من در پدر هستم و او در من است؟ سخنانی که لقمه از گلوی یهودا پایین رفت، شیطان داخل او شد. پس عیسیٰ او فرمود: «کاری را که می‌خواهی انجام دهی، زودتر عملی کن!» **26** فرمود: «آن کسی است که یک لقمه می‌گیرم و به او می‌دهم.» آنگاه لقمه‌ای گرفت و آن را به یهودا پسر شمعون اسخریوطی داد. **27** به محض اینکه گمان کردند که چون پول دست یهودا بود، عیسیٰ به او دستور داد که برو و خوارک بخورد و یا چیزی به فقر ابددهد. **30** یهودا لقمه را می‌گوییم، از خودم نیست بلکه از پدر من است که در من ساکن است؛ و اوست که این کارها را می‌کند. **11** فقط ایمان داشته باش که من در خدای پدر هستم و او در من است؛ و گرنه به خاطر همان کارهای را بکند که من کردیدم، و حتی بزرگتر از اینها نیز انجام دهد، چون من نزد پدر باز می‌گردم. **12** اینکه شما می‌توانید به نام من، هر چیزی درخواست کنید، و من آن را برایتان انجام خواهم داد. چون من که پسر خدا هستم هر چه برای شما انجام دهم، باعث شما را بگذارم و بروم. آنگاه همان طور که به سران قوم یهود گفتم، همه جا به دنیال من خواهید گشت، اما مرا نخواهید یافت و نخواهید توانست به جایی که می‌روم، بیایید. **34** «پس حال، دستوری تازه به شما می‌دهم: یکدیگر را دوست بدارید همان گونه که من شما را دوست می‌دارم. **35** محبت شما به یکدیگر، به جهان ثابت خواهد

(**17** این پشتیبان و تسلیبخش دیگری به شما عطا نماید که همیشه با شما بماند.) **165** (**17** این پشتیبان و تسلیبخش همان

روح القدس است که شما را با تمام حقایق آشنا خواهد ساخت. مردم دادم، خدا شما را اصلاح و پاک کرده است تا قویتر و مفیدتر دنیا به او دسترسی ندارند، چون نه در جستجوی او هستند و نه او را بشید. **4** در من بمانید و بگذارید من هم در شما بمانم. زیرا وقتی می‌شناسند. ولی شما در جستجوی او هستید و او را می‌شناسید، شاخه از درخت جدا شود، دیگر نمی‌تواند میوه بدهد. شما نیز جدا چون او همیشه با شماست و در وجودتان خواهد بود. **18** «شما را از من نمی‌توانید بارور و مفید باشید. **5** «بله، من تاک هستم، یعنی و بی‌سرپرست نخواهیم گذاشت و نزد شما خواهم آمد. **19** برای شما نیز شاخه‌های من. هر که در من بماند و من نیز در او، میوه مدت کوتاهی جهان مرا نخواهد دید، اما شما خواهید دید. چون من فراوان می‌دهد، چون جدا از من هیچ کاری از شما ساخته نیست. زندگان شما نیز خواهید زیست. **20** وقتی زندگی را از سر گیرم، **6** اگر کسی از من جدا شود، مانند شاخه‌ای بی‌پایه آن را می‌بیند خواهید دانست که من در خدای پدر هستم و شما در من هستید و دور می‌اندازند. و آن شاخه می‌خشکد و سپس، آن را با سایر من نیز در شما هستم. **21** کسی مرا دوست دارد که از احکام من شاخه‌ها جمع می‌کنند تا در آتش بسوزانند. **7** ولی اگر در من بمانید اطاعت کنده؛ و چون مرا دوست دارد، پدرم نیز او را دوست خواهد و از کلام من اطاعت کنید، هر چه بخواهید به شما داده خواهد داشت و من نیز او را دوست خواهیم داشت و خود را به او نشان شد. **8** شاگردان واقعی من محصول فراوان می‌دهند و این، باعث خواهیم داد.» **22** یکی از شاگردان او به اسم یهودا (الیه نه یهودای بزرگی و جلال پدرم می‌شود. **9** «همان طور که پدر مرا دوست دارد، استخريوطی) پرسید: «سرور من، چرا خود را فقط به ما نشان می‌دهی، من نیز شما را دوست دارم. پس در محبت من بمانید. **10** اگر اما نه به همه مردم این جهان؟» **23** عیسی جواب داد: «من خود را از کلام من اطاعت نمایید، در محبت من خواهید ماند، درست فقط به کسانی نشان می‌دهم که مرا دوست می‌دانند و از احکام من همان‌گونه که من از احکام پدرم اطاعت می‌کنم و در محبت او اطاعت می‌کنند. پدرم نیز ایشان را دوست دارد و ما نزد ایشان آمده، می‌مانم. **11** این را گفتم تا شما نیز از شادی من لبریز شوید؛ بله، تا با ایشان زندگی خواهیم کرد. **24** اگر کسی مرا دوست نداشته ملامال از خوشی گردید. **12** از شما می‌خواهیم که به همان اندازه باشد، کلام مرا اطاعت نخواهد کرد. سخنانی که می‌شوند، از من که مرا دوست می‌دارم، شما نیز یکدیگر را دوست بدارید. نیست، بلکه از پدری است که مرا فرستاده است. **25** این چیزها را **13** بزرگترین محبتی که شخص می‌تواند در حق دوستانش بکند، این اکنون که با شما هستم، می‌گوییم. **26** ولی وقتی پدر «تسلی بخش» را است که جان خود را در راه ایشان فدا سازد. محبت را باید اینچنین به جای من فرستاد، یعنی همان روح القدس را، او همه چیز را به شما سنجید. **14** و شما دوستان می‌بندید اگر از آتجه می‌گوییم اطاعت کنید. تعلیم خواهد داد؛ در ضمن هر چه را که به شما گفته‌ام، به یادتان **15** دیگر شما را «بنده» نمی‌خوانیم، چون معمولاً بنده مورد اعتماد خواهد آورد. **27** «من هدیه‌ای نزد شما می‌گذارم و می‌روم. این اریابیش نیست. من شما را «دوستان خود» می‌خوانم، به این دلیل که به هدیه، آرامش فکر و دل است. آرامشی که من به شما می‌دهم، مانند شما اعتماد کرده، هر چه پدرم به من گفته است، همه را به شما آرامش‌های دنیا بی‌دوم و زود‌گذر نیست. پس مضطرب و هراسان گفته‌ام. **16** «شما مرا بزنگریدید، بلکه من شما را بزنگرید و شما را نیایشید. **28** فراموش نکنید چه گفتم؛ گفتم که می‌روم و زود باز فرستادم که بروید و میوه‌های ماندگار بیاورید، تا هر چه از پدرم به نام می‌گردم. اگر واقعاً مرا دوست داشته باشید، از این خبر شاد خواهید من بخواهید به شما بدهد. **17** از شما می‌خواهیم که یکدیگر را شد، چون نزد پدرم می‌روم که از من بزرگتر است. **29** من همه چیز دوست بدارید، **18** چون مردم دنیا از شما نفرت خواهند داشت. اما را از پیش به شما گفتم تا وقتی واقع می‌شود، به من ایمان آورید. بدانید که پیش از اینکه از شما نفرت کنند، از من نفرت داشته‌اند. **30** «دیگر فرست زیادی نمانده است تا باز با شما سخن گویم، زیرا **19** اگر به دنیا دل می‌بستید، دنیا شما را دوست می‌داشت. ولی شما شیطان که فرماترای این دنیاست، نزدیک می‌شود. البته او بر من به آن دل نبسته‌اید، چون من شما را از میان مردم دنیا جدا کرده‌ام. به هیچ قدرتی ندارد. **31** من آزادانه آتجه پدر از من می‌خواهد می‌کنم تا همین دلیل از شما نفرت دارند. **20** آیا به خاطر دارید چه گفتم؟ مردم دنیا بدانند که من چقدر پدرم را دوست دارم. «برخیزید از اینجا مقام خدمتکار از اریابش بالاتر نیست. پس اگر مرزا اذیت کردند، شما را نیز اذیت خواهند کرد و اگر به سخنان من گوش ندادند، به سخنان را برویم.»

**15** «من تاک حقيقی هستم و پدرم باغبان است. **2** او هر شاخه‌ای را که میوه ندهد، می‌بند و شاخه‌های را که میوه می‌دهند، هرگز می‌کند تا میوه بیشتری بدهند. **3** بهوسیله احکامی که به شما نمی‌آمد و با مردم سخن نمی‌گفتم، تقصیری نمی‌داشتند. ولی حال

که آمده‌ام، دیگر برای گناهانشان عذر و بهانه‌ای ندارند. **23** هر که یکدیگر پرسیدند: «استاد چه می‌گوید؟ منظورش از این سخن چیست از من نفرت دارد، از پدرم نیز نفرت دارد. **24** اگر من در مقابل که می‌گوید: «دیگر مرا نخواهید دید، ولی بعد از مدت کوتاهی چشمان این مردم کارهای نکرده بودم که غیر از من کسی تا به حال دوباره مرا خواهید دید؟» **18** منظورش از «نزد پدر می‌روم» چیست؟» نکرده بود، یعنی تصریح می‌پودند؛ ولی اینک حقیقت با دیدن تمام این **19** عیسی متوجه شد که شاگردان می‌خواهند از او سؤال کنند. پس معجزات، باز از من و از پدرم نفرت دارند؛ **25** به این شکل، آنچه در فرمود: «می‌پرسید منظورم چیست که گفتم: «دیگر مرا نخواهید دید، تورات ایشان نوشته شده، جامعه عمل می‌پوشد که می‌فرماید: «بی‌جهت ولی بعد از مدت کوتاهی خواهید دید؟» **20** مردم دنیا از رفاقت من از من نفرت داشتند. **26** «اما من آن روح تسلی بخش را به کمک شاد خواهند شد، ولی شما محروم خواهید گردید و خواهید گرفت. شما خواهم فرستاد. او سرچشمۀ تمام حقایق است و از طرف پدرم ولی وقتی دوباره مرا بینید، گریه شما تبدیل به شادی خواهد شد. آمده، درباره من همه چیز را به شما خواهد گفت. **27** شما نیز باید **21** همچون زنی که درد می‌کشد تا وزادی به دنیا آورد؛ ولی بعد از درباره من با تمام مردم سخن پکویید، چون از ایندا با من بوده‌اید.» زایمان، زنج او به شادی تبدیل می‌شود و در را فراموش می‌کند،

زیرا انسان جدیدی به دنیا آورده است. **22** شما نیز اکنون غمگین **16** «این امور را از هم اکنون به شما می‌گوییم تا وقتی با مشکلات رویرو می‌شوید، ایمان خود را از دست ندهید. **2** شما را از کسی نمی‌توانید آن شادی را از شما بگیرد. **23** در آن هنگام دیگر از کیسه‌ها بیرون خواهند راند و حتی زمانی فرا خواهد رسید که مردم من چیزی نخواهید خواست. من واقعیت را به شما می‌گویم، شما شما را خواهند کشت به خیال اینکه خدا را خدمت می‌کنند. **3** به خودتان هر چه از پدرم به نام من بخواهید، به شما خواهد داد. **24** تا این علت با شما اینچنین رفتار خواهند کرد که نه پدر را می‌شناسند، به حال به نام من چیزی نخواسته‌اید. بخواهید تا بیاید و شاد شوید و و نه مرا. **4** پس در آن موقع به یاد داشته باشید که خبر تمام این شادی‌تان کامل گردد. **25** «این چیزها را با مُثناها به شما گفتم. ولی پیش‌آمدتها را از قبل به شما داده‌ام. علت اینکه این موضوع را زودتر زمانی فرا می‌رسد که دیگر نیازی به این کار خواهد بود و همه چیز را به شما نگفتم این است که خودم با شما بودم. **5** «اما اکنون نزد کسی می‌روم که مرا فرستاد، و هیچ‌یک از شما نمی‌پرسید: «به کجا درخواست خواهید کرد. البته لازم نیست که من سفارش شما را به می‌روی؟» **6** در عوض غمگین و محرومی. **7** رفت من به نفع پدر بکنم تا آنچه را که می‌خواهید به شما بدهد؛ **27** چرا که خود شمامست، چون اگر نروم، آن روح تسلی بخش نزد شما نخواهد آمد. پدر، شما را دوست دارد، زیرا شما مرد دوست دارید و ایمان دارید که ولی اگر بروم او خواهد آمد، زیرا من او را نزد شما خواهم فرستاد. من از نزد پدرم آمده‌ام. **28** بله، من از نزد پدرم خدا به این دنیا **8** وقتی او بیاید، جهان را در رابطه با گناه، عدالت خدا و داوری آینده آمده‌ام، و حال دنیا را می‌گذارم و نزد او باز می‌گردم. **29** شاگردان محکوم خواهد کرد. **9** گناه جهان آن است که نمی‌خواهد به من گفته‌ند: «اکنون آشکارا با ما سخن می‌گویند و نه با مُثنا. **30** اکنون ایمان بیاورد. **10** عدالت خدا ظاهر می‌شود زیرا من نزد پدر می‌روم و بی‌بردیم که همه چیز را می‌دانی و حتی نیاز نداری کسی سؤالش را دیگر مرا نخواهید دید. **11** داوری خواهد آمد، زیرا نیمس این جهان با تو در میان بگذارد. همین برای ما کافی است تا ایمان بیاوریم که هم اکنون تحت محاکومیت قرار دارد. **12** «بسیار چیزهای دیگر دارم که بگویم، ولی افسوس که حال نمی‌توانید بفهمید. **13** ولی وقتی روح القدس که سرچشمۀ همه راستی‌ها است بیاید، تمام حقایق را بر شما آشکار خواهد ساخت. زیرا از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه آنچه را که از من شنیده است، بیان خواهد کرد. او از آینده نیز شما را باخبر خواهد ساخت. **14** او جلال و بزرگی مرا به شما نشان خواهد داد و با این کار باعث عزت و احترام من خواهد شد. شجاع باشید، چون من بر دنیا پیروز شدم.»

**15** تمام بزرگی و جلال پدرم از آن من است. وقتی گفتم جلال و **17** بزرگی مرا به شما نشان می‌داده، منظور همین بود. **16** «بزودی وقتی عیسی سخنان خود را به پایان رساند، به سوی آسمان خواهم رفت و دیگر مرا نخواهید دید. ولی بعد از مدت کوتاهی باز نگاه کرد و گفت: «پدر، وقت موعود فرا رسیده است. بزرگی و می‌گردم و دوباره مرا خواهید دید.» **17** بعضی از شاگردان او از جلال پسرت را آشکار کن تا او نیز جلال و بزرگی را به تو بازگرداند.

**2** زیرا تو اختیار زندگی تمام مردم دنیا را به دست او سپرده‌ای؛ و که به من بخشیدی به ایشان داده‌ام، تا آنان نیز مانند ما یکی گردند. او به آن عده‌ای که به او عطا کرده‌ای، زندگی جاوید می‌باشد.  
**23** من در ایشان و تو در من، تا به این ترتیب ایشان نیز به تمام معنا با هم یکی باشند، و مردم دنیا بداند که تو را که یگانه خدای راستین هستی، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند. ایشان را دوست داری، به همان اندازه که مرد دوست داری. **24** پدر، **4** «بر روی زمین آنچه را که به من محول کرده می‌خواهم همه آنانی که به من ایمان می‌آورند، در آینده با من باشند تا بودی، انجام دادم تا باعث بزرگی و جلال تو شوم. **5** حال، ای از نزدیک بزرگی و جلال مرا بیبینند. تو به من جلال دادی، چون حتی پدر، مرد از حضور خود جلال بده، با همان جلالی که پیش از آنفیش پیش از آنفیش جهان مرد دوست می‌داند. **25** «ای پدر عادل، جهان نزد تو داشتم. **6** «من تو را به کسانی که به من بخشیدی، مردم جهان تو را نمی‌شناسند ولی من تو را می‌شناسم و این شاگردان شناساند. ایشان در دنیا بودند و تو ایشان را به من بخشیدی. در می‌دانند که تو مرد فرستاده‌ای. **26** من تو را به ایشان شناساند و باز واقع همیشه از آن تو بودند و تو ایشان را به من دادی؛ و هر چه به هم خواهم شناسانید تا آن محبت بی‌پایانی که تو نسبت به من داری ایشان گفتم، اطاعت کردند. **7** حال، می‌دانند که هر چه من دارم، در ایشان نیز به وجود آید و من هم در ایشان باشم.»

**8** هر دستوری به من دادی، به ایشان دادم و ایشان هدیه توست. **18** پس از پایان دعا، عیسی با شاگردانش به باوغی از درختان قبیل کردند و دانستند که من از نزد تو به این جهان آمدام و ایمان پیش از آن نزد تو باشد متعلق به تو نیز هست، و هر چه **3** پس بیودا به همراه سربازان و محافظین مخصوص معبد که کاهانی دارند که تو مرد فرستاده‌ای. **9** «من برای مردم دنیا دعا نمی‌کنم زیعون واقع در آن سوی دره قدرون رفت. **2** بیهودای خائن نیز آن محل بلکه برای کسانی دعا می‌کنم که به من بخشیدی، چون از آن تو را می‌شناخت، زیرا عیسی و شاگردانش بارها در آنجا گرد آمده بودند. **10** هر چه از آن من باشد متعلق به تو نیز هست، و هر چه **3** پس بیودا به همراه سربازان و محافظین مخصوص معبد که کاهانی از آن تو باشد متعلق به من هم می‌باشد. از این جهت، ایشان باعث اعظم و فریسان در اختیارش گذاشته بودند، با اسلحه و مسلحه ا و افتخار و سربلندی متند. **11** بهزودی من این جهان را گذاشته، نزد تو خواهم آمد، ولی ایشان در این جهان می‌مانند. پس ای پدر مقدس، اوست، جلو رفت و از ایشان پرسید: «چه کسی را می‌خواهید؟» کسانی را که به من بخشیده‌ای، با توجهات پدرانهات حفظ فرمایند **5** جواب دادند: «عیسای ناصری را!» عیسی فرمود: «من خودم مانند من و تو با هم یکی باشند. **12** تا زمانی که با ایشان بودم، با هستم!» وقتی عیسی این را می‌گفت بیهودا نیز آنجا ایستاده بود. **6** به قدرت نامی که به من دادی، از ایشان محافظت کردم. ایشان را محض اینکه گفت من خودم هستم، همه عقب عقب رفتند و بر زمین طوری حفظ کردم که هیچ یک از دست نرفت، مگر آن کس که برای افتادند. **7** عیسی باز از ایشان پرسید: «چه کسی را می‌خواهید؟» باز هلاکت مقرر شده بود، تا نوشته کتب مقدس به واقعیت بیرونند. **8** جواب دادند: «عیسای ناصری را.» **9** فرمود: «من که گفتم خودم **13** و حال، نزد تو می‌آم. تا وقتی که با آنان بودم، چیزهای بسیار هستم. اگر مرد می‌خواهد، بگذارید اینها بروند. **9** او چنین کرد تا به ایشان گفتم تا از خوشی من لبریز باشند. **14** من احکام تو را به ایشان دادم. دنیا از آنان نفرت دارد، زیرا آنان به این دنیا تعلق من بخشیدی، از دست نadam. **10** در همین وقت، شمعون پطرس ندارند، چنانکه من ندارم. **15** نمی‌خواهم که ایشان را از دنیا ببری، شمشیر خود را کشید و گوش راست خادم کاهن اعظم را ببرید. نام مانند من از این دنیا نیستند. **16** ایشان نیز آن خادم مالخوس بود. **11** عیسی به پطرس فرمود: «شمشیرت را بلکه می‌خواهم آنان را از قدرت شیطان حفظ کمی. **17** کلام راستی خود را به آنان بیاموز تا غلاف کن. آیا جامی را که پدرم به من داده است، نباید بتوشم؟» پاک و مقدس شوند. **18** همان طور که تو مرد این جهان فرستادی، **12** انگاه سربازان و فرماندهان و محافظین معبد بیهود عیسی را گرفتند من نیز ایشان را به میان مردم می‌فرستم. **19** من خود را وقف آنان و دستهای او را بستند، **13** و او نخست نزد حنا، پدرزن قیافا که کرده‌ام تا در راستی و پاکی رشد کنند. **20** «من فقط برای این در آن سال کاهن اعظم بود، بردند. **14** قیافا همان است که به سران شاگردان دعا نمی‌کنم؛ بلکه برای ایمانداران آینده نیز دعا می‌کنم که قوم بیهود گفته بود که بهتر است یک نفر برای قوم بمیرد. **15** شمعون بهوسیله شهادت ایشان به من ایمان خواهند آورد. **21** دعا می‌کنم تا پطرس و نیز یک شاگرد دیگر، عیسی را دنبال کردد. آن شاگرد همه یک باشند، همان طور که ای پدر، من و تو با هم یکی هستیم؛ چون با کاهن اعظم آشنا بود، توانست به همراه عیسی داخل خانه تا همچنانکه تو در منی، و من در تو ایشان نیز با ما یک باشند، تا از کاهن اعظم شود. **16** ولی پطرس پشت در ماند، تا اینکه آن شاگرد این راه مردم جهان ایمان آورند که تو مرد فرستاده‌ای. **22** «جالی را دیگر آمد و با کنیزی که دریان آنجا بود، گفتگو کرد و پطرس را با

خود به داخل خانه برد. 17 آن کمیز از پطرس پرسید: «آیا تو از 37 پیلاus پرسید: «به هر حال منظورت این است که تو پادشاهی؟» شاگردان عیسی هستی؟» جواب داد: «نه، نیستم.» 18 بیرون، هوا عیسی فرمود: «تو می گویی که من پادشاهم. به همین منظور است سرد بود. پس خدمتکاران و مأموران، آتشی درست کردند و دور آن که متولد شدم و به جهان آمدہام تا بر حقیقت شهادت دهم؛ و تمام جمع شدند. پطرس نیز به میان ایشان رفت تا خود را گرم کند. کسانی که حقیقت را دوست می دارند، تصدقیق می کنند که آچه 19 در داخل، کاهن اعظم، از عیسی درباره شاگردان و تعالیم او می گویند حقیقت است.» 38 پیلاus گفت: «حقیقت چیست؟» سؤالاتی کرد. 20 عیسی جواب داد: «همه می دانند من چه تعلیمی سپس بیرون رفت و به یهودیان گفت: «او هیچ جرمی مرتکب نشده می دهم. من آشکارا در کیسهها و در معبد موعده کردند؛ تمام سران است؛ 39 ولی رسم این است که در هر عید پیش یک زندهان را قوم یهود سختان مرد شنیده اند و به کسی مخفیانه چیزی نگفته اند. برای شما آزاد کنم. آیا می خواهید پادشاه یهود را آزاد کنم؟» 40 ولی 21 چرا این سؤال را از من می کنی؟ از کسانی پرس که سختانم را جماعت فریاد زدند: «نه، او را نه! باراباس را می خواهیم!» (باراباس شنیده اند. آنان خوب می دانند من چه گفته ام.» 22 وقتی این را یک اقلایی شورشی بود).

گفت، یکی از نگهبانان معبد که آنجا ایستاده بود، به عیسی سپلی 19 آنگاه به دستور پیلاus، عیسی را شلاق زدند. 2 سپس زد و گفت: «به کاهن اعظم اینطور جواب می دهی؟» 23 عیسی سپلی جواب داد: «اگر سخنی ناراست گفتم، آن را ثابت کن. ولی اگر سخنم راست است، چرا سپلی می زنی؟» 24 سپس حنا عیسی را دست بسته، نزد قیافا فرستاد که او نزد کاهن اعظم بود. 25 در حالی که شمعون پطرس در کنار آتش ایستاده بود و خود را گرم می کرد، یک نفر دیگر از او پرسید: «مگر تو از شاگردان او نیستی؟» جواب داد: «البته که نیستم.» 26 یکی از خدمتکاران کاهن اعظم که از خوبیان کسی بود که پطرس گوشش را بزیده بود، گفت: «مگر من خودم تو را در باع با عیسی ندیدم؟» 27 باز پطرس حاشا کرد. همان لحظه خروس بانگ زد. 28 نزدیک صبح، بازجویی از عیسی تمام شد. پس قیافا او را به کاخ فرماندار رومی فرستاد. یهودیان برای اینکه نجس نشوند، داخل کاخ نشدند، چون اگر داخل می شدند دیگر نمی توانستند در مراسم عید پیش و مراسم قربانی شرکت کنند. 29 پس فرماندار رومی که نامش پیلاus بود، بیرون آمد و پرسید: «اتهام این شخص چیست؟ چه شکایتی از او ارادید؟» 30 جواب دادند: «اگر مجرم نبود، او را به تو تسلیم نمی کردیم.» 31 پیلاus گفت: «پس او را بزید و مطابق قوانین مذهبی خودتان محکمه کنید.» سران یهود گفتند: «ما یهودیان اجازه اعدام کسی را نداریم.» 32 این مطابق پیشگویی خود عیسی بود که فرموده بود به چه طرقی تا عیسی را آزاد سازد، ولی سران یهود به او گفتند: «این شخص باید بمیرد.» 33 پیلاus به داخل کاخ برگشت و دستور داد عیسی را نزد او بیاورند. آنگاه از او پرسید: «آیا تو پادشاه یهود هستی؟» 34 عیسی پرسید: «آیا این سؤال خودت است، یا دیگران در مورد من به تو گفته اند؟» 35 پیلاus گفت: «مگر من یهودی هستم که این چیزها را از من می پرسی؟ قوم خودت و کاهانشان تو را به اینجا آورده اند. چه کرده ای؟» 36 عیسی فرمود: «پادشاهی من یک پادشاهی زمینی نیست. اگر بود، بیروان می جنگیدند تا در چنگ سران قوم یهود گرفتار نشوم. پادشاهی من متعلق به این دنیا نیست.»

گفت: «می خواهید پادشاهتان را اعدام کنم؟» کاهنان اعظم فریاد عیسی فرو کرد، که بلا فاصله خون و آب از آن خارج شد. 35 کسی زندن: «غیر از قصر، پادشاه دیگری نداریم.» 16 پس پیلاس عیسی که این واقعی را دید، بر آنها شهادت داده است، و شهادت او راست را در اختیار ایشان گذاشت تا بُرده، مصلوبیش کنند. سربازان عیسی را است. او می داند که حقیقت را می گوید، و به این منظور شهادت تحولی گرفتند 17 و صلیب را بر دوشش گذاشت، او را از شهر بیرون می بیاورید. 36 این امور رخ داد تا نوشته کتب بردنند تا به محلی به نام جمجمه رسیدند که به زبان عبرانیان جلختا مقدس جامه عمل پیوشت که می فرماید: «هیچ یک از استخوانهای خوانده می شود. 18 در آنجا او را با دو نفر دیگر، در طرف او شکسته نخواهد شد.» 37 و در بخشی دیگر نیز آمده که «به مصلوب کردند، و عیسی در وسط آن دو قرار گرفت. 19 پیلاس تمامای کسی خواهند نشست که به او نیز زندن.» 38 ساعتی بعد، دستور داد در بالای صلیب او نوشته ای نصب کنند که روی آن نوشته یکی از بزرگان یهود، به نام یوسف که اهل رامه بود و از ترس سران شده بود: «عیسای ناصری، پادشاه یهود.» 20 پس ایشان از یهودیان آن قوم، مخفیانه شاگرد عیسی شده بود، با یاکی بحضور پیلاس نوشته را خوانند، زیرا مکانی که عیسی در آن مصلوب شده بود، رفت و اجازه خواست تا جسد عیسی را از بالای صلیب پایین بیارو زندیک شهر بود، و این نوشته هم به زبانهای آرامی، لاتینی (یعنی و به حاکم بسپارد. پیلاس به او اجازه داد و او نیز پیکر عیسی را رومی باستان) و یونانی بود. 21 پس، سران کاهنان به پیلاس گفتند: پایین آورد و با خود برد. 39 به همراه او، نیقدیموس هم که یک شب «این نوشته را عوض کنید و به جای «پادشاه یهود» بنویسید: او گفت نزد عیسی آمده بود، حدود سی کیلو ماد مُغْطَر که از مر و چوب عود که من پادشاه یهود هستم.» 22 پیلاس حواب داد: «آنچه نوشتم، تهیه شده بود، برای مراسم تدفین آورد. 40 ایشان جسد عیسی را نوشتم.» 23 وقتی سربازان عیسی را مصلوب کردند، لباسهای او گرفتند، لباسهای و آن را به رسن تدفین یهود با عطریات در کفن پیچیدند. را بین خود به چهار قسمت تقسیم نمودند؛ ولی وقتی به ردای او 41 در زندیکی محل اعدام، باغ کوچکی بود و مقبره ای نو در آن قرار رسیدند، دیدند که یکپارچه باقته شده و درز ندارد. 24 پس به داشت که تا آن زمان، جسدی در آن گذاشته نشده بود. 42 پس یکدیگر گفتند: «حیف است این را پاره کنیم. بنا بر این قرعه می اندازیم چون روز تدارک برای پیش یهود در پیش بود و قبر در همان زندیکی تا بینیم به که می رسد.» و این مطابق پیشگویی کتب مقدس بود که قرار داشت، جسد عیسی را همان جا دفن کردند.

می فرماید: «لیسا همی را میان خود تقسیم کردند و بر ردای من قرعه 20 روز یکشنبه، صبح زود، وقتی هوا هنوز تاریک بود، مریم انداختند.» پس سربازان نیز چین کردند. 25 در پای صلیب، مریم مادر عیسی، خالله عیسی، مریم زن کلوبیا و مریم مجلدیه ایستاده مجلدیه به سوی قبر رفت و با کمال تعجب دید که آن سنگ از جلو بودند. 26 وقتی عیسی مادر خود را در کثار شاگردی که دوستش مقریه کنار رفته است. 2 پس شتابان نزد پطرس و آن شاگردی که می داشت، دید، به مادر خود گفت: «این پسر تو باشد.» 27 و به عیسی دوستش می داشت آمد و گفت: «پیکر سرورمان را از مقبره آن شاگرد نیز فرمود: «او مادر تو باشد.» از آن روز به بعد، آن شاگرد بردهاند و معلوم نیست کجا گذاشته اند.» 3 پس پطرس و آن شاگرد مادر عیسی را به خانه خود برد. 28 عیسی می دانست که دیگر همه چیز تمام شده است. پس برای اینکه مطابق پیشگویی کتب مقدس دیگر از پطرس جلو افتاد و زودتر از او به آنچه رسید. 5 پس خم شد عمل کرده باشد، فرمود: «تشنهام.» 29 در آنجا یک کوزه شراب و به داخل نگاه کرد و کفن کنایی را دید که در آنجا قرار داشت، اما ترشیده بود. پس اسفنجی در آن فرو کردند و بر سرنی گذاشتند و داخل نشد. 6 سپس شمعون پطرس رسید و داخل مقبره شد. او نیز جلوی دهان او بردند. 30 وقتی عیسی چشید، فرمود: «تمام شد!» و فقط کفن خالی را دید، 7 و متوجه شد که پارچه ای که به سر و صورت عیسی پیچیده بودند، همان طور پیچیده و جدا از کفن مانده سر خود را پایین انداخت و روح خود را تسلیم کرد. 31 سران قوم نمی خواستند جسد ها فدای آن روز که شبات و روز اول عید بود. 8 آنگاه آن شاگرد نیز داخل مقبره شد و دید و ایمان آورد که یهود نمی خواستند جسد ها فدای آن روز که شبات و روز اول عید بود. 9 چون تا آن هنگام هنوز به این حقیقت بی بود، بالای دار بمانند. بنا بر این، از پیلاس خواهش کردند که دستور عیسی زنده شده است! 10 پس ساق پاهای ایشان را بشکنند تا زودتر بهمیرند و جسدشان را از نرده بودند که کتب مقدس می فرماید که او باید زنده شود. 10 پس بدده ساق پاهای ایشان را بشکنند تا زودتر بهمیرند و ساق پاهای آن دو به خانه رفند. 11 ولی مریم مجلدیه به مقبره برگشته بود و حیران بالای دار پایین بیارند. 32 پس سربازان آمدند و ساق پاهای آن دو ایستاده، شکستند. 33 ولی نفر را که همراه عیسی مصلوب شده بودند، شکستند. 34 با این حال، یکی از ساقهای او را مقبره را نگاه کرد. 12 در همان هنگام، دو فرشته را دید با جامه های سفید، که در جایی نشسته بودند که پیکر عیسی گذاشته شده بود، نشکستند. 34 با این حال، یکی از سربازان نیزه خود را به پهلوی

یکی نزدیک سر و دیگری نزدیک پاها. **۱۳** فرشته‌ها از مریم پرسیدند: همین مقدار نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، همان مسیح و پسر «چرا گریه می‌کنی؟» جواب داد: «پیکر سرورم را برده‌اند و نمی‌دانم خداست و با ایمان به او، زندگی جاودید بایدید.

کجا گذاشت‌اند..» **۱۴** ناگاه مریم احساس کرد کسی پشت سر او **۲۱** پس از چند روز، در کنار دریاچهٔ جلیل، عیسی بار دیگر ایستاده است. برگشت و نگاه کرد. عیسی خودش بود. ولی مریم

خود را به شاگردانش نشان داد. شرح واعنه چنین بود. **۲** چند نفر او را نشناخت. **۱۵** عیسی از مریم پرسید: «چرا گریه می‌کنی؟ به

دنیال چه کسی می‌گردی؟» مریم به گمان اینکه باغبان است، به او گفت: «سرورم، اگر تو او را برده‌ای، بگو کجا گذاشت‌ای تا بروم او را بردازم.» **۱۶** عیسی گفت: «مریم!» مریم به طرف او برگشت و

با شادی فریاد زد: «ربونی!» (که به زبان عبرانیان معنی «استاد»). **۱۷** عیسی فرمود: «به من دست نزن، چون هنوز نزد پدر بالا نرفتمام. ولی برو و برادرانم را پیدا کن و به ایشان بگو که من نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما بالا می‌روم.» **۱۸** مریم شاگردان

را پیدا کرد و به ایشان گفت: «خداآوند زنده شده است! من خودم او را دیدم!» و پیغام او را به ایشان داد. **۱۹** غروب همان روز، شاگردان دور هم جمع شدند و از ترس سران قوم بپهود، درها را ز پشت بستند.

ولی ناگهان عیسی را دیدند که در میانشان ایستاده است. عیسی فرمود: «آرامش و سلامتی بر شما باد!» **۲۰** و زخم دستها و پهلوی خود را به ایشان نشان داد تا او را بشناسند. وقتی خداوند خود را دیدند، بی اندازه شاد شدند. **۲۱** عیسی باز به ایشان فرمود: «آرامش و سلامتی بر شما باد. همچنانکه پدر ما به این جهان فرستاد، من

نیز شما را به میان مردم می‌فرستم.» **۲۲** آنگاه به ایشان دیدم و فرمود: «روح القدس را بایاید.» **۲۳** هرگاه گناهان کسی را ببخشید، بخشیده می‌شود، و هرگاه نبخشید، بخشیده نمی‌شود.» **۲۴** توما معروف به «دولو» که یکی از دوازده شاگرد مسیح بود، آن شب در آن جمع

نیو. **۲۵** پس، وقتی به او گفتند که خداوند را دیده‌اند، جواب داد: «من که باور نمی‌کنم. تا خودم زخم میخهای صلیب را در دستهای او نبینم و انگشتانم را در آنها نگذارم و به پهلوی زخمی اش دست نزنم، باور نمی‌کنم که او زنده شده است.» **۲۶** یک هفته بعد، باز هم شاگردان دور هم جمع شدند. این بار توما نیز با ایشان بود. باز هم درها بسته بود که ناگهان عیسی را دیدند که در میانشان ایستاد و فرمود: «آرامش و سلامتی بر شما باد!» **۲۷** عیسی رو به توما کرد و فرمود: «انگشت را در زخم دستهایم بگذار. دست به پهلوی بزن و بیش از این بی ایمان مباش. بلکه ایمان داشته باش!» **۲۸** توما یونا، آیا براستی مرا دوست می‌داری؟» پطرس جواب داد: «بله سرورم، گفت: «ای خداوند من، و ای خدای من.» **۲۹** عیسی به او فرمود: خودتان می‌دانید که من شما را دوست دارم.» عیسی به او فرمود:

بردهای من خوارک بده.» **۱۶** عیسی بار دیگر پرسید: «شمعون، پسر بیش از این بی ایمان مباش. بلکه ایمان داشته باش!» **۲۸** توما یونا، آیا براستی مرا دوست می‌داری؟» پطرس جواب داد: «بله سرورم،

گفت: «ای خداوند من، و ای خدای من.» **۲۹** عیسی به او فرمود: خودتان می‌دانید که من شما را دوست می‌دارم.» عیسی فرمود: «بعد از اینکه مرا دیدی، ایمان آوردی. ولی خوش با حال کسانی که ندیده به من ایمان می‌آورند.» **۳۰** شاگردان عیسی معجزات

پسیاری از او دیدند که در این کتاب نوشته نشده است. **۳۱** ولی پسیاری از او دیدند که در این کتاب نوشته نشده است. **۳۱** ولی رنجیده خاطر شد که عیسی برای پار سوم از او پرسید که «آیا مرا

دوست می داری؟» پس گفت: «سرورم، شما از همه چیز آگاهید.

می دانید که دوستان دارم.» عیسی به او فرمود: «پس به برههای

کوچک من خواهک بده. **18** واقعیت این است که وقتی جوان بودی

هر کاری می خواستی می توانستی پکنی و هر جا می خواستی می رفتی،

ولی وقتی پیر شوی، دیگران دستت را می گیرند و به این طرف و آن

طرف می کشند، و جایی می بزنند که نمی خواهی بروی.» **19** این

را فرمود تا پطرس بداند که با چه نوع مرگی خواهد مرد و خدا را

جلال خواهد داد. بعد عیسی به او فرمود: «حالا به دنبال من بیا.»

**20** پطرس برگشت و دید شاگردی که عیسی دوستش می داشت به

دنبالشان می آید، یعنی همان کسی که سر شام، کtar عیسی تکیه

زده، از او پرسیده بود: «استاد، کدام یک از ما به شما خیانت

می کنیم؟» **21** پطرس از عیسی پرسید: «سرورم، بر سر او چه خواهد

آمد؟» **22** عیسی جواب داد: «اگر بخواهم او بماند تا بازگردم، چه

ربطی به تو دارد؟ تو دنبال من بیا.» **23** پس این خبر در میان بزادان

پیچید که آن شاگرد معجیوب نخواهد مرد. در صورتی که عیسی هرگز

چنین چیزی نگفت، او فقط فرمود: «اگر بخواهم او بماند تا بازگردم،

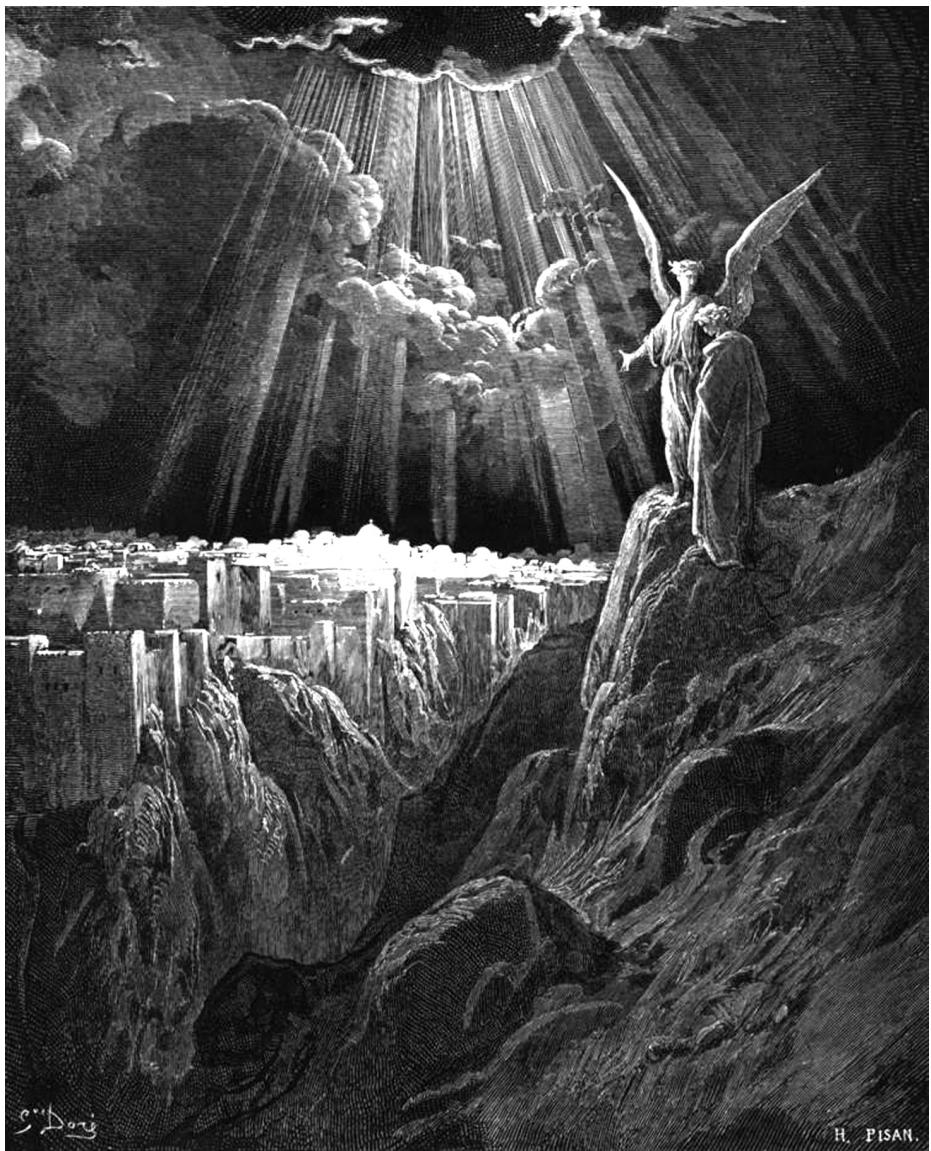
چه ربطی به تو دارد.» **24** آن شاگرد تمام این چیزها را دید و اینجا

نوشت؛ و ما همه می دانیم که این نوشته‌ها عین حقیقت است.

**25** من گمان می کنم اگر تمام رویدادهای زندگی عیسی در کتابها

نوشته می شد، دنیا گنجایش آن کتابها را نمی داشت!





H. PISAN.

و من، یوحنا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از آسمان از جانب خدا پایین می آمد. چه منظرة باشکوهی بود! شهر اورشلیم به زیبایی یک عروس بود که خود را برای ملاقات داماد آماده کرده باشد! از تخت، صدای بلند شنیدم که می گفت: «خوب نگاه کن! معبد از این پس در میان آدمیان خواهد بود. از این پس خدا با ایشان زندگی خواهد کرد و ایشان خلوهای خدا خواهد شد. بله، خود خدا با ایشان خواهد بود.

21:2-3 مکافته

## مکاشفه

19

بر لیاس و ران او نیز این لقب نوشته شده بود: «شاه شاهان و

سرور سرواران». 17 سپس، فرشتهای را ریدم که در آفتاب ایستاده بود

پس از آن، صدای گروه پیشماری را شنیدم که در آسمان و با صدای بلند به پرندگان می‌گفت: «باید و برس سفرهای که سرود شکرگزاری خوانده، می‌گفتند: «هللوبیاه، خدا را شکر! نجات از خدا برای شما تدارک دیده است، جمع شوید. 18 باید و بخوردید

سوی خدای ما می‌آید. عزت و اکرام و قدرت فقط برازنده اوست، از گوشت پادشاهان و فرماندهان و زورمندان؛ از گوشت اسبان و 2 زیرا داوری او حق و عدل است. او فاحشة بزرگ را که زمین را با سواران آنها، از گوشت هر انسانی، بزرگ و کوچک، برد و آزاد.»

فساد خود آگاه می‌ساخت، مجازات نمود و انقام خون خدمتگزاران 19 آنگاه دیدم که آن وحش، حکومتهای جهان و لشکریان آنها را خود را از او گرفت.» 3 ایشان بارها و بارها سراییده، می‌گفتند:

گرد آورد تا با آن اسب سوار و لشکر او بجنگید. 20 اما وحش با «هللوبیاه، خدا را شکر! دود از خاکستر این شهر تا ابد بالا خواهد پیامر دروغینش گرفتار شدند و هر دو زندگانه به دریاچه آتش که با رفت!» 4 آنگاه، آن بیست و چهار پیرو و چهار

موجود زنده سجده کرده، خدا را که بر تخت نشسته بود، پرستش معجزات خیره کننده انجام می‌داد تا تمام کسانی را که علامت وحش نمودند و گفتند: «آئین، هللوبیاه. خدا را شکر!» 5 سپس از میان Limnē Pyr را داشتند و مجسمه‌اش را می‌پرستیدند، فریب دهد.

تخت، صدای دیگری آمد که می‌گفت: «شما ای خدمتگزاران خدا،

کوچک و بزرگ، خدای ما را سپاس گویید و او را اکرام نمایید.» 6 دهان اسب سوار بود کشته شدند، و پرندگان شکم خود را با گوشت

6 سپس، آوای خوش آهینگ دیگری را شنیدم، آوای همچون سرود آنان سیر کردند.

گروهی عظیم که طنین آن چون امواج خروشان دریاها و غرش پیای رعدها بود، و می‌گفت: «هللوبیاه، خدا را شکر! زیرا خداوند توانای ما سلطنت می‌کند. 7 باید با یکدیگر وجود و شادی کنیم و او را

احترام نماییم، زیرا زمان جشن عروسی بره فرا رسیده است. عروس او نیز خود را مهیا کرده، 8 و به او اجازه داده شده تا پاکتین و سفیدتین و لطیفین لباس کنان را پوشد.» مقصود از کتان لطیف، همانا اعمال نیک خلق خدادست. 9 آنگاه فرشته بمن گفت:

«بنویس: خوشبا به حال کسانی که به جشن عروسی بره دعوت شده‌اند. این را خداوند می‌فرماید.» 10 در این لحظه بود که به پای او افتدام تا او را پرستم. اما او گفت: «نه، چنین نکن! من نیز مانند تو، یکی از خدمتگزاران خدا هستم. من نیز مانند براذران تو، درباره ایمان به عیسی شهادت می‌دهم. تمام این نبویها و هر آنچه که

به تو نشان دادم، همه در وصف عیسی است.» 11 سپس دیدم که آسمان گشوده شد. در آنجا اسپی سفید بود که سوارش «امین و حق» نام داشت، زیرا به حق و عدل مبارزه و مجازات می‌کند.

12 چشمان او مانند شعله‌های آتش بود و بر سرش تاجهای فراوانی قرار داشت. بر پیشانی اش نیز نامی نوشته شده بود که فقط خودش معنی آن را می‌دانست. 13 او جامه خون‌آلودی در برداشت و نقیش «کلمه خدا» بود. 14 لشکرهای آسمانی که لباسهای کتان سفید و پاک بر تن داشتند، سوار بر اسبان سفید، به دنبال او می‌آمدند.

15 از دهان او شمشیر تیزی بیرون می‌آمد تا با آن قومهای بی ایمان را سرکوب کند. او با عصای آهینی بر آنان حکمرانی خواهد نمود و با پاهای خود، شراب خشم خدای توانا را در چرخشت خواهد فشرد.

20

سپس، فرشتهای را دیدم که از آسمان پایین آمد. او کلید چاه بی انتها را همراه می‌آورد و زنجیری محکم نیز در دست داشت.

او از اینها را گرفت و به زنجیر کشید و برای Abyssos g12(2) مدت هزار سال به چاه بی انتها افکنید. سپس در چاه را بست و

قفل کرد، تا در آن هزار سال تنومند هیچ قومی را فرب دهد. پس از گذشت این مدت، ازدها برای مدت کوتاهی باید آزاد گذاشته شود. ازدها، همان مار قدیم است که ابلیس و شیطان نیز نامیده می‌شود. 15 آنگاه تختهای دیدم که بر آنها کسانی

نشسته بودند که اختیار و قدرت دادرسی به آنها داده شده بود. سپس جانهای کسانی را دیدم که به سبب اعلام پایم عیسی و کلام خدا شوهایشان از تن جدا شده بود. همچنین جانهای آنانی را دیدم که

وحش و مجسمه‌اش را نپرستیده بودند و علامتش را بر پیشانی و دست خود نداشتند. اینان همگی، زندگی را از سر نو آغاز کردند و با

مسیح هزار سال سلطنت نمودند. 5 این قیامت اول است. قیامت بعدی در پایان آن هزار سال رخ خواهد داد؛ در آن زمان، بقیه مردگان زنده خواهند شد. 6 خوشبخت و مقدسند آنانی که در این قیامت اول سهمی دارند. اینان از مرگ دوم هیچ هراسی ندارند، بلکه کاهنان خدا و مسیح بوده، با او هزار سال سلطنت خواهند کرد. 7 پس از پایان آن هزار سال، شیطان از زندان آزاد خواهد شد. 8 او بیرون

خواهد رفت تا قومهای جهان یعنی جوج و ماجوج را فرب داده، برای جنگ متحد سازد. آنان سپاه عظیمی را تشکیل خواهند داد که تعدادشان همچون ماسه‌های ساحل دریا بی شمار خواهد بود.

**9** ایشان در دشت وسیعی، خلق خدا و شهر محبوب اورشلیم را از هر آن هفت فرشته که هفت جام بلای آخر را در دست داشتند، نزد سو محاصره خواهند کرد. اما آتش از آسمان، از سوی خدا خواهد من آمد و گفت: «همراه من بیا تا عروس را به تو نشان دهم. او بارید و همه را خواهد سوزاند. **10** سپس ابلیس که ایشان را فریب همسر بره است.» **10** سپس مرا در روح به قله کوه بلندی برد. از داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش همان جای آنجا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از جانب خدا از آسمان پائین است که با گوگرد می‌سوزد و آن وحش و پامبر دروغین او شبانه روز، می‌آمد. **11** شهر غرق در جلال خدا بود، و مثل یک تکه جواهر قیمتی، همچون یشم، که بلورهای شفافش برق می‌زند، می‌درخشید. **12** آنگاه عذاب خواهند کشید. **13** آنگاه عذاب خواهند کشید. **14** آنگاه عذاب خواهند کشید. **15** آنگاه عذاب خواهند کشید. **16** آنگاه عذاب خواهند کشید. **17** آنگاه عذاب خواهند کشید. **18** آنگاه عذاب خواهند کشید. **19** آنگاه عذاب خواهند کشید. **20** آنگاه عذاب خواهند کشید. **21** آنگاه عذاب خواهند کشید. **22** آنگاه عذاب خواهند کشید.

**9** ایشان در دشت وسیعی، خلق خدا و شهر محبوب اورشلیم را از هر آن هفت فرشته که هفت جام بلای آخر را در دست داشتند، نزد سو محاصره خواهند کرد. اما آتش از آسمان، از سوی خدا خواهد من آمد و گفت: «همراه من بیا تا عروس را به تو نشان دهم. او بارید و همه را خواهد سوزاند. **10** سپس ابلیس که ایشان را فریب همسر بره است.» **10** سپس مرا در روح به قله کوه بلندی برد. از داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش همان جای آنجا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از جانب خدا از آسمان پائین است که با گوگرد می‌سوزد و آن وحش و پامبر دروغین او شبانه روز، می‌آمد. **11** شهر غرق در جلال خدا بود، و مثل یک تکه جواهر قیمتی، همچون یشم، که بلورهای شفافش برق می‌زند، می‌درخشید. **12** آنگاه عذاب خواهند کشید. **13** آنگاه عذاب خواهند کشید. **14** آنگاه عذاب خواهند کشید. **15** آنگاه عذاب خواهند کشید. **16** آنگاه عذاب خواهند کشید. **17** آنگاه عذاب خواهند کشید. **18** آنگاه عذاب خواهند کشید. **19** آنگاه عذاب خواهند کشید. **20** آنگاه عذاب خواهند کشید. **21** آنگاه عذاب خواهند کشید. **22** آنگاه عذاب خواهند کشید.

**9** آنگاه یکی از صاف و زلال بود. رودخانه از تخت خدا و برهه جاری می‌شد، **2** و از همه در دریاچه‌ای است که با آتش و گوگرد می‌سوزد. این همان مرگ دوم است. **10** آنگاه یکی از صاف و زلال بود. رودخانه از تخت خدا و برهه جاری می‌شد، **2** و از

ووسط جاده اصلی می‌گذشت. دو طرف رودخانه، درختان حیات قرار مقدس که آن را شرح دادم، بی‌نصیب خواهد ساخت. ۲۰ کسی که داشت که سالی دوازده بار میوه می‌دادند یعنی هر ماه یک نوع میوه این چیزها را گفته است، می‌فرماید: «به، من بهزودی می‌آیم!» تازه، برگهایش نیز شفابخش بود و برای درمان قومها به کار می‌رفت. «آمن! ای عیسای خداوند، بیا!» ۲۱ فیض خداوند ما عیسی با همه ۳ در شهر چیزی بد یافت نخواهد شد، چون تخت خدا و بر در شما باد! آمن!

آنچاست. خدمتگزاران خدا، او را پرسش خواهند کرد، ۴ و رویش را

خواهند دید و نامش روی پیشانی شان نوشته خواهد بود. ۵ در آنجا

دیگر شب نخواهد بود. احتیاجی هم به چراع و خورشید نخواهد بود،

چون خداوند بزرگ نور ایشان خواهد بود و ایشان تا ابد سلطنت

خواهند کرد. (۶ آنگاه فرشته به من گفت: «این

سخنان راست و قابل اعتماد است. و خدایی که وقایع آینده را از قبل

به انبیا خود اطلاع می‌دهد، فرشته خود را فرستاده است تا آنچه را که

بهزودی روی خواهد داد به شما اطلاع دهد.» ۷ «گوش کنید! من

بهزودی می‌آیم. خوشابه حال کسانی که آنچه را که در این کتاب

نویت شده، باور می‌کنند.» ۸ من، پوختا، تمام این چیزها را دیدم و

شنیدم و زانو زدم تا فرشته‌ای را که آنها را به من نشان داده بود،

پرسش کنم. ۹ ولی او بار دیگر به من گفت: «نه، این کار را نکن.

من نیز مانند تو و برادرانت یعنی انبیا خدا، و تمام کسانی که به

حقایق این کتاب اعتماد دارند، از خدمتگزاران عیسی می‌باشم. پس

فقط خدا را پرسش کن.» ۱۰ سپس به من دستور داده، گفت:

«کلام نویت این کتاب را مُهر نکن، چون بهزودی به وقوع خواهد

پیوست. ۱۱ وقتی آن زمان فرا رسد، بدکاران باز هم به کارهای

بد خود ادامه خواهند داد و فاسدان باز هم فاسدتر خواهند شد،

ولی نیکان، نیکتر و پاکان، پاکتر می‌گردند.» ۱۲ عیسی مسیح

می‌فرماید: «چشم به راه باشید، من به زودی می‌آیم و برای هر کس

مطلوب اعمالش پاداشی با خود خواهیم آورد. ۱۳ من الف و یا، آغاز و

پایان، اول و آخر هستم. ۱۴ خوشابه حال کسانی که لیساهایشان را

دانائماً می‌شویند. آنها اجازه رورود به شهر و خوردن میوه درخت حیات

را خواهند داشت. ۱۵ اما سگها، یعنی جادوگران، زناکاران، قاتلان،

بتپرستان، و همه کسانی که دروغ را دوست دارند و آن را به عمل

می‌آورند، به شهر راه نخواهند یافت. ۱۶ «من، عیسی، فرشته خود را

نزد شما فرستادم تا این چیزها را به کلیساها اعلام کند. من از اصل و

نسب داوود هستم. من ستاره درخشندۀ صبح می‌باشم.» ۱۷ روح و

عرسون می‌گویند: «بیا!» هر کس این را می‌شنود، بگوید: «بیا!» هر

که تشنّه است بیاید، و هر کس مایل است بیاید، و از آب حیات به

رایگان بنویشد. ۱۸ به کسی که کلام نویت این کتاب را می‌شود با

صراحت می‌گوییم که اگر به نوشته‌های این کتاب چیزی اضافه کند،

خدا بالاهای این کتاب را بر سرش خواهد آورد. ۱۹ و اگر از این

پیشگویی‌ها مطلبی کم کند، خداوند او را از درخت حیات و شهر

## آیات 66

at AionianBible.org فارسی

The Bible is a library of 66 books in the Protestant Canon written by 40 different men over a span of 1,500 years from 1435 BC to 65 AD with one consistent message. From the first page through the last, Jesus. Genesis promised our deliverer is coming, Jesus. Moses said our better prophet is coming, Jesus. Isaiah prophesied our Messiah will be a suffering servant, Jesus. John announced our Anointed One is here, Jesus. Jesus himself testified he is our Lord God, Yahweh. The gospels agree our conqueror of death has risen, Jesus. The Apostles witnessed our victor ascend to his throne in Heaven, Jesus. And Revelation promises Jesus' return for our final judgment. Are you ready? Read the Bible cover to cover at [AionianBible.org](http://AionianBible.org) and answer these questions. How did I get here? Why am I here? How do I determine right or wrong? How can I escape condemnation? What is my destiny? Begin with the primer verses below.

**پیدایش 8:9** سپس خدا به نوح و پسرانش فرمود: **9:9** «من با شما و با نسلهای آینده شما عهد می‌بندم، **10:9** و نیز با تمام حیواناتی که با شما در کشتی بودند یعنی همه پرندگان، چارپایان و جانوران. **11:9** بله، من با شما عهد می‌بندم که بعد از این هرگز موجودات زنده را بوسیله طوفان هلاک نکنم و زمین را نیز دیگر بر اثر طوفان خراب ننمایم. **12:9** این است نشان عهد جاودانی من: **13:9** زنگین کمان خود را در ابرها می‌گذارم و این نشان عهدی خواهد بود که من با جهان بستهام.

**خروج 13:14** ولی موسی جواب داد: «نترسید! بایستید و ببینید چگونه خداوند امروز شما را نجات می‌دهد. این مصری‌ها را که حالا می‌بینید، از این پس دیگر هرگز نخواهید دید. **14:14** آرام بایشد، زیرا خداوند برای شما خواهد چنگید.»

**لاویان 26:20** برای من مقدس باشید، زیرا من که خداوند هستم مقدس می‌باشم و شما را از سایر اقوام جدا ساخته‌ام تا از آن من باشید.

**اعداد 24:6** «خداؤند شما را برکت دهد و از شما محافظت فرماید. **25:6** خداوند روی خود را بر شما تابان سازد و بر شما رحمت فرماید، **26:6** خداوند لطف خود را به شما نشان دهد و شما را سلامتی بخشد.»

**تثنیه 18:18** من از میان آنها پیامبری مانند تو برای ایشان خواهم فرستاد. به او خواهمن گفت که چه بگوید او سخنگوی من نزد مردم خواهد بود. **19:18** هر که به او گوش ندهد و به پیامش که از جانب من است توجه نکند، من خود از او بازخواست خواهم کرد.

**یوشع 7:1** فقط قوی و شجاع باش و از قوانینی که خدمتگزار موسی به تو داده است اطاعت نما، زیرا اگر از آنها به دقت پیروی کنی، هر جا روی موقع خواهی شد. **8:1** این کتاب تواریخ تو دور نشود؛ شب و روز آن را بخوان و در گفته‌های آن تفکر کن تا متوجه تمام دستورهای آن شده، بتوانی به آنها عمل کنی؛ آنگاه پیروز و کامیاب خواهی شد. **9:1** آری، قوی و شجاع باش و ترس و واهمه را از خود دور کن و به پاد داشته باش که هر جا بروی من که خداوند، خدای تو هستم، با تو خواهم بود.»

**داویان 7:2** بوضع خدمتگزار خداوند، در سن صد و ده سالگی درگذشت و او را در ملکش در تمنه حارس واقع در کوهستان افزایم به طرف شمال کوه جاوش به خاک سپرددند. قوم اسرائیل در طول زندگانی بوضع و نیز رسیش سفیدان قوم که پس از او زنده مانده بودند و شخصاً اعمال شگفت‌انگیز خداوند را در حق اسرائیل دیده بودند، نسبت به خداوند وفادار ماندند.

**روت 16:1** اما روت به او گفت: «مرا مجبور نکن که تو را ترک کنم، چون هر جا بروی با تو خواهم آمد و هر جا بمانی با تو خواهم ماند. قوم تو، قوم من و خدای تو، خدای من خواهد بود. **17:1** می‌خواهم جایی که تو می‌میری بمیرم و در کنار تو دفن شوم. خداوند بدترین بلا را بر سر من بیاورد، اگر بگذارم چیزی جز مرگ مرا از تو جدا کنند.»

**اول سموئیل 7:16** اما خداوند به سموئیل فرمود: «به چهره او و بلندی قدش نگاه نکن، زیرا او آن کسی نیست که من در نظر گرفته‌ام. من مثل انسان قضاؤت نمی‌کنم. انسان به ظاهر نگاه می‌کند، اما من به دل.»

**دوم سموئیل 22:7** ای خداوند من، چقدر با عظمت هستی! هرگز نشیده‌ایم که خدایی مثل تو وجود داشته باشد! تو خدای بی‌نظیری هستی!

**اول پادشاهان 3:2** و همواره از فرمانهای خداوند، خدایت پیروی کن و به تمام احکام و قوانینش که در شریعت موسی نوشته شده‌اند عمل نما تا به هر کاری دست می‌زنی و به هر جایی که می‌روی کامیاب شوی.

## دوم پادشاهان

**اول تواریخ 17:29** خدای من، می‌دانم که تو از قلب انسانها آگاهی و کسی را که به راستی عمل می‌کند، دوست داری. من تمام این کارها را از صمیم قلب انجام دادم و شاهدم که قوم تو با شادی و اشتیاق هدایات خود را تقدیم کرده‌اند.

**دوم تواریخ 14:7** اگر قوم من که به اسم من خوانده می‌شوند فروتن شده، دعا کنند و مرا بطلبند و از راههای بد خویش بازگشت نمایند، آنگاه ایشان را از آسمان اجابت نموده، گناهانشان را می‌بخشم و سلامتی را به سرزمین آنها باز می‌گردانم.

**عزرا 10:7** عزرا زندگی خود را وقف مطالعه تورات و به کار بستن دستورهای آن و تعلیم احکامش به مردم اسرائیل نموده بود.

**نوحیا 3:6** پس جوابشان را ایضطرور دادم: «من مشغول کار مهمی هستم و نمی‌توانم دست از کارم بکشم و به دیدن شما بایم.»

**استر 14:4** اگر در این موقعیت، تو ساکت بمانی رهایی برای یهود از جایی دیگر پدید خواهد آمد، اما تو و خاندانش کشته خواهید شد. از این گذشته کسی چه می‌داند، شاید برای همین زمان ملکه شده‌ای.»

**ایوب 25:19** اما من می‌دانم که رهانندهام زنده است و سرانجام بر زمین خواهد ایستاد؛

**مزامیر 1:23** مزمور داود. خداوند شبان من است؟؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. 2:23 در مرتعبهای سبز مرا می‌خواباند، به سوی آبهای آرام هدایت می‌کند 3:23 و جان مرا تازه می‌سازد. او به خاطر نام پرشکوه خود مرا به راه راست رهبری می‌کند. 4:23 حتی اگر از دره تاریک مرگ نیز عبور کنم، نخواهم ترسید، زیرا تو، ای شبان من، با من هستی! عصا و چوبیدستی تو به من قوت قلب می‌بخشد. 5:23 سفرهای برای من در برایر دیدگان دشمنانم پنهان می‌کنم! سرّم را به روغن تدهین می‌کنم. پاله‌ام از برکت تو لبریز است. 6:23 اطمینان دارم که در طول عمر خود، نیکویی و رحمت تو، ای خداوند، همراه من خواهد بود و من تا ابد در خانه تو ساکن خواهم شد.

**امثال 5:3** با تمام دل خود به خداوند اعتماد کن و بر عقل خود تکیه منما. 6:3 در هر کاری که انجام می‌دهی خدا را در نظر داشته باش و او در تمام کارهایت تو را موفق خواهد ساخت.

**جامعه 10:3** من درباره کارهایی که خداوند بر دوش انسان نهاده تا انجام دهد، اندیشیدم 11:3 و دیدم که خداوند برای هر کاری زمان مناسی مقرر کرده است. همچنین، او در دل انسان اشتیاق به درک ابدیت را نهاده است، اما انسان قادر نیست کار خدا را از ابتدا تا انتها درک کند.

**غزل غزلها 4:2** او مرا به تالار ضیافتیش آورد و به همه نشان داد که چقدر مرا دوست دارد.

**اشعیا 6:9** زیرا فرزندی برای ما به دنیا آمده! پسri به ما بخشیده شده! او بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او «عجبیب»، «مشییر»، «خدای قادری»، «پدر جاودانی» و «سرور سلامتی» خواهد بود. 7:9 او بر تخت پادشاهی داود خواهد نشست و بر سرزمین او تا ابد سلطنت خواهد کرد. پایه حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد ساخت، و گسترش فرمائزوانی صلح‌پیور او را انتهایی نخواهد بود. خداوند لشکرهای انسان چنین اراده فرموده و این را انجام خواهد داد.

**ارمیا 4:1** خداوند به من فرمود: «پیش از آنکه در رحم مادرت شکل بگیری تو را انتخاب کردم. پیش از اینکه چشم به جهان بگشایی، تو را برگردیم و تعیین کردم تا در میان مردم جهان پیام آور من باشی.» 6:1 اما من گفتم: «خداوندنا، این کار از من ساخته نیست! من جوانی بی تجربه هستم!» 7:1 خداوند فرمود: «چنین مگو! چون به هر جایی که تو را بفرستم، خواهی رفت و هر چه به تو بگویم، خواهی گفت.

**8:1** از مردم نترس، زیرا من با تو هستم و از تو محافظت می‌کنم. 9:1 آنگاه دست بر لبهایم گذاشت و گفت: «اینک کلام خود را در

دهانت گذاشتم! **10:1** از امروز رسالت تو آغاز می شود! تو باید به قومها و حکومتها هشدار دهی و بگویی که من برخی از ایشان را ریشه کن کرده، از بین خواهم برد و برخی دیگر را پا بر جا نگاه داشته، تقویت خواهم کرد.»

**مراثی 21:3** اما نور امیدی بر قلبم می تابد، وقتی به پاد می آوم که **22:3** محبت خداوند بی انتهاست و رحمت او بی زوال. **23:3** وفاداری خدا عظیم است و رحمت او هر بامداد از نو آغاز می شود.

**حِزْقیال 26:36** به شما قلی تازه خواهم داد و روحی تازه در باطن شما خواهم نهاد. دل سنگی و نامطیع را از شما خواهم گرفت و قلی نرم و مطیع به شما خواهم داد. **27:36** روح خود را در شما خواهم نهاد تا احکام و قوانین مرا اطاعت نماید.

**دانیال 16:3** شدrik، میشک و عبدنغو جواب دادند: «ای نیزکدنیصر، ما لازم نمی بینیم در این مورد به تو جواب بدھیم. **17:3** اگر به داخل کوره آتش انداخته شویم، خدای ما که او را می پرسیم قادر است ما را نجات دهد. پس ای پادشاه، او ما را از دست تو خواهد رهانید.

**18:3** ولی حتی اگر نرهاند، بدان که خدایان و مجسمه طلای تو را سجده نخواهیم کرد.»

**هوشع 6:6** من از شما محبت می خواهم نه قربانی. من از هدایای شما خشنود نیستم بلکه خواهان آنم که مرا بشناسید.

**بیوپل 28:2** «پس از آن، روح خود را بر همه مردم خواهم ریخت. پسران و دختران شما نبتو خواهند کرد، پیران شما خوابها و جوانان شما رؤیاها خواهند دید. **29:2** در آن روزها روح خود را حتی بر غلامان و کنیزان خواهم ریخت. **30:2** «در آسمان و بر زمین عجایب به ظهور خواهم آورد، از خون و آتش و ستوهای دود. **31:2** پیش از فرا رسیدن روز پرگ و هولناک خداوند، آفاب تاریک و ماه مانند خون سرخ خواهد شد. **32:2** اما هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. همان طور که خداوند وعده داده است، بر کوه صهیون در اورشلیم

گروهی رهایی خواهند یافت، یعنی کسانی که خداوند ایشان را برگردیده است.»

**عاموس 24:2** به جای آن بگذارید عدالت مانند رودخانه و انصاف همچون نهر دائمی جاری شود!

**عوبیدا 15:1** «من، خداوند بمزودی از تمام قومها انتقام خواهم کشید. ای ادوم، همان طور که با اسرائیل رفتار کردی، با تو نیز به همان گونه رفتار خواهد شد. هر چه کردی بر سر خودت خواهد آمد.»

**یونس 6:2** تا عمق کوهها فرو رفتم. درهای زندگی به رویم بسته شد و در دیار مرگ زندانی شدم. ولی ای خداوند، خدای من، تو مرا از چنگال مرگ رهانیدی! **7:2** «وقی که تمام امید خود را از دست داده بودم، بار دیگر تو را ای خداوند به پاد آوردم و دعای قلب من در خانه مقدس است به حضور تو رسید. **8:2** «کسانی که بتهای باطل را می پرسند از پیروی تو پرگشته‌اند، **9:2** ولی من با سرودهای تشکر برای تو قربانی خواهم کرد و نذر خود را به تو ادا خواهم نمود. نجات فقط از جانب خداوند است.»

**میکاه 8:6** خداوند به ما فرموده است که از ما می خواهد. آنچه او از ما می خواهد این است که رحم و انصاف داشته باشیم و با کمال فروتنی احکامش را بجا آوریم.

**ناحوم 2:1** پهلو خدایی غیور است و از کسانی که با وی مخالفت ورزند، انتقام می گیرد و با خشم شدید آنان را مجازات می کند. **3:1** خداوند دیر خشمگین می شود ولی گناه را هرگز بی سزا نمی گذارد. قدرت او عظیم است و آن را می توان در گردیدهای وحشتاک و طوفانهای شدید مشاهده کرد. ابرها خاک زیر پای او هستند!

**حقوق 17:3** هر چند درخت انجير شکوفه ندهد و درخت انگور میوه نیاورد، هر چند محصول زیتون از بین بود و زمینها با پیر بمانند، هر چند گلهای در صحرا بمیزند و آغلها از حیوانات خالی شوند، **18:3** اما من شاد و خوشحال خواهم بود، زیرا خداوند نجات دهنده من است. **19:3** خداوند پهلو قوت من است! او به من قوت می دهد تا مانند آهوم بدم و از صخره‌های بلند، بالا بروم. برای رهبر سرلندگان، با همراهی سازهای زی هی.

**صفنیا 17:3** زیرا پهلو خدایت که در میان توت نجات دهنده‌ای توانا می باشد. او از تو راضی خواهد بود، و تو را دوست خواهد داشت و وجود تو مایه شادی و سرور او خواهد بود.»

**حججی ۴:۱** «آیا این درست است که شما در خانه‌های نوساخته زندگی کنید ولی خانه من خراب بماند؟ **۵:۱** پس حال خداوند لشکرهای آسمان چنین می‌گوید: به نتیجه کارهایتان نگاه کنید: **۶:۱** بذر زیاد می‌کارید، ولی محصول کم برداشت می‌کنید؛ می‌خورید ولی سیر نمی‌شود؛ می‌نوشید ولی تشنگی تان رفع نمی‌گردد؛ لباس می‌پوشید اما گرم نمی‌شود؛ مزد می‌گیرید ولی گویی آن را در کیسه‌های سوراخ می‌گذاردی. **۷:۱** «خداوند لشکرهای آسمان چنین می‌گوید: خوب فکر کنید و ببینید چه کرده‌اید و نتیجه‌اش چه بوده است!

**زکریا ۱۰:۱۲** «من روح فیض و دعا را بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم خواهم ریخت، و آنها بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگرفت و عزاداری خواهند نمود چنانکه گویی برای تنها فرزند خود عزا گرفته‌اند، و آنچنان ماتم خواهند گرفت که گویی پسر ارشدشان مرده است.

**ملائکی ۲:۴** «اما برای شما که ترس مرا در دل دارید، آفتاب عدالت با پرتو شفایخش خود طلوع خواهد کرد، و شما شاد و سیکال مثُل گوسلاله‌ای که به چرگاه می‌روند، جست و خیر خواهید نمود. **۳:۴** و خداوند لشکرهای آسمان می‌گوید: در آن روزی که من تعیین کردم، بدکاران را مثل حاکسستر زیر پای خود له خواهید کرد.

**متی ۱۸:۲۸** آنگاه عیسیٰ جلو آمد و به ایشان فرمود: «تمام اختیارات در آسمان و زمین به من داده شده است. **۱۹:۲۸** پس بروید و تمام قومها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعیید دهید؛ **۲۰:۲۸** و به ایشان تعليم دهید که تمام دستورهایی را که به شما داده‌ام، اطاعت کنید. مطمئن باشید هر جا که بروید، حتی اگر دورترین نقطه دنیا باشد، من همیشه همراه شما هستم!» (aiōn)

(g165)

**مرقس ۱۴:۱** مدتی بعد، پس از آنکه بیحیی به دستور هیرودیس پادشاه، زندانی شد، عیسیٰ به جلیل آمد تا پیام خدا را به مردم برساند. **۱۵:۱** او فرمود: «زمان موعود فرا رسیده است و ملکوت خدا نزدیک شده است. پس، از گناهان خود توبه کنید و به این خبر خوش ایمان بیاروید. **۱۶:۱** روزی عیسیٰ در کناره دریاچه جلیل قدم می‌زد که شمعون و باردش آندریاس را دید که تور به دریا می‌انداختند، زیرا شغل هر دو ماهیگیری بود. **۱۷:۱** عیسیٰ ایشان را فرا خوانده، گفت: «به دنبال من بیایید و من به شما نشان خواهم داد که چگونه انسان‌ها را برای خدا صید کنید.» **۱۸:۱** ایشان نیز بی درنگ تورهای خود را بر زمین گذاشتند و به دنبال او به راه افتادند.

**لوقا ۱۸:۴** «روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده تا به بی‌نوابان بشارت دهم. او مرا فرستاده تا به اسیران مژده آزادی دهم و بیانی را به نابینایان اعلام نمایم و ستمدیدگان را آزاد سازم؛

**یوحنا ۱۶:۳** زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه پسر خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاودی بیاپد. (g166) **۱۷:۳** خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا مردمان را محاکوم سازد، بلکه تا جهان را به وسیله او نجات پختند.

**اعمال رسولان ۷:۱** جواب داد: «این زمانها را پدرم، خدا، تعیین می‌کند و دانستن آنها کار شما نیست. **۸:۱** ولی آنچه لازم است بدانید این است که وقتی روح القدس بر شما نازل شود، قادرت خواهید یافت تا در اورشلیم، در سراسر یهودیه، سامره، و تا دورترین نقاط جهان درباره من شهادت دهید.»

**رومیان ۳۲:۱۱** زیرا خدا همه را در بند نافرمانی قرار داد تا بعواند بر همه یکسان رحم کند. (eleēsē g1653) **۳۳:۱۱** و که چه خدای پرجلالی داریم! حکمت و دانش و ثروت او چه عظیم است! مثبت و راههای او فوق ادراک ماست! **۳۴:۱۱** «زیرا کیست که بعواند افکار خداوند را درک کنید؟ کیست که بعواند مشاور او باشد؟ **۳۵:۱۱** «چه کسی می‌تواند هدیه‌ای به او تقدیم نماید که قابل او باشد و از او انتظار عرض داشته باشد؟» **۳۶:۱۱** هر چه هست از خداست؟ وجود همه چیز به قدرت او وابسته است و همه چیز برای شکوه و جلال اوست. سخاوش نیایان بر او باد! آمین. (aiōn g165)

**اول قرنیتیان ۹:۶** مگر نمی‌دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نخواهند شد؟ خود را فریب نادهید! بی‌عفنان، بتپستان، زناکاران، لواطکاران، همجنس‌بازان، **۱۰:۶** و همین طور دزدان، طمعکاران، میگساران، تهمت‌زنندگان و کلاهبرداران، هیچ‌یک وارث ملکوت خدا نخواهند شد. **۱۱:۶** بعضی از شما در گذشته، چنین زندگی گناه‌آلودی داشتید، اما اکنون گناه‌انتان شسته شده و شما وقف خدا و مورد پسند او شده‌اید، و این در اثر کار خداوند ما عیسیٰ مسیح و قادرت روح القدس میسر شده است.

**دوم قرنیتان 17:5** کسی که از آن مسیح می‌گردد، تبدیل به شخص جدیدی می‌شود. او دیگر آن انسان قبلی نیست؛ بلکه زندگی کاملاً تازه‌ای را آغاز کرده است. **18:5** تمام این نیکی‌ها از سوی خداونی است که به خاطر فداکاری عیسی مسیح، ما را با خود آشتباده است، و این مستولیت را به ما سپرده تا پیام این آشتبی را به دیگران نیز برسانیم. **19:5** پیام ما این است که خدا در مسیح بود و مردم را به آشتبی با خود فرا می‌خواند تا گناهانش را بیخشاید و آثار آن را پاک نماید. **20:5** ما سفیران مسیح هستیم. خدا به وسیله ما با شما سخن می‌گوید. وقتی ما چیزی را از شما درخواست می‌کنیم، مانند این است که مسیح آن را از شما می‌خواهد. بنابراین، از جانب او از شما می‌خواهیم که لطف و محبت خدا را رد نکنید و با او آشتبی نماید. **21:5** زیرا خدا مسیح را که هرگز گناه نکرد، در راه ما گناه ساخت، تا ما بتوانیم به واسطه مسیح در پیشگاه خدا مقبول واقع شویم.

**غلاظطیان 6:1** تعجب می‌کنم که به این زودی از خدایی که شما را به واسطه فیض مسیح فرا خوانده است، رویگردن شده و به انجیل دیگری روی آورده‌اید، به پیام دیگری برای کسب حیات جاویدان. **7:1** زیرا غیر از راهی که به شما اعلام کردیم، راه دیگری وجود ندارد. آنانی که راه دیگری به شما معرفی می‌کنند، می‌خواهند شما را فربی داده، حقیقت انجیل مسیح را دگرگون کنند.

**افسیسیان 1:2** روزگاری شما نیز به علت سرکشی و گناهانتان، مرده بودید. **2:2** شما در گناه زندگی می‌کردید، آن هنگام که از روش‌های این دنیا و از فرمابوای قدرت هوا پیروی می‌نمودید، یعنی همان روحی که هم اکنون در طغیانگران عمل می‌کند. **3:2** ما نیز همگی مانند آنها بودیم. روش زندگی ما، نشان دهنده طبیعت ناپاک ما بود. ما اسیر هوسها و افکار کثیف خود بودیم و دست به هر کار رشتی می‌زدیم. ما با همین طبیعت سرکش به دنیا آمدیم و درست مانند دیگران، زیر خشم و غضب خدا بودیم. **4:2** اما خدا که لطف و رحمتش بیش از حد تصور ماست، ما را انقدر دوست داشت **5:2** که ما را با مسیح زنده کرد، گرچه در خطایا مرده بودیم. پس صرفاً در اثر فیض خدا نجات یافته‌ایم. **6:2** بله، خدا به دلیل کاری که مسیح برای ما انجام داد، ما را با او برجیزاید، و با او در قلمروهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید. **7:2** تا از این طریق، بتواند عظمت وصف تابدیل فیض خود در مسیح عیسی را در اعصار آینده، به همه نشان دهد، فرضی که در مهربانی اش نسبت به ما تجلی یافته است. **(aiōn g165) 8:2** زیرا به واسطه فیض است که نجات یافته‌اید، از طریق ایمان و این را نمی‌تواند به حساب خود بگذارد، چرا که هدایه‌ای است از جانب خدا. **9:2** نجات پاداش اعمال نیک ما نیست، و از این رو، هیچ کس نمی‌تواند به سبب آن به خود پیالد. **10:2** زیرا ما ساخته دست خدایم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از دیرباز تدارک دیده تا آنها سلوک کنیم.

**فلیپیان 7:3** اما اکنون همه این امتیازات را که روزگاری برایم بسیار با ارزش بود، دور ریخته‌ام، تا بتوانم ایمان و امید را به مسیح بیندم. **8:3** بله، همه چیز در مقابل نعمت شناخت خداوندم مسیح عیسی، بی ارزش است. بنابراین، همه را کنار گذاشتم، چون برای من پیشیزی ارزش ندارند، با این هدف که مسیح را داشته باشم. **9:3** و با او یکی شدم، و دیگر برای نجات یافتن، بر کارهای خوب خودم و با اطاعت از قوانین مذهبی تکیه نکنم، بلکه اعتماد بر مسیح باشد؛ زیرا فقط از راه ایمان به مسیح است که خدا ما را بی گناه به حساب می‌آورد.

**کولسیان 15:1** او چهره دیدنی خدای نادیدنی و نخست‌زاده تمامی آفرینش است. **16:1** در واقع، تمام هستی به وسیله عیسی مسیح به وجود آمد، یعنی هر آنچه در آسمان و بر زمین است، دیدنی و نادیدنی؛ عالم روحانی با فرمابوایان و تاج و تخت ایشان، و فرماندهان و بزرگانشان، همه به وسیله مسیح و برای جلال او آفریده شدند. **17:1** پیش از آنکه چیزی به وجود آید، او وجود داشت، و قدرت اوست که همه چیز را در عالم هستی در هم‌هانگی با یکدیگر نگاه می‌دارد. **18:1** او سر بدن است، که همان کلیسا باشد. او سرآغاز است، و نخست‌زاده آنانی است که به قیامت از مرگان می‌رسند، تا بدین سان، او در همه چیز مقتدم باشد. **19:1** زیرا خدا اراده فرمود که الوهیت کاملش در وجود پسرش ساکن گردد. **20:1** او به واسطه مسیح، همه چیز را با خود آشتبی داد، چه چیزهایی که بر روی زمین اند و چه چیزهایی که در آسمان هستند، و با خون او که بر صلیب ریخته شد، صلح و آشتبی را فراهم ساخت.

**اول تosalونیکیان 1:4** دیگر اینکه، ای برادران و خواهران عزیز، به نام عیسای خداوند از شما استدعا داریم چنان رفتار کنید که خدا را خشنود سازید، چنانکه به شما آموختیم. البته، همین گونه نیز رفارمی کنید، اما شما را تشییق می‌کنیم تا در این مورد بیشتر تلاش کنید. **2:4** زیرا می‌دانید که به اقدار عیسای خداوند چه تعالیمی به شما دادیم. **3:4** اراده و خواست خدا این است که مقدس باشید و از هر نوع گناه جنسی خود را دور نگاه دارید. **4:4** هر یک از شما باید بیاموزد که بدن خود را تحت تسلط درآورد و زندگی خود را در تقضی و احترام سپری کنند. **5:4** نگذارید بدنبان مانند خدانشناسان، اسیر شهوات باشد.

**دوم تosalونیکیان 6:3** و اکنون برادران عزیز، به حکمی که به نام خداوند ما عیسی مسیح و با قدرت او صادر می کنیم، توجه کنید: از هر مسیحی تنبیل که اوقات خود را به بیکاری می گذراند، و نمی خواهد مطابق الگویی که ارانه دادیم کار کند، دوری نماید.**7:3** زیرا شما خوب می دانید که چه درسی باید از ما بگیرید: شما هرگز ندیدید که ما در میان شما بیکار بگردیدم.**8:3** تان هیچ کس را مفت نخودیدم، بلکه روز و شب کار کردیم و عرق رینخیتم تا بعوانیم لقمه نانی به دست آورده، سربار شما نباشیم؛**9:3** نه به این دليل که حق نداشتم از شما تقاضای خوارک بکنیم، بلکه می خواستیم الگویی به شما بدهیم و نشان دهیم که برا امرار معاش باید کار کرد.**10:3** همان موقع نیز که آنچه نزد شما بودیم، حکم کردیم که: «هر کس نمی خواهد کار کند، حق ندارد خوارک بخورد.»

**اول تیموتاوس 1:2** از این رو، پیش از هر چیز، سفارش می کنم که برای جمیع مردمان، درخواستها، دعاها، شفاعت‌ها و شکرگزاری‌ها به جا آورده شود.**2:2** از جمله، برای پادشاهان و صاحب منصبان، تا بتوانیم در صلح و آرامش به سر بریم و در هر زمینه‌ای، با خداترسی و شایستگی زندگی کنیم.**3:2** زیرا این نیکو و پسندیده نجات‌دهنده ما خداست.**4:2** که می خواهد همه مردم نجات بپائند و به شناخت حقیقت برسند،**5:2** این حقیقت که تنها یک خدا هست، و نیز تنها یک میانجی میان خدا و بشر، یعنی عیسی مسیح که خود نیز انسان بود،

**دوم تیموتاوس 8:2** هیچگاه این حقیقت را از یاد نبر که عیسی مسیح به لحاظ جسمانی، از نسل دارد بود و پس از مرگ، بار دیگر زنده شد. این همان پیغام انجل است که من اعلام می کنم،**9:2** و به سبب این کار، در زحمت افتابادام و مانند یک خطاكار در زندان به سر می برم. با اینکه مرا به زنجیر کشیده‌اند، اما کلام خدا را نمی توانند به زنجیر بکشند.**10:2** اما من حاضر در راه برگردگان خدا بیش از اینها رحمت بیین تا ایشان نیز نجات و جلال جاودانی را از عیسی مسیح بیابند. (*aiōnios g166*)

**تیتوس 11:2** زیرا فیض خدا ظاهر شده است، فیضی که سرچشم نجات برای همه مردم است،**12:2** و به ما می آموزد که از زندگی ای بند و بار و خوشگذرانی‌های گناه‌آسود دست بکشیم و زندگی پاک و خدابستنایهای در این دنیا داشته باشیم. (*aiōn g165*)**13:2** اگر چنین زندگی کنیم، می توانیم با امید و اشیاق، منتظر روز مبارکی باشیم که در آن، خدای بزرگ و نجات دهنده‌مان عیسی مسیح باشکوه و جلال ظاهر می شود.**14:2** او جان خود را در راه گناهان ما فدا ساخت تا ما را از هر شرارتی راهی بخشد، و ما را طاهر ساز، و از ما قوی پدید آورده که به شکلی خاص متعلق به او بوده، عمیقاً مشتاق انجام اعمال نیک باشند.

**فلیمون 3:1** از پدرمان، خدا، و خداوندان، عیسی مسیح، خواستار فیض و آرامش برای شما هستم.**4:1** فلیمون عزیز، هر بار که برای تو دعا می کنم، ابتدا خدا را برای وجود تو شکر می کنم،**5:1** زیرا از دیگران می شنوم که چه ایمان استواری به عیسای خداوند داری، و چه محبتی در حق همه مقدسان، یعنی در حق ایمانداران انجام می دهی.**6:1** دعا می کنم که ایمان و اعتمادی را که به خداوند داری، با دیگران در میان بگذاری، تا ایشان نیز تحت تأثیر قرار گیرند و بینند که چه نیکویی ها و مواهی از عیسی مسیح نصیب تو شده است.**7:1** من خودم از محبت تو ای برادر، شادی و تسلی پیدا کردم، زیرا مهربانی تو دلهای ایمانداران را تازه کرده است.

**عیرانیان 1:1** در زمانهای گذشته، خدا بارها و به شیوه‌های گوناگون، از طریق پیامبران با نیاکان ما سخن گفت،**2:1** اما در این ایام آخر، توسط پسرش با ما سخن گفت. خدا در واقع، اختیار همه چیز را به پسر خود سپرده و جهان و تمام موجودات را به وسیله او آفریده است.**3:1** پسر خدا، معکوس‌کننده جلال خدا و مظہر کامل وجود است. او با کلام نیرومند خود تمام عالم هستی را اداره می کند. او به این جهان آمد تا جانش را فدا کند و ما را پاک ساخته، گذشته گناه‌آسود ما را محو نماید؛ پس از آن، در بالاترین مکان افخار، یعنی به دست راست خدای متعال نشست.

**یعقوب 16:1** پس ای ایمانداران عزیز، گمراه مشوید.**17:1** از جانب خدا فقط موهاب نیکو و کامل به ما می رسد، از او که آفریننده همه روشانی هاست، و بخلاف سایه‌های جاچاشوونده، دچار تغییر نمی گردد.**18:1** او چنین اراده فرمود که ما را به وسیله کلام حقیقت، یعنی پیام انجلیل، حیاتی نو بیخشد، تا ما نویر مخلوقات او باشیم.

**اول پطرس 18:3** مسیح نیز زحمت دید. او خود از هر گناهی می‌بود، اما یک بار جان خود را در راه ما گناهکاران فدا کرد تا ما را به حضور خدا بیارد. او به لحاظ جسم مُرد، اما به لحاظ روح زنده گشت.

**دوم پطرس 3:1** او همچنین با قدرت الهی خود، هر چه که برای یک زندگی خداپستدانه نیاز داریم، به ما میبخشد و حتی ما را در جلال و نیکوی خود سهیم می‌سازد؛ اما برای این منظور، لازم است که او را بهتر و عصیق‌تر بشناسیم. **4:1** با همین قدرت عظیم بود که تمام برکات غنی و عالی را که وعده داده بود، به ما بخشید. یکی از این وعده‌ها این بود که ما را از شهوت و فساد محیط اطرافمان رهایی دهد و از طبیعت و صفات الهی خود بهره‌ای به ما بخشید.

**اول یوحنا 1:2** فرزندان عزیزم، این را به شما می‌نویسم تا گناهی از شما سر زد، کسی هست که برای ما نزد خدای پدر وساطت کند و بخشايش ما را از او درخواست نماید. این شخص عیسی مسیح است که مظہر راستی و عدالت است. **2:2** او کسی است که توان گناهان ما را داده تا خدا ما را هلاک نسازد؛ او با این کار، رابطه‌ای دوستانه میان خدا و ما به وجود آورده است. او نه فقط برای گناهان ما، بلکه برای گناهان تمام مردم جهان فدا شد.

**دوم یوحنا 7:1** این را می‌گوییم چون معلمین فریکار بسیاری در دنیا هستند. ایشان قبول ندارند که عیسی مسیح به صورت یک انسان و با بدنی همچون بدن ما به این جهان آمد. چنین افراد، فریکار و ضدمسیح هستند.

**سوم یوحنا 4:1** برای من هیچ دلخوشی بزرگتر از این نیست که بشنوم فرزندان اینچنین از حقیقت پیروی می‌کنند.

**یهودا 3:1** ای عزیزان، اشتیاق بسیار داشتم تا درباره نجاتی که خداوند به ما بخشیده، مطالبی برایتان بنویسم. اما اکنون لازم می‌بینم، مطلب دیگری به جای آن بنویسم تا شما را ترغیب نمایم از آن ایمانی که خدا یکبار برای همیشه به مقدسین خود سپرده، با جدیت تمام دفاع کنید. **4:1** زیرا عده‌ای خدانشناس با نیرنگ وارد کلیسا شده‌اند و تعلیم می‌دهند که ما پس از مسیحی شدن، می‌توانیم هر چه دلمان می‌خواهد انجام دهیم بدون آنکه از مجازات الهی بترسیم. عاقبت هولناک این معلمین دروغین و گمراه از مدت‌ها پیش تعیین شده است، زیرا با سرور و خداوند یگانه ما عیسی مسیح، سر به مخالفت برداشته‌اند.

**مکاشفه 19:3** من آنانی را که دوست می‌دارم، تأذیب و تنبیه می‌کنم. تو را نیز تنبیه می‌کنم تا از لاقيیدی دست کشیده، برای خدا غیر شوی. **20:3** اکنون در مقابل در ایستاده، در را می‌کویم. هر که صدای ما بشنود و در را بگشاید، داخل شده، با او همسفره خواهم شد و او نیز با من. **21:3** من به هر که پیروز شود، اجازه خواهم داد که بر تخت سلطنتی ام، در کنار من بنشید، همان‌طور که من نیز پیروز شدم و در کنار پدرم بر تخت او نشستم. **22:3** هر که این را می‌شنود، خوب توجه کند که روح خدا به کلیساها چه می‌گوید.»

# راهنمای خوانندگان

فارسی at [AionianBible.org/Readers-Guide](http://AionianBible.org/Readers-Guide)

The Aionian Bible republishes public domain and Creative Common Bible texts that are 100% free to copy and print. The original translation is unaltered and notes are added to help your study. The notes show the location of eleven special Greek and Hebrew Aionian Glossary words to help us better understand God's love for individuals and for all mankind, and the nature of afterlife destinies.

Who has the authority to interpret the Bible and examine the underlying Hebrew and Greek words? That is a good question! We read in 1 John 2:27, “*As for you, the anointing which you received from him remains in you, and you do not need for anyone to teach you. But as his anointing teaches you concerning all things, and is true, and is no lie, and even as it taught you, you remain in him.*” Every Christian is qualified to interpret the Bible! Now that does not mean we will all agree. Each of us is still growing in our understanding of the truth. However, it does mean that there is no infallible human or tradition to answer all our questions. Instead the Holy Spirit helps each of us to know the truth and grow closer to God and each other.

The Bible is a library with 66 books in the Protestant Canon. The best way to learn God's word is to read entire books. Read the book of Genesis. Read the book of John. Read the entire Bible library. Topical studies and cross-referencing can be good. However, the safest way to understand context and meaning is to read whole Bible books. Chapter and verse numbers were added for convenience in the 16th century, but unfortunately they can cause the Bible to seem like an encyclopedia. The Aionian Bible is formatted with simple verse numbering, minimal notes, and no cross-referencing in order to encourage the reading of Bible books.

Bible reading must also begin with prayer. Any Christian is qualified to interpret the Bible with God's help. However, this freedom is also a responsibility because without the Holy Spirit we cannot interpret accurately. We read in 1 Corinthians 2:13-14, “*And we speak of these things, not with words taught by human wisdom, but with those taught by the Spirit, comparing spiritual things with spiritual things. Now the natural person does not receive the things of the Spirit of God, for they are foolishness to him, and he cannot understand them, because they are spiritually discerned.*” So we cannot understand in our natural self, but we can with God's help through prayer.

The Holy Spirit is the best writer and he uses literary devices such as introductions, conclusions, paragraphs, and metaphors. He also writes various genres including historical narrative, prose, and poetry. So Bible study must spiritually discern and understand literature. Pray, read, observe, interpret, and apply. Finally, “*Do your best to present yourself approved by God, a worker who does not need to be ashamed, properly handling the word of truth.*” 2 Timothy 2:15. “*God has granted to us his precious and exceedingly great promises; that through these you may become partakers of the divine nature, having escaped from the corruption that is in the world by lust. Yes, and for this very cause adding on your part all diligence, in your faith supply moral excellence; and in moral excellence, knowledge; and in knowledge, self-control; and in self-control patience; and in patience godliness; and in godliness brotherly affection; and in brotherly affection, love. For if these things are yours and abound, they make you to be not idle nor unfruitful to the knowledge of our Lord Jesus Christ,*” 2 Peter 1:4-8.

واژه نامه  
at [AionianBible.org/Glossary](http://AionianBible.org/Glossary)

The Aionian Bible un-translates and instead transliterates eleven special words to help us better understand the extent of God's love for individuals and all mankind, and the nature of afterlife destinies. The original translation is unaltered and a note is added to 64 Old Testament and 200 New Testament verses. Compare the meanings below to the Strong's Concordance and Glossary definitions.

**Abyssos** g12

Greek: proper noun, place

Usage: 9 times in 3 books, 6 chapters, and 9 verses

Meaning:

Temporary prison for special fallen angels such as Apollyon, the Beast, and Satan.

**aīdios** g126

Greek: adjective

Usage: 2 times in Romans 1:20 and Jude 6

Meaning:

Lasting, enduring forever, eternal.

**aiōn** g165

Greek: noun

Usage: 127 times in 22 books, 75 chapters, and 102 verses

Meaning:

A lifetime or time period with a beginning and end, an era, an age, the completion of which is beyond human perception, but known only to God the creator of the aiōns, Hebrews 1:2. Never meaning simple endless or infinite chronological time in Greek usage. Read Dr. Heleen Keizer and Ramelli and Konstan for proofs.

**aiōnios** g166

Greek: adjective

Usage: 71 times in 19 books, 44 chapters, and 69 verses

Meaning:

From start to finish, pertaining to the age, lifetime, entirety, complete, or even consummate. Never meaning simple endless or infinite chronological time in Koine Greek usage. Read Dr. Heleen Keizer and Ramelli and Konstan for proofs.

**eleēsē** g1653

Greek: verb, aorist tense, active voice, subjunctive mood, 3rd person singular

Usage: 1 time in this conjugation, Romans 11:32

Meaning:

To have pity on, to show mercy. Typically, the subjunctive mood indicates possibility, not certainty. However, a subjunctive in a purpose clause is a resulting action as certain as the causal action. The subjunctive in a purpose clause functions as an indicative, not an optative. Thus, the grand conclusion of grace theology in Romans 11:32 must be clarified. God's mercy on all is not a possibility, but a certainty. See [ntgreek.org](http://ntgreek.org).

***Geenna*** g1067

Greek: proper noun, place

Usage: 12 times in 4 books, 7 chapters, and 12 verses

Meaning:

Valley of Hinnom, Jerusalem's trash dump, a place of ruin, destruction, and judgment in this life, or the next, though not eternal to Jesus' audience.

***Hadēs*** g86

Greek: proper noun, place

Usage: 11 times in 5 books, 9 chapters, and 11 verses

Meaning:

Synonomous with Sheol, though in New Testament usage Hades is the temporal place of punishment for deceased unbelieving mankind, distinct from Paradise for deceased believers.

***Limnē Pyr*** g3041 g4442

Greek: proper noun, place

Usage: Phrase 5 times in the New Testament

Meaning:

Lake of Fire, final punishment for those not named in the Book of Life, prepared for the Devil and his angels, Matthew 25:41.

***Sheol*** h7585

Hebrew: proper noun, place

Usage: 66 times in 17 books, 50 chapters, and 64 verses

Meaning:

The grave or temporal afterlife world of both the righteous and unrighteous, believing and unbelieving, until the general resurrection.

***Tartaroō*** g5020

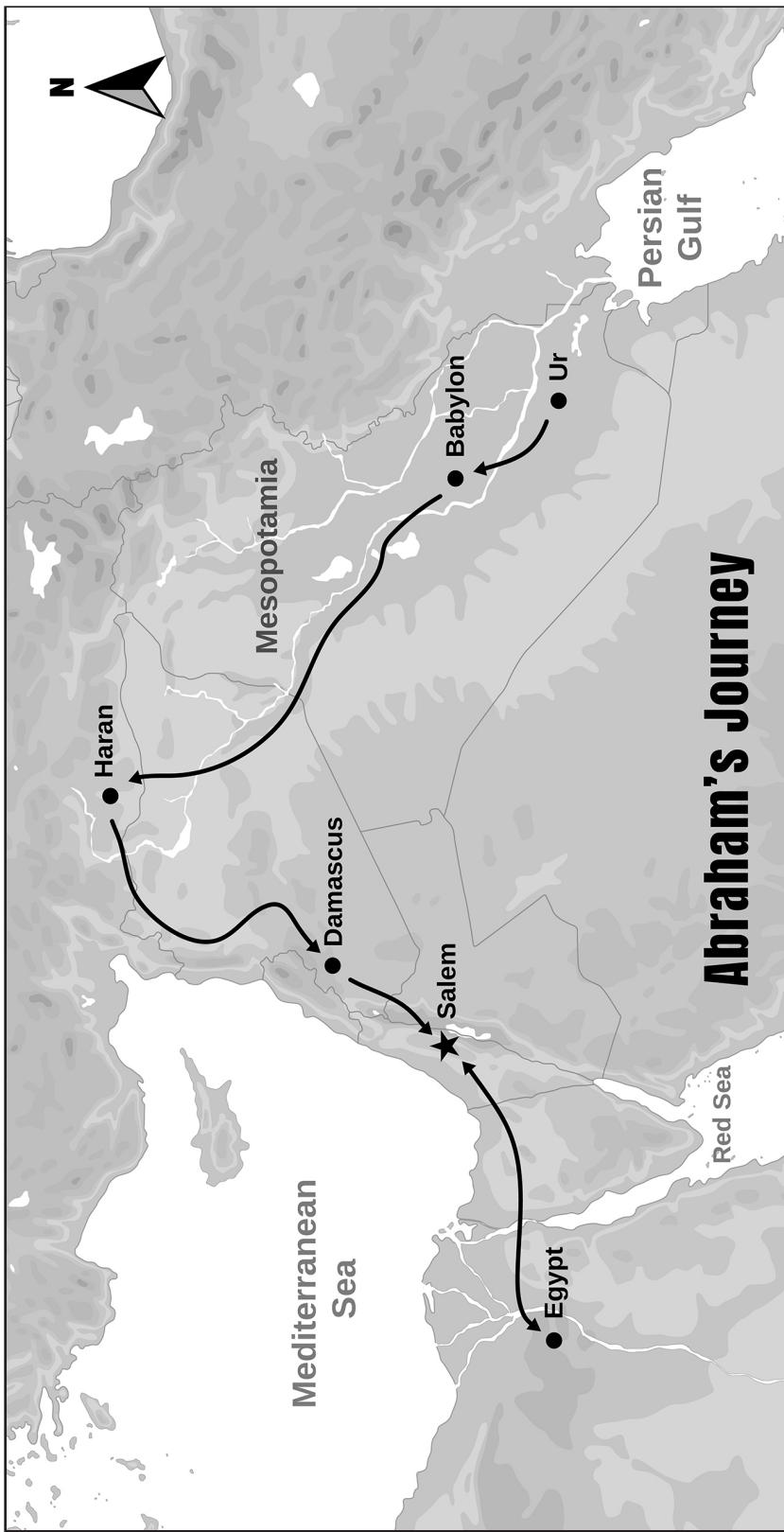
Greek: proper noun, place

Usage: 1 time in 2 Peter 2:4

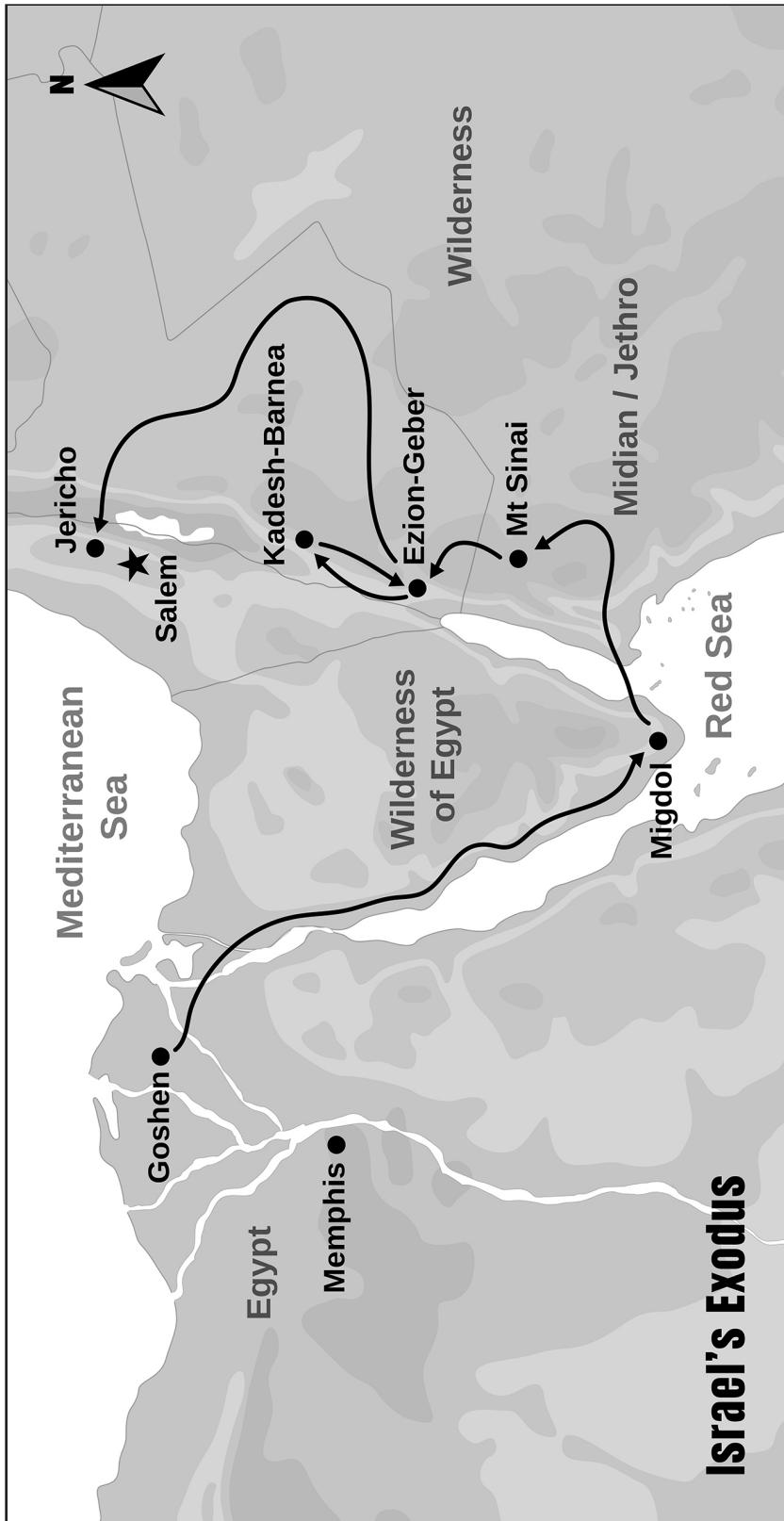
Meaning:

Temporary prison for particular fallen angels awaiting final judgment.

# Abraham's Journey

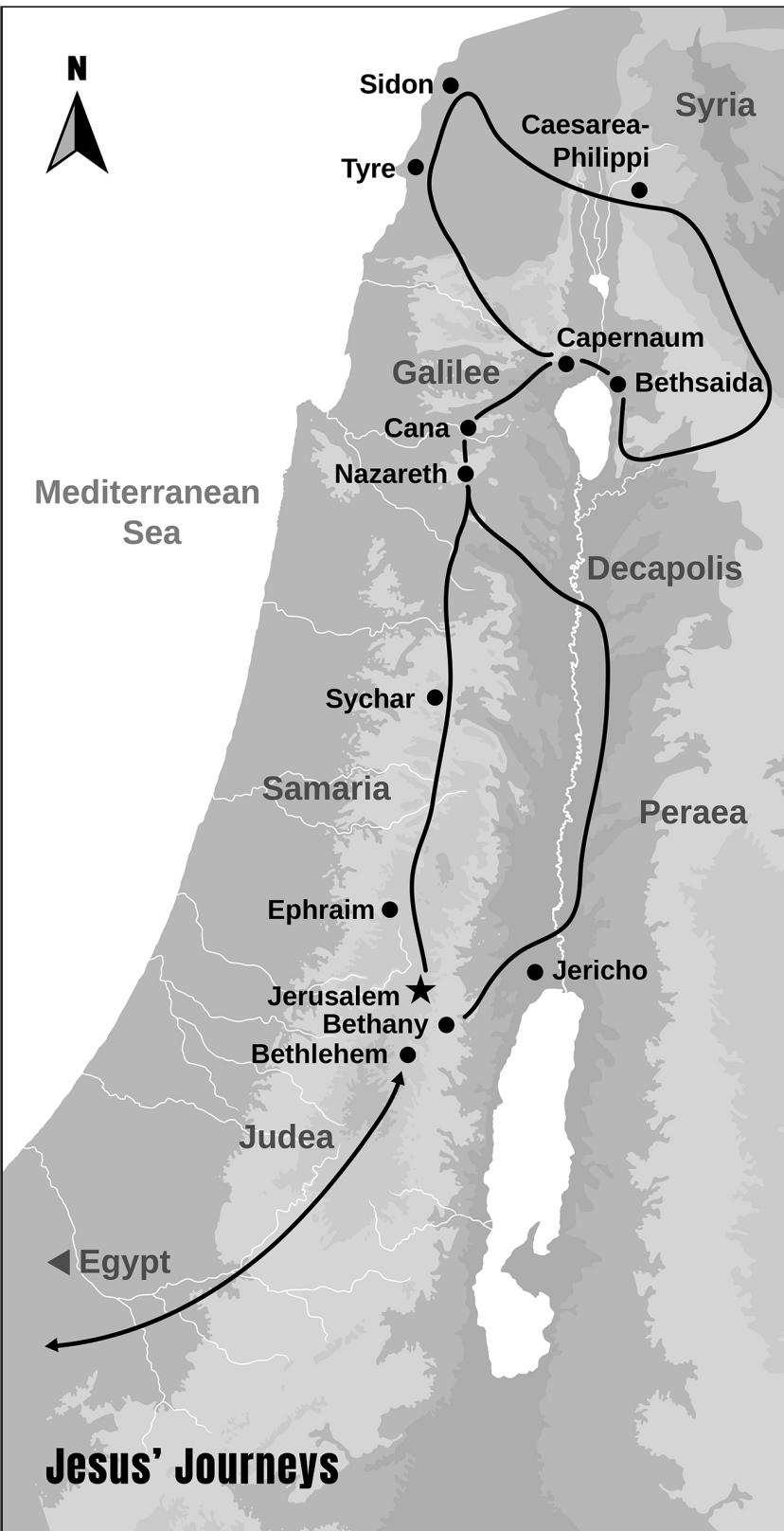


ابراهیم پیر به خاطر ایمانی که به خدا داشت، دعوت او را طاعت کرد و به سوی سرزمینی که خدا وعده‌اش را داده بود، به ارا افتاد. او بدن آنکه بداند به کجا میرود، شهر و دیار خود را ترک گفت؛ - عربیان ۱:۸



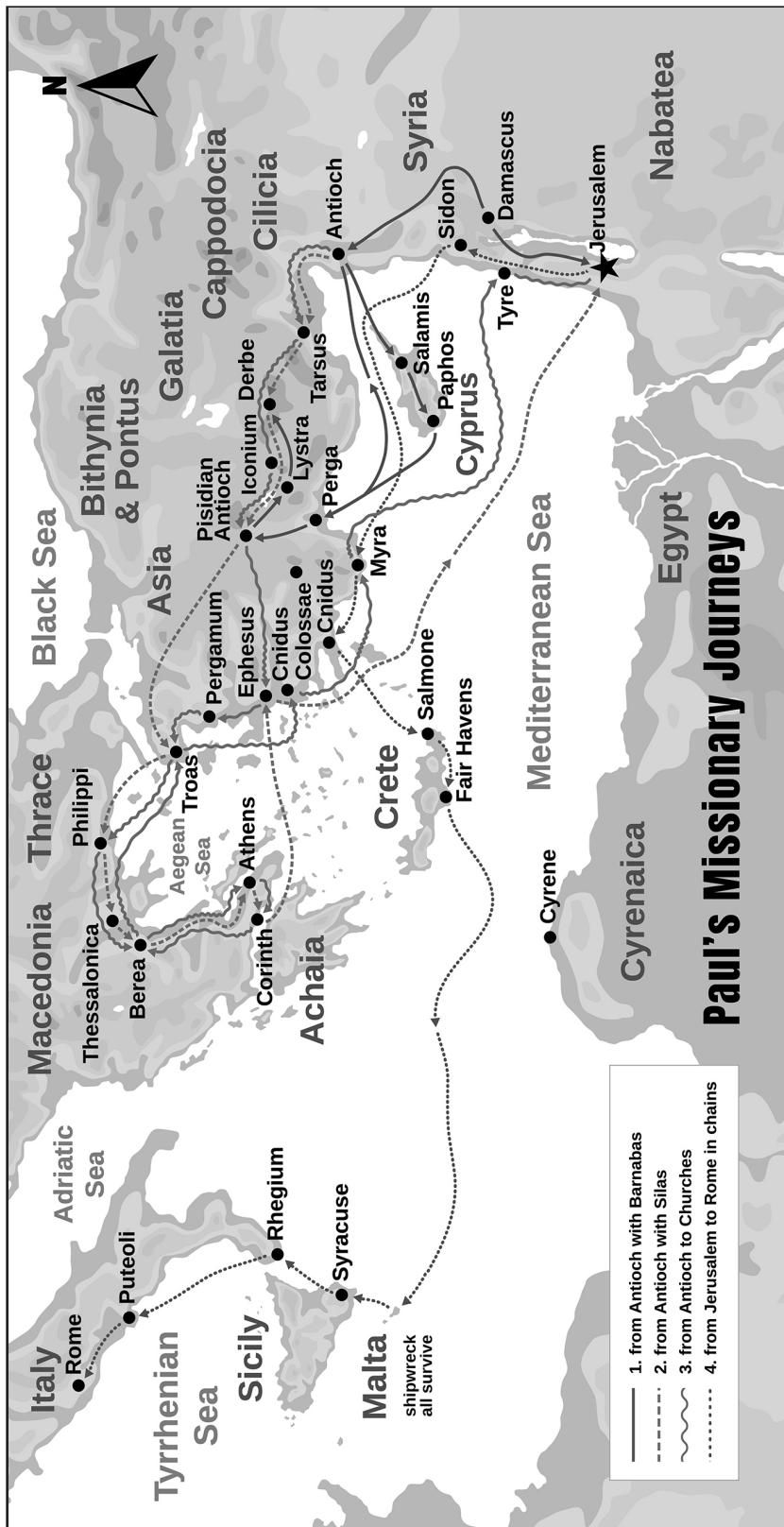
وقعه سر ایلام فرعون به قوم اسرائیل اجازه داد تا از مصر بروند، خدا آن را از راه اصلی که از سرزمین فلسطینی ها می گذشتند برود، هرچند آن را نبودنکرد. خدا گفت: «اگر قوم با جیگ را زد و شود، ممکن است پیشیان شده، به مصر بگردند». - خروج 13:17

بیوی پسر انسان نیز نیامده تا کسی به او خدمت کند، بلکه آمده است تا به دیگران کمک کند و جایش را در راه آزادی دیگران داد سازد. - مفہوم ۱۰:۴۵



# Paul's Missionary Journeys

این نامه از طرف پولس، ملام عیسی مسیح است که قوسمت خدا به رسالت برگردانده شده تا موده انجیل او را به همگان برسانند. - رومیان ۱:۱



# New Heavens and Earth



- Christ returns for his people
- 1956 Jim Elliot martyred in Ecuador
- 1830 John Williams reaches Polynesia
- 1731 Zinzendorf leads Moravian mission
- 1614 Japanese kill 40,000 Christians
- 1572 Jesuits reach Mexico
- 1517 Martin Luther leads Reformation
- 1455 Gutenberg prints first Bible
- 1323 Franciscans reach Sumatra
- 1276 Ramon Llull trains missionaries
- 1100 Crusades tarnish the church
- 1054 The Great Schism
- 997 Adalbert martyred in Prussia
- 864 Bulgarian Prince Boris converts
- 716 Boniface reaches Germany
- 635 Alopen reaches China
- 569 Longinus reaches Alodia / Sudan
- 432 Saint Patrick reaches Ireland
- 397 Carthage ratifies Bible Canon
- 341 Ulfilas reaches Goth / Romania
- 325 Niceae proclaims God is Trinity
- 250 Denis reaches Paris, France
- 197 Tertullian writes Christian literature
- 70 Titus destroys the Jewish Temple
- 61 Paul imprisoned in Rome, Italy
- 52 Thomas reaches Malabar, India
- 39 Peter reaches Gentile Cornelius
- 33 Holy Spirit empowers the Church

(Wikipedia, Timeline of Christian missions)

## Resurrected 33 A.D.

# **Creation 4004 B.C.**

<b>Adam and Eve created</b>	<b>4004</b>
<b>Tubal-cain forges metal</b>	<b>3300</b>
<b>Enoch walks with God</b>	<b>3017</b>
<b>Methuselah dies at age 969</b>	<b>2349</b>
<b>God floods the Earth</b>	<b>2349</b>
<b>Tower of Babel thwarted</b>	<b>2247</b>
<b>Abraham sojourns to Canaan</b>	<b>1922</b>
<b>Jacob moves to Egypt</b>	<b>1706</b>
<b>Moses leads Exodus from Egypt</b>	<b>1491</b>
<b>Gideon judges Israel</b>	<b>1245</b>
<b>Ruth embraces the God of Israel</b>	<b>1168</b>
<b>David installed as King</b>	<b>1055</b>
<b>King Solomon builds the Temple</b>	<b>1018</b>
<b>Elijah defeats Baal's prophets</b>	<b>896</b>
<b>Jonah preaches to Nineveh</b>	<b>800</b>
<b>Assyrians conquer Israelites</b>	<b>721</b>
<b>King Josiah reforms Judah</b>	<b>630</b>
<b>Babylonians capture Judah</b>	<b>605</b>
<b>Persians conquer Babylonians</b>	<b>539</b>
<b>Cyrus frees Jews, rebuilds Temple</b>	<b>537</b>
<b>Nehemiah rebuilds the wall</b>	<b>454</b>
<b>Malachi prophesies the Messiah</b>	<b>416</b>
<b>Greeks conquer Persians</b>	<b>331</b>
<b>Seleucids conquer Greeks</b>	<b>312</b>
<b>Hebrew Bible translated to Greek</b>	<b>250</b>
<b>Maccabees defeat Seleucids</b>	<b>165</b>
<b>Romans subject Judea</b>	<b>63</b>
<b>Herod the Great rules Judea</b>	<b>37</b>

(The Annals of the World, James Usher)



# **Jesus Christ born 4 B.C.**

Mankind is created in God's image, male and female He created us

Sin entered the world through Adam and then death through sin

## When are we?



Fallen				Glory				
Fall to sin No Law	Moses' Law 1500 B.C.	Christ 33 A.D.	Church Age Kingdom Age	New Heavens and Earth				
1 Timothy 6:16 Living in unapproachable light				Acts 3:21 Philippians 2:11 Revelation 20:3				
John 8:58 Pre-incarnate		John 1:14 Incarnate	Luke 23:43 Paradise	God's perfectly restored fellowship with all Mankind praising Christ as Lord in the Holy City				
Psalm 139:7 Everywhere		John 14:17 Living in believers						
Ephesians 2:1-5 Serving the Savior or Satan on Earth								
Luke 16:22 Blessed in Paradise								
Luke 16:23, Revelation 20:5,13 Punished in Hades until the final judgment				Matthew 25:41 Revelation 20:10				
Hebrews 1:14 Serving mankind at God's command								
2 Peter 2:4, Jude 6 Imprisoned in Tartarus								
1 Peter 5:8, Revelation 12:10 Rebelling against Christ Accusing mankind				Revelation 20:13 Thalaasa				
				Revelation 19:20 Lake of Fire				
				Revelation 20:2 Abyss				

For God has bound all over to disobedience in order to show mercy to all

What are we? ►			Genesis 1:26 - 2:3	
How are we sinful? ►			Romans 5:12-19	
Where are we?			Innocence	
			Eternity Past	Creation 4004 B.C.
Who are we? ►	God	Father	John 10:30  God's perfect fellowship	Genesis 1:31  God's perfect fellowship with Adam in The Garden of Eden
		Son		
		Holy Spirit		
	Mankind	Living	Genesis 1:1  No Creation No people	Genesis 1:31  No Fall No unholy Angels
		Deceased believing		
		Deceased unbelieving		
	Angels	Holy		
		Imprisoned		
		Fugitive		
		First Beast		
		False Prophet		
		Satan		
Why are we? ►			Romans 11:25-36, Ephesian 2:7	

## سرنوشت

at [AionianBible.org/Destiny](http://AionianBible.org/Destiny) فارسی

The Aionian Bible shows the location of eleven special Greek and Hebrew Aionian Glossary words to help us better understand God's love for individuals and for all mankind, and the nature of after-life destinies. The underlying Hebrew and Greek words typically translated as *Hell* show us that there are not just two after-life destinies, Heaven or Hell. Instead, there are a number of different locations, each with different purposes, different durations, and different inhabitants. Locations include 1) Old Testament Sheol and New Testament Hadēs, 2) Geenna, 3) Tartarōō, 4) Abyssos, 5) Limnē Pyr, 6) Paradise, 7) *The New Heaven*, and 8) *The New Earth*. So there is reason to review our conclusions about the destinies of redeemed mankind and fallen angels.

The key observation is that fallen angels will be present at the final judgment, 2 Peter 2:4 and Jude 6. Traditionally, we understand the separation of the Sheep and the Goats at the final judgment to divide believing from unbelieving mankind, Matthew 25:31-46 and Revelation 20:11-15. However, the presence of fallen angels alternatively suggests that Jesus is separating redeemed mankind from the fallen angels. We do know that Jesus is the helper of mankind and not the helper of the Devil, Hebrews 2. We also know that Jesus has atoned for the sins of all mankind, both believer and unbeliever alike, 1 John 2:1-2. Deceased believers are rewarded in Paradise, Luke 23:43, while unbelievers are punished in Hades as the story of Lazarus makes plain, Luke 16:19-31. Yet less commonly known, the punishment of this selfish man and all unbelievers is before the final judgment, is temporal, and is punctuated when Hades is evacuated, Revelation 20:13. So is there hope beyond Hades for unbelieving mankind? Jesus promised, "*the gates of Hades will not prevail*," Matthew 16:18. Paul asks, "*Hades where is your victory?*" 1 Corinthians 15:55. John wrote, "*Hades gives up*," Revelation 20:13.

Jesus comforts us saying, "*Do not be afraid*," because he holds the keys to *unlock* death and Hades, Revelation 1:18. Yet too often our *Good News* sounds like a warning to "*be afraid*" because Jesus holds the keys to *lock* Hades! Wow, we have it backwards! Hades will be evacuated! And to guarantee hope, once emptied, Hades is thrown into the Lake of Fire, never needed again, Revelation 20:14.

Finally, we read that anyone whose name is not written in the Book of Life is thrown into the Lake of Fire, the second death, with no exit ever mentioned or promised, Revelation 21:1-8. So are those evacuated from Hades then, "*out of the frying pan, into the fire?*" Certainly, the Lake of Fire is the destiny of the Goats. But, do not be afraid. Instead, read the Bible's explicit mention of the purpose of the Lake of Fire and the identity of the Goats, "*Then he will say also to those on the left hand, 'Depart from me, you cursed, into the consummate fire which is prepared for... the devil and his angels,'*" Matthew 25:41. Bad news for the Devil. Good news for all mankind!

Faith is not a pen to write your own name in the Book of Life. Instead, faith is the glasses to see that the love of Christ for all mankind has already written our names in Heaven. "*If the first fruit is holy, so is the lump*," Romans 11:16. Though unbelievers will suffer regrettable punishment in Hades, redeemed mankind will never enter the Lake of Fire, prepared for the devil and his angels. And as God promised, all mankind will worship Christ together forever, Philippians 2:9-11.



## Disciple All Nations

بیس بروند و تمثیل قومها را شاگرد من می‌بازد و اینسان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمیب دهد: - منی 28:19

